



دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در کلام مقام معظم رهبری

دقترسوم

معاونت امور بین الملل به مقام معظم رهبری



فهرست:

مقدمه

سیاست‌های کلی علم و فناوری ایران

دستاوردها

❖ دستاوردهای فرهنگی

- اقامه دین
- نظام مبتنی بر دین
- حاکمیت اراده و ایمان
- رونق دین و دینداری
- دین و سیاست
- افتخار به مسلمانی
- معنویت گرایی
- آرمان‌های اسلامی
- مردم سالاری دینی
- پرچم اسلام
- ذکر خدا
- نماز
- نماز جمعه

- اعتکاف
- تعهد و مسئولیت
- بیداری
- وحدت
- تفکر
- حرف نو
- عدالت
- قانون
- شناخت کرامت
- زنده کردن مردم
- بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی
- امید و نشاط
- حضور زنان در صحنه
- عزت
- اخلاق اجتماعی
- جوانان مؤمن و مخلص
- انسان صالح
- تولید، کیفیت، نیروی انسانی زنده
- استقامت
- ایثار و مقاومت
- تکریم شهید و خانواده هایشان
- افکار و جو قرآنی و اسلامی
- ادبیات - شعر

✧ دستاوردهای علمی

- علم، پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور
- پیشرفت علمی
- استقلال علمی
- خودباوری علمی
- اعتماد به نفس علمی
- تغییر وابستگی علمی به خودباوری علمی
- خود کفایی
- اتکا به خود
- حضور دین در دانشگاه ها
- اساتید مؤمن و ارزشی
- گمنامی دانشمندان کشور قبل از انقلاب اسلامی
- دانشگاه بیدار
- ما می توانیم
- انرژی هسته ای
- فعالیت های عمرانی
- سازندگی
- آمارهای پیشرفت کشور
-

✧ دستاوردهای سیاسی

- قدرت تحلیل سیاسی
- حضور مردمی
- حضور مردم در صحنه
- الهام بخشی ملت ایران
- مردم سالاری
- حرکت مردمی
- مشارکت مردم
- آزادی
- دفاع از مظلوم
- ثبات اهداف
- استقلال، عدم وابستگی سیاسی
- استقلال کشور، هویت ایران اسلامی
- قطع دیکتاتوری و وابستگی
- تبلور استقلال و عزت ملت ایران در ماجرای دادگاه میکونوس
- اقتدار
- عزت
- انتخابات
- بیداری اسلامی
- ایجاد سه موج اسلام خواهی در دنیا تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی
- مقایسه‌ی انقلاب‌های جهان؛ منحرف شدن انقلاب‌های بزرگ دنیا
- مخالفت با سلطه‌گری
- کانون الهام‌بخش دنیای اسلام
- امیدآفرینی در دنیای اسلام
- الگوگیری از تجربه انقلاب اسلامی
- کوتاهی دست آمریکا در ایران
- دشمن شناسی
- رشد درک سیاسی

✧ دستاوردهای دفاعی

- دفاع مقدس، خودباوری
- دفاع مقدس، بروز استعدادها
- بسیج
- بسیج، اعتماد به نفس ملی
- شهیدان، مدافعان امنیت و استقلال
- نجات از سلطه مستکبرین
- دفاع از منافع جمهوری اسلامی

✧ افق آینده دستاوردها

- حفظ دستاوردهای بزرگ
- کوچک نشمردن دستاوردها
- تمدن ایرانی
- ایجاد تمدن نوین اسلامی
- راه باز
- علم نافع
- آینده علم و دانشگاهها
- پژوهش
- ارتباط صنعت و دانشگاه
- نقش آفرینی در اقتصاد مقاومتی
- اساتید ارزشی
- دشمن شناسی
- تحصیل دانش

- صدای رسا
- بصیرت
- حراست از بسیج
- نیروی عظیم ایمان
- استقامت و ایستادگی
- هشیاری
- نهادهای انقلابی
- ارزش های انقلابی
- حفظ دستاوردها
- حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی
- حفظ دستاورد خون شهیدان
- دستاوردهای انقلاب؛ حریم و ناموس ما





دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با دیگر انقلاب‌هایی که در دنیا اتفاق افتاده‌اند، بی‌نظیر بوده و در حوزه‌های مختلف دینی، اخلاقی، علمی، فن‌آوری و سیاسی و... تجلی پیدا کرده است. دشمنان انقلاب اسلامی نیز همواره در صدد کتمان یا آسیب‌رسانی به این دستاوردها هستند. لذا پاسداری از این ثروت عظیم بر اساس شناخت صحیح از آن و سپس حفاظت و مراقبت از آسیب‌پذیر شدن این سرمایه دینی و ملی بر همگان لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

در این راستا، معاونت امور بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری بر خود وظیفه دانست که دستاوردهای یادشده را بشناسد و بشناساند و به پیروی از فرمایش مقام معظم رهبری، از انقلاب و ارزش‌های آن چون خانواده و حریم و ناموس خود دفاع کند.

در دو دفتر پیشین، برخی از آخرین دستاوردها در عرصه‌های مختلف تشریح شد؛ در این دفتر که سومین اثر از این مجموعه است به بخشی از دستاوردهای انقلاب اسلامی به روایت شخصیتی که بیشترین اشراف را به وضعیت قبل و بعد از انقلاب دارد و پرچمداری و رهبری آن بر عهده گرانسنگشان می‌باشد، اشاره می‌شود.

بنابراین نوشتار حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که "دستاوردهای انقلاب اسلامی از منظر و به روایت مقام معظم رهبری چیست؟" به منظور پاسخ به این سؤال، با مراجعه به سخنان ورهنمودهای ایشان، مواردی را که به دستاورد بودن آن تصریح داشته اند، استخراج و با دسته بندی در حوزه های مختلف عرضه گردیده است.

گسترده گی و فراوانی برکات انقلاب اسلامی از یک سو و بضاعت تهیه کننده از سوی دیگر باعث شده است که تنها بخشی از فرمایشات معظم له در این مقال ذکر شود که امید است مرضی خداوند منان باشد .

بر خود لازم می دانم از همکارانم در این معاونت بویژه سرکار خانم امینی که در تهیه نوشتار حاضر شخصاً تلاش مجدانه ای نمودند، تقدیر و سپاسگزاری نمایم.

محمد رضا باقری

اسفند ۹۴

سیاست‌های کلی علم و فناوری ایران در جهت پیشرفت کشور

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای در جهت اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی علم و فناوری کشور را در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۳ ابلاغ کردند. متن سیاست‌های کلی علم و فناوری که به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.

۱-۲- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۱-۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.

۱-۴- تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در

متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۱-۵- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه ریزی ویژه.

۲- بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی با تأکید بر:

۱-۲- مدیریت دانش و پژوهش و انسجام بخشی در سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت راهبردی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء مستمر شاخص‌ها و روزآمدسازی نقشه جامع علمی کشور با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان.

۲-۲- اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توجه ویژه به استعداد و علاقمندی دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی و افزایش ورود دانشجویان به دوره‌های تحصیلات تکمیلی.

۳-۲- ساماندهی و تقویت نظام های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه بندی در حوزه‌های علم و فناوری.

۴-۲- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.

۵-۲- حمایت از تأسیس و توسعه شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری.

۶-۲- توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور.

۷-۲- شناسایی نخبگان، پرورش استعدادهای درخشان و حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی.

۸-۲- افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴٪ تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر مصرف بهینه منابع و ارتقاء بهره‌وری.



۳- حاکمیت مبانی، ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی با تأکید بر:

۱-۳- اهتمام به نظام تعلیم و تربیت اسلامی و اصل پرورش در کنار آموزش و پژوهش و ارتقاء سلامت روحی و معنوی دانش پژوهان و آگاهی‌ها و نشاط سیاسی آنان.

۲-۳- تربیت اساتید و دانشجویان مؤمن به اسلام، برخوردار از مکارم اخلاقی، عامل به احکام اسلامی، متعهد به انقلاب اسلامی و علاقمند به اعتلای کشور.

۳-۳- حفظ موازین اسلامی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری.

۴- تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری:

۱-۴- تقویت و گسترش گفتمان تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در کشور.

۲-۴- ارتقاء روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام‌مند، شجاعت علمی و کار جمعی و وجدان کاری.

۳-۴- تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی.

۴-۴- ارتقاء منزلت و بهبود معیشت استادان، محققان و دانش‌پژوهان و اشتغال دانش‌آموختگان.

۵-۴- احیاء تاریخ علمی و فرهنگی مسلمانان و ایران و الگوسازی از مفاخر و چهره‌های موفق عرصه علم و فناوری.

۶-۴ - گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران و فعالیت‌های عرصه علم و فناوری.

۵ - ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش‌ها با تأکید بر:

۱-۵ - افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی، ازدیاد توان ملی و ارتقاء کارآمدی.

۲-۵ - حمایت مادی و معنوی از فرآیند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی در تولید ناخالص داخلی با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد.

۳-۵ - تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه و تقویت همکاری‌های مستمر راهبردی.

۴-۵ - تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.

۵-۵ - تعیین اولویت‌ها در آموزش و پژوهش با توجه به مزیت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای کشور و الزامات نیل به جایگاه اول علمی و فناوری در منطقه.

۶-۵ - حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط.

۷-۵ - افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء سهم وقف و امور خیریه در این حوزه.

۸- ۵- توسعه و تقویت شبکه‌های ارتباطات ملی و فراملی میان دانشگاه‌ها، مراکز علمی، دانشمندان و پژوهشگران و بنگاه‌های توسعه فناوری و نوآوری داخلی و خارجی و گسترش همکاری‌ها در سطوح دولتی و نهادهای مردمی با اولویت کشورهای اسلامی.

۶- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی بویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور، با تأکید بر:

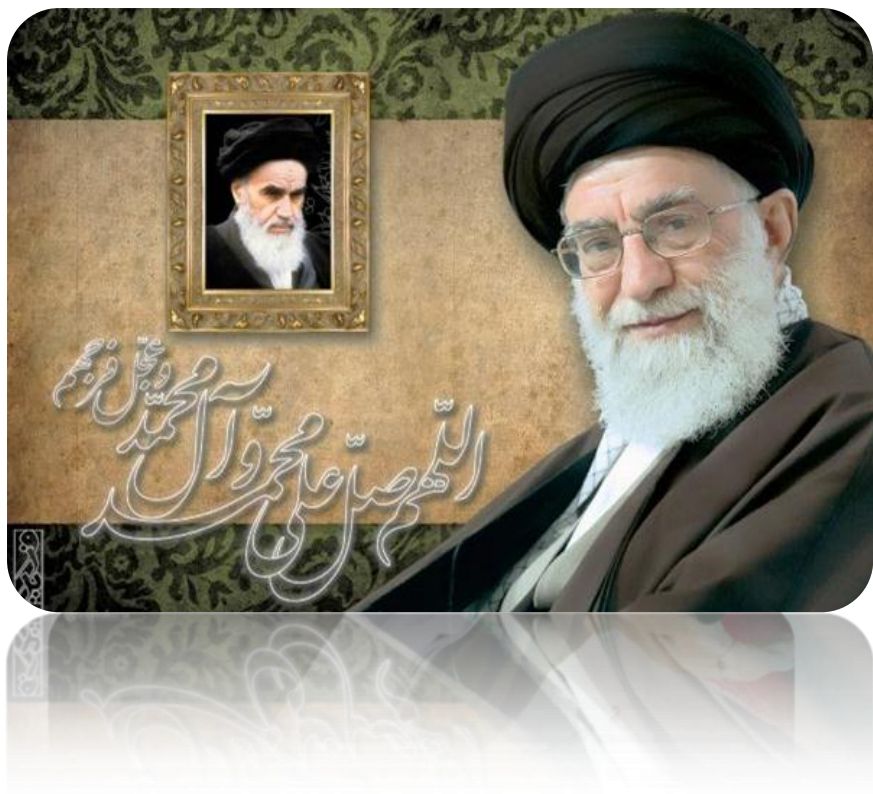
۱-۶- توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی بویژه در حوزه های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امروادات و صادرات کشور.

۲-۶- اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.

۳-۶- استفاده از ظرفیت های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها بویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز.

۴-۶- تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها بویژه جهان اسلام^۱.

^۱ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی



دستوردهای فرهنگی

● اقامه دین

ما توانسته ایم کلام خدا را در بین مردم رایج و دلها را به سمت خدا متوجه کنیم؛ یعنی انقلاب، این کار را کرده است، اشخاص که نمیتوانند این چیزها را به خودشان نسبت دهند.
(بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۶/۹/۷)

● نظام مبتنی بر دین

دنیای اسلام تا وقتی انقلاب عظیم اسلامی پیش نیامد، یک نظام مبتنی بر تعالیم اسلام و هدایت اسلامی را تجربه نکرد.
(بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان در سالروز شهادت حضرت امام صادق (ع) ۱۳۸۴/۹/۷)

● حاکمیت اراده و ایمان

بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگیهای اخلاقی و سیاسی و انواع هرزگیها گذرانیده اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهیها و هرزگیها بسته است و اربابان خارجی آنها را بیرون رانده، مخالفند و آن گاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می گذارند و درحالی که آزادانه هرچه خواسته اند، گفته اند، با وقاحت و بی شرمی، مطالبی آزادی می کنند! خواست حقیقی اینها، باز شدن پای امریکا و فروختن کشور به دشمنان است و خصم آنان، ملت رشید و آگاه است. ملت ما، حسرت

بازگشت به دوران بردگی آمریکا را بر دل آنان خواهد گذاشت و با همهی وجود، دستاورد بزرگ خود - یعنی نظام اسلامی و حاکمیت اراده و ایمان انسانها - را حراست خواهد کرد.

(پيام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰)

● رونق دین و دینداری

بلاشک دنیا، دنیای دیگری شده است. آن روزی که این انقلاب به پیروزی رسید، وضع اسلام در دنیا این نبود که امروز هست؛ خیلی متفاوت بود. آن روزی که این نهضت شروع شد، وضع اسلام و دین و دینداری در داخل همین کشور هم این نبود که شما امروز مشاهده می کنید؛ دین، غریب و مظلوم و منزوی بود؛ از دین برائت می جستند؛ حتی دین دارها از دینداری خجالت می کشیدند! وضع فرهنگ غیر دینی بلکه ضد دینی به جایی رسیده بود که بزرگترین تعریف دینی از یک جوان این بود که بگویند فلان جوان نمازخوان است! همه چیز به سمت دوری از اسلام و دوری از خدا بود. در دیوار این کشور را به گناه آلوده کرده بودند. بعضی از ظواهر محفوظ بود؛ اما از بواطن دین، از روح دین، از حرکت عمومی به سمت هدفهای دین خبری نبود؛ و این در ایران بود که مردمش یکی از متدین ترین مردمان مسلمان در کشورهای گوناگون بودند. در بعضی کشورهای دیگر اسلامی، وضع مثل اینجا بود؛ در بعضی جاها هم وضع بدتر بود. سران کشورهای اسلامی یادشان نمی آمد که مسلمانند! در مجامع سیاسی و رسمی اسلامی، چیزی که مطلقاً به یاد کسی نمی آمد، این بود که یک حرکت و یک تظاهر اسلامی انجام بگیرد، یا از یک تظاهر ضد اسلامی جلوگیری بشود؛ اصلاً چیزی به عنوان اسلام مطرح نبود! امروز کار به جایی رسیده است که دشمنان اسلام و دین منظور، دشمنان فردی و

شخصی و اعتقادی نیست؛ دشمنان سیاسی است؛ آن‌هایی که دین‌داری مردم را سدی در مقابل اطماع و هوسها و شهوات خود می‌بینند از گسترش دین در سطح عالم، به عنوان یک پدیده‌ی خطرناک یاد می‌کنند! ما باید به این واقعیت خیلی توجه کنیم.
(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۰/۱۲/۱)

● دین و سیاست

از بزرگترین خدماتِ حرکتِ عظیمِ دینی ملت ایران، این بود که افسانه‌ی غلط «جدایی دین از سیاست» را زایل کرد و از بین برد.
(بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۲/۱۸)

● افتخار به مسلمانی

مسلمانان، امروز در هیچ نقطه‌ی دنیا از مسلمانی خودشان خجالت نمی‌کشند؛ بلکه به آن افتخار می‌کنند؛ اینها را انقلاب کرد.
(بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

● معنویت گرایی

نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت و اخلاق را بلند کرد.
(بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون ۱۳۸۰/۸/۲۱)

● آرمان‌های اسلامی

با انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، افق جدیدی در زندگی محیط اسلامی - مجموعه‌ی کشورها و ملت‌های مسلمان - به‌وجود آمد و انقلاب و نظام اسلامی، آرمان‌های جدیدی به آنها داد.

(بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵)

● مردم سالاری دینی

ما ملت ایران معنویت را به شکل جوهری، اصولی و ریشه‌ای - نه به شکل سربار و تعارفی - در الگوی جدید خود گنجانده‌ایم. مردم سالاری دینی، این است.

(بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۳/۳/۲۷)

● مردم سالاری دینی

ما بعد از قرن‌های متمادی که بر این کشور استبداد حاکم بود، به برکت اسلام و انقلاب اسلامی به مردم سالاری رسیده‌ایم؛ آن هم مردم سالاری با دین.

(بیانات در دیدار مردم زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۱)

● پرچم اسلام

پرچم اسلام در ایران به اهتزاز درآمده و دنیای اسلام و دل صدها میلیون انسان را به خود جذب کرده است. این پرچم را از دست ندهید؛ مستحکم نگهدارید.

(بیانات در دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا ۱۳۸۲/۶/۲۹)

● ذکر خدا

هرچه امروز این کشور از عظمت و عزت و قدرت به دست آورده است، در سایه‌ی قرآن و اسلام و نماز و عبادت و ذکر خداست.

(بیانات در دیدار مردم بخش دلوار بوشهر ۱۳/۱۰/۱۳۷۰)

● نماز

از برکات انقلاب اسلامی در سالهای اخیر آن است که دل‌های پُرشور و شوقی را به اهمیت و والایی فریضه‌ی نماز توجه داده و ترویج روزافزون این پایه‌ی اساسی دین را، مرکز همت و تلاش آنان ساخته است.

(پیام به هشتمین اجلاس سراسری نماز ۶/۱۸/۱۳۷۷)

● نماز جمعه

امروز به برکت انقلاب اسلامی و با هشیاری امام بزرگوارمان، نماز جمعه به یک سنت پایدار در کشور تبدیل شده است.

(بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه ۵/۱۳۸۱)

● اعتکاف

این ماه [رجب] را باید قدر دانست. اول این ماه، متبرک است به ولادت امام باقر (علیه السلام)؛ آخر این ماه، متبرک است به بزرگترین حادثه‌ی تاریخ؛ یعنی بعثت پیغمبر. در نیمه‌ی این ماه،

جوانان ما سالهائی است که این سنت حسنه را در کشور رائج کرده‌اند؛ سنت اعتکاف را، رفتن در مساجد را، روزه گرفتن را. واقعاً چقدر منظره‌ی زیبا و معطرّی است که جمع کثیری از جوانهای ما برخلاف سیره‌ی متعارف جوانهای دنیا که غرق در شهوات و تمایلات نفسانی هستند، روزها و شبهای را روزه بگیرند؛ بروند در یک مسجدی بنشینند، اعتکاف کنند؛ شب و روزشان را ذکر و فکر و شنیدن معارف الهی و شنیدن احکام و مذاکره‌ی علم حقیقی - که علم توحید است - قرار دهند؛ این خیلی چیز مهمی است. اینها از برکت انقلاب است. قبل از انقلاب، ما در این ایام نیمه‌ی ماه رجب ندیده بودیم یا خیلی بندرت میدیدیم که کسانی بروند اعتکاف کنند. غالباً همه‌ی ماها، همه‌ی مردم غافل بودیم از این روزنه‌ی رحمت الهی. بنده در مشهد که اصلاً ندیده بودم؛ در قم هم یک تعداد معدودی، یک چند نفر طلبه در مسجد امام میرفتند و ایام نیمه‌ی ماه رجب اعتکاف میکردند. امروز شما نگاه کنید؛ نه فقط مساجد جامع، نه فقط مساجد بزرگ، نه فقط در یک شهر و دو شهر، بلکه در همه‌ی کشور، در همه‌ی شهرها، در همه‌ی مساجد، جوانهای ما، مردان ما، زنان ما، دختران ما، پسران ما میروند صف میکشند، اسم مینویسند، برای اینکه به آنها فرصت داده شود که در این مسجد، در آن مسجد، سه روز روزه بگیرند و اعتکاف کنند؛ این خیلی برای یک ملت حائز ارزش است، این خیلی مهم است. اینها هست. این ماه رجب است؛ از این فرصتها استفاده کنید. جوانها! شما بیشتر استفاده کنید. دلهای پاک شما، جانهای باصفا و نورانی شما آماده‌ی تالّوآت و تشعّشات رحمت الهی و توجهات الهی است؛ این را قدر بدانید.

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۰۲/۲۵)

● اعتکاف

در دوران جوانی ما، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ایام نیمه‌ی رجب که روزهای معروف اعتکاف است، شاید در مسجد امام آن روز، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر طلبه - آن هم در مرکز حوزه‌ی علمیه، که قم باشد - اعتکاف میکردند؛ این کار معمول نبود، بلد نبودند. امروز در دانشگاه‌های کشور، هزاران نفر از جوانان دانشجو - دختران و پسران - در مساجد دانشگاه‌ها اعتکاف میکنند، سه روز عبادت میکنند، خلوت میکنند، با خدای خود ارتباط برقرار میکنند؛ مساجد بزرگ و مجامع بزرگ که جای خود دارد. اینها معنویت است. کشور ما اهل معنویت است، اما معنویت ما همراه و هم‌روال است با احساس مسئولیت.

(بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۹۰)

● تعهد و مسئولیت

انسان در محیط اسلامی هیچ‌گاه از مسئولیت فارغ و خالی نیست؛ همیشه دارای مسئولیت است؛ منتها مسئولیت‌ها متفاوت است. یک وقت انسان وزیر است - که یک مسئولیت دارد - یک وقت وزیر نیست؛ اما مجموعه‌یی از تجربه‌های فراوان وجود دارد. تجربه‌های بالارزشی که در طول سالهای متمادی در یکایک شماها به وجود آمده و جمع شده، دستاورد کمی نیست؛ اینها متعلق به این کشور و این ملت و این نظام است؛ از این تجربه‌ها باید استفاده شود. این یکی از افتخارات ماست که دست به دست شدن قدرت اجرایی در بهترین شکل و با شیرین‌ترین وضع در کشور ما انجام می‌گیرد؛ این را انقلاب به ما بخشید؛ این را اسلام به ما

داد؛ این را احساس مسئولیتی که ناشی از تفکر اسلامی و نگاه اسلامی به انسان و تعهد و مسئولیت انسان است، به ما ارزانی داشته است.

(بیانات در آخرین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت هشتم ۱۳۸۴/۵/۱۰)

● بیداری

بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگرزدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم.

(بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷)

● وحدت

بیست و هفتم آذر ماه، روز شهادت دکتر مفتاح، استاد دانشگاه و روحانی مبارز و انقلابی، روز وحدت حوزه و دانشگاه نامیده شده است. تخصیص این روز به این مناسبت، ناشی از نیاز مبرمی بود که در جامعه‌ی انقلابی ما احساس میشد. چرا که «وحدت»، کلید موفقیت و رمز پیروزی انقلاب خونبار ما بوده و هست و حفظ و ادامه‌ی آن، به آسیب‌ناپذیری انقلاب و نیل به اهداف انقلابی و حفظ کامل دستاوردهای آن خواهد انجامید.

(پیام به مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه ۱۳۶۰/۹/۲۷)

● وحدت

انقلاب اسلامی آمد دیوارها را برداشت و ملت را یکپارچه کرد.

(بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۱/۸/۱۳)

● تفکر

امروز به برکت انقلاب، راه اندیشیدن باز شده است.

(بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۱/۷/۳)

● حرف نو

در عرصه‌ی سیاسی، انقلاب تازه‌ترین و جذاب‌ترین سخن را نه فقط برای ملت ایران که برای

بشریت دارد.

(بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۸۱/۶/۲۴)

● عدالت

امروز دنیا به عدالت و معنویت که ایران اسلامی پرچم آن را به اهتزاز در آورده است، نهایت

احتیاج را دارد. (بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰)

● قانون

این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود.

(بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴)

● شناخت کرامت

ملت ایران به برکت انقلاب توانست با کرامت خودش آشنا شود، بیندیشد، تصمیم بگیرد و

اقدام و انتخاب کند.

(بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲)

● زنده کردن مردم

دستآورد بزرگی که انقلاب اسلامی به مردم ما داد، مردم را زنده کرد؛ آنها را به هوش آورد و شجاعت و قدرت و عزتشان داد. ملت ما، اول ملتی بود که ثابت کرد آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. ملت‌های دیگر هم، راهشان همین است و باید عمل و اقدام کنند. راه اقدام هم، تمسک به اسلام است.

(بیانات در دیدار جمعی از مردم و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۱۱/۱۰)

● بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی

ما ملت ایران، در محیط بین‌المللی، شأن و جایگاه و هویت خودمان را گم کرده بودیم. انقلاب این هویت و جایگاه و شأن را به ملت ایران برگرداند.

(بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲)

● هویت اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی خود، از یک طرف به مبارزان دنیا امید داد و دل‌های غیرتمندانی را که می‌خواستند با ظلم و جور و نامردمی در هر نقطه‌ای عالم مبارزه کنند زنده کرد و از طرف دیگر، هویت اسلامی را به ملت‌های مسلمان برگرداند.

(بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸)

● هویت ملی

جامعه‌ی ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی احساس هویت کرد؛ یعنی شخصیت خودش را باز یافت.

(بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱/۵/۱۳۸۰)

● اعتماد به نفس ملی

از مقطع انقلاب به این طرف، معجزه‌ی «خودباوری» به وقوع پیوسته است؛ آن احساس حقارت دیگر امروز نیست.

(بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تربیت مدرس ۱۲/۶/۱۳۷۷)

● هویت و شخصیت

انقلاب ما را زنده کرد و به ما شخصیت داد.

(بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱/۵/۱۳۸۰)

● امید و نشاط

امروز اعتماد به نفس و امید ملت ایران از همه‌ی دوره‌های گذشته بیشتر و چشمش بازتر است. امید و نشاط در میان ملت بزرگ ایران یکی از دستاوردهای اسلام و انقلاب است. این را ما قدر

می‌دانیم و مغتنم می‌شماریم و برای پیشرفت در این راه تلاش می‌کنیم.

(بیانات در دیدار مردم قزوین ۲۵/۹/۱۳۸۲)

● امید

این انقلاب با قدرت تمام به پیش رفته است و روزیہ روز ملت ایران را منسجم تر، پرامیدتر، پراثرتری تر کرده است.

(بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴)

● امیدواری

در سرتاسر دنیای اسلام، با برپا شدن جمهوری اسلامی، ملت‌های مسلمان به تحرک و امید جدیدی دست پیدا کردند.

(بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۱/۳/۱۴)

● نشاط ملی

امید و نشاط در میان ملت بزرگ ایران یکی از دستاوردهای اسلام و انقلاب است.

(بیانات در دیدار مردم قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۵)

● حضور زنان در صحنه

انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد.

(بیانات در جمع زنان شهر ارومیه ۱۳۷۵/۶/۲۸)

● عزت

این انقلاب و این ارزشهای انقلابی و این اسلام عزتبخش توانسته است این کشور را که یک روز به صورت پانداژ استکبار جهانی محسوب می شد، به عزت برساند.

(بیانات در دیدار مردم کرج ۱۳۷۶/۷/۲۴)

● عزت

انقلاب اسلامی، در سطح جهان به اسلام و مسلمین عزت بخشید. این یک واقعیت است.

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۳/۱۱/۱۴)

● عزت

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اعتزاز و افتخار و مباهات به اسلام، در مسلمانان زنده شد. اسلام، عزیز شد و مسلمان احساس کرد که اسلام مایه‌ی سربلندی اوست.

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۳/۱۱/۱۴)

● اخلاق اجتماعی

دستاوردهای انقلاب اسلامی جامعه‌ی ما، به برکت انقلاب، اخلاقش به سمت اخلاق الهی، گردش قابل توجهی کرد؛ اگرچه این گردش کامل نیست و باید باز هم ادامه پیدا کند.

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۲/۴/۲۳)

● جوانان مؤمن و مخلص

یکی از چیزهایی که در طول دوران دوازده ساله، مسؤولان نظام جمهوری اسلامی و حتی شخص شخیص امام بزرگوار را - که تحقیقا انسان برتر و فوق انسانهای متعارف بود - خوشدل می کرد و خستگیها را از تن آنها می زدود، دیدار جوانان مؤمن و مخلص و پولادین و سربازان جان بر کف انقلاب اسلامی بود، که حقیقتا ارزشمندترین فرآورده و دستاورد این انقلاب محسوب می شوند. از جملهی آنها، شما برادران عزیز کمیتهی انقلاب اسلامی هستید؛ مخصوصا فرماندهان و سابقه داران و پیشکسوتان این تشکیلات انقلابی ناب، که مصیبتها دیدید، زحمتهای کشیدید، با انقلاب متولد شدید، با انقلاب رشد کردید، از انقلاب تغذیه شدید، جانانه به انقلاب خدمت کردید و جان را - که عزیزترین موجودی هراسانی است - به چیزی نگرفتید.

(بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیتههای انقلاب اسلامی ۱۰/۱۰/۱۳۶۹)

● انسان صالح

انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند. نقش انسان صالح، این است. برادران عزیز من! آن چیزی که این انقلاب را تا امروز نگهداشته است، عبارت از صلاح انسانهاست؛ همان مقدار مایهی صلاحی که ما ملت داریم. در حق ملتمان هم مبالغه نمی کنیم. امروز صلاح غلبه دارد و پرچم را به دست گرفته و حاکم است و حرکت به سمت صلاح، برنامه ریزی شده است. البته تا صلاح مطلق هم فاصله بسی طولانی است.

این که شما و آن کسی که زیر دستتان و با شما کار می کند، به عنوان جوان کمیته‌یی، اگر توطئه‌ی دشمن در شکل قاچاقچی ظاهر می شود، در آن جا حاضرید؛ اگر به شکل جنگ تحمیلی ظاهر می شود، در آن جا حاضرید؛ اگر به شکل رواج فحشا و فساد ظاهر می شود، در آن جا حاضرید؛ اگر به شکل ترویج بیهودگی و مواد مخدر و پوچیها و پوسیدگیها ظاهر می شود، در آن جا حاضرید؛ معنایش همین تولیت انسانهای صالح و جوانان صالح نسبت به انقلاب و دستاوردهای آن و از خود دانستن و نگهداری و پاسداری محکم از آن است؛ مخصوص شما هم نیست. همه‌ی جوانان صالح، همه‌ی انسانهای خوب و همه‌ی برادران مؤمن از قشرهای مختلف، این طورند. البته مسؤولیتها سنگین و سبک دارد، آدمها یکسان نیستند و تجربه‌ها جوهرها را آشکار می کند.

(بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰)

● تولید، کیفیت، نیروی انسانی زیده

از پیشنهادهایی که بنده در طول این سالها درباره‌ی حوزه‌ی علمی کردم، چه در مجامع عام که با طلاب و فضلا و مدرسین جلسه داشتیم و صدها، گاهی هزارها نفر در او شرکت داشتند؛ چه در جلسات کوچک و خصوصی‌تر که با بعضی از مسئولین حوزه یا بزرگان حوزه یا مراجع یا فضلا داشتیم و پیشنهادهائی دائم مطرح شده و گفته شده، خیلپهایش تا حالا تحقق پیدا نکرده، یا به صورت نیمه‌کاره و نیمه‌راهه تحقق پیدا کرده است، لیکن از حرکت پرجوش و خودجوش دینی و علمی که ناشی از انقلاب اسلامی است و از برکات انقلاب اسلامی است

و فضیلت و ثواب آن برمیگردد به روح مطهر امام بزرگوارمان، ما مشاهده میکنیم می بینیم که این همه دستاورد را داشته ایم. خیلی از آن نظرات اصلاحی هنوز تحقق پیدا نکرده، اما تولید، کیفیت، نیروی انسانی زیده در این سطحی است که امروز ما داریم مشاهده میکنیم. (بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه های علمیه کشور ۸/۱۳۸۶)

● استقامت

بعد از رحلت امام هم، شما ملت بزرگ و رشید و آگاه، امتحان بسیار خوبی دادید. در سطح عالم، چشمها از شجاعت و آگاهی شما مبهوت ماند. همه یا اکثر دشمنان ما در دنیا منتظر بودند که با رحلت امام، انقلاب از هم بپاشد؛ جمهوری اسلامی دچار اختلاف داخلی بشود و حمایت مردم را از دست بدهد؛ ولی شما نگذاشتید و به دهن این دشمنان یاهو گوزدید. مرحبا بر شما! روح امام از شما راضی است؛ گوارایتان باد! شما نشان دادید که از بسیاری مدعیان در طول تاریخ، ایمانتان قویتر و قدمتان راسختر است. من به شما عرض می کنم، خدای متعال پاداشتان را داد، این صبر شما را مثمر ثمر کرد و نگذاشت بی نتیجه بماند. "اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة". نتیجه ی پایداری و استقامت شما بعد از رحلت حضرت امام، این شده است که تحلیلهای دنیا عوض گردید. آنها که منتظر نشسته بودند تا جمهوری اسلامی از بین برود، فهمیدند که فایده یی ندارد. آنهایی که خیال می کردند می شود ملت ایران را ترسانند یا خسته کرد، فهمیدند فایده یی ندارد. لذا امروز ما شاهد آن هستیم که غیر از رأس فتنه و فساد - یعنی رژیم جبار امریکا - و کسانی که به صورت شدیدی وابسته و متصل و هم جهت با او هستند و با ملت ایران دشمنی بسیار عمیقی دارند و به هیچ وجه انقلاب با آنها کنار نمی آید و

آنها هم با انقلاب کنار نمی‌آیند، بقیه‌ی کسانی که در دنیا شاهد و ناظر وضع ملت ما بودند، در مقابل این ملت سر تعظیم فرود آوردند و به طرفش دست دوستی دراز کردند. ملت ایران نشان دادند که با قدرت و استقامت می‌توان احترام ملتها، بلکه دولتها را در سطح جهان جلب کرد. دشمنان ما، از اعمال فشار روی ملتمان مأیوس شدند. این، دستاورد بسیار بزرگی است. (سخنرانی در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۴)

● ایثار و مقاومت

انقلاب کبیر اسلامی ایران از نخستین روزهای پیروزی با توطئه‌های گسترده و سازمان یافته دشمنان اسلام روبرو گردیده به هریک از دستاوردهای انقلاب که بنگرید جز با ایثار و مقاومت مردم در برابر کارشکنی‌های مخالفان و معاندان انقلاب بدست نیامده است. (پیام به مناسبت چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان ۱۳۶۲/۹/۴)

● تکریم شهید و خانواده‌هایشان

همه‌ی روزهای دهه‌ی فجر روز شهید است، زیرا همه‌ی دستاوردهای انقلاب اسلامی مرهون مجاهدت و صبر شهیدان و خانواده‌های مکرم آنها است. امروز عزت و استقلال ملت ایران و پیشرفتهای مادی و معنوی کشور که مردم و مسئولان ما آنها را بحق، مایه‌ی افتخار خود می‌دانند و بدان می‌بالند، به برکت جانفشانیهای بهترین فرزندان این مرز و بوم در راه استقرار نظام اسلامی و دفاع از ارزشهای آن به دست آمده است. مسئولان کشور باید خود را امانتدار

این ودیعه‌ی الهی بدانند و با همه‌ی توان خود در پاسداری از آن بکوشند. همان دشمنانی که رزمندگان و مردان و زنان رشید و فداکار ما، جان عزیز و گرامیترین عزیزان خود را در مقابله با آنان به میدان آوردند، امروز هم در کمین نشسته اند. اندکی غفلت ما به تسلط دشمن خواهد انجامید و سرمایه‌ی بزرگ ملت ایران را به هدر خواهد داد.

(پیام به مناسبت برگزاری مراسم عترافشانی و غبارروبی مزار شهدا ۱۳۸۲/۱۱/۱۶)

● جو قرآنی کشور

خدای متعال، ملت ما را که یک حرکت و یک مجاهدت کردند، هزاران پاداش داد. یکی از نعم همین است که الحمدلله جو، جو قرآنی است. من یادم می‌آید که در سابق، بعضی از این موجهای رادیویی را با زحمت پیدا می‌کردم. رادیوهای مصر را باز می‌کردم و با زحمت آن را می‌شنیدم. ما رفیقی داشتیم - خدا رحمتش کند - او به مصر رفته بود، چند ماه در آن جا مانده بود و نوارهای ابوالفتح، شیخ مصطفی اسماعیل و محمد رفعت و امثال آنان را به این جا آورده بود. مخصوصاً من از نوار ابوالفتح خیلی خوشم می‌آمد؛ آن را گوش می‌کردم. بعدها هم با صدای شیخ مصطفی اسماعیل آشنا شدم. بعد که شیخ مصطفی اسماعیل را شناختم، بقیه یادم رفت.

صدای شیخ مصطفی اسماعیل، خیلی فوق العاده بود. این را هم بگویم که الان در ایران، میل عمومی به طرف شیخ مصطفی اسماعیل است. یعنی قرآنی ما، حتماً روی سبک قرائت شیخ مصطفی اسماعیل تمرین دارند و روی دیگران کمتر. اعتقاد این است که این حرکت، از مشهد و از دستگاه ما شروع شد. در تهران، هیچ کس غیر از عبدالباسط را نمی‌شناخت. من یک وقت

که به تهران آمده بودم، فقط عبدالباسط مطرح بود. جاهای دیگر هم که می‌رفتیم، فقط عبدالباسط را می‌شناختند.

ما در مشهد، نوار شیخ مصطفی اسماعیل را داشتیم. یکی از دوستانم می‌خواست به مسافرت برود، من گفتم که هرچه توانستی، نوار شیخ مصطفی اسماعیل پیدا کن و بیاور. او هم رفت و چند نوار از نوارهای بسیار خوب شیخ مصطفی اسماعیل را آورد. من آنها را به آقای مرتضی فاطمی - که در آن وقت نوارهای ما را تکثیر می‌کرد - دادم، تا تکثیرشان کند. او هم همین کار را کرد و نوارها را به این چند نفری که از تهران آمده بودند، داد. در نتیجه، همه‌ی نوارها به طرف تهران سرازیر گردید و شیخ مصطفی اسماعیل شایع شد. انصافاً هم چیز عجیبی بود.

(بیانات در مراسم تودیع قاریان قرآن ۱۳۶۹/۱۲/۱)

● افکار قرآنی و اسلامی

... عبارت است از حضور ملت، حاکمیت ملی، نفوذ افکار قرآنی و اسلامی در میان مردم؛ این آن دستاورد بزرگ است که ما را به پیشرفت میرساند؛ تا امروز هم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم، بعد از این هم همین ما را به آرمانهایمان خواهد رساند.

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۸/۱۲)

● ادبیات - شعر

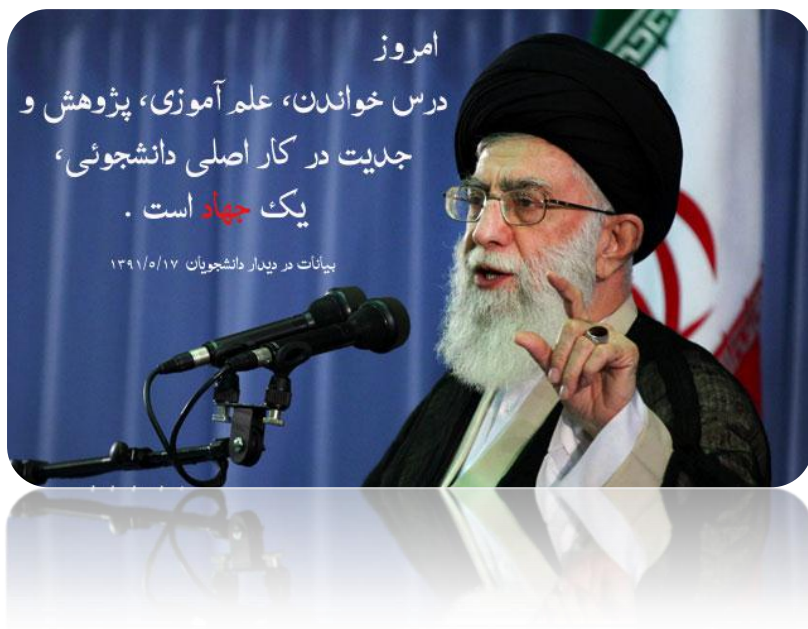
بی نظیر بودن دوره دویست ساله رواج سبک هندی در ادوار تاریخ شعری ما از بعضی جهات من دو شباهت می یابم بین شعر امروز کشورمان و شعر فارسی یک دوره‌ی دویست ساله‌ی بسیار مهم و برجسته، یعنی دوره‌ی رواج و شکوفائی سبک هندی؛ که از اواسط قرن دهم تا اواسط قرن دوازدهم، شعر سبک هندی رواج داشته و گسترش پیدا کرده و اوج گرفته. من اول این را عرض بکنم که آن دوره‌ی دویست ساله از بعضی از جهات در همه‌ی ادوار تاریخ شعری ما بی نظیر است. نه اینکه بخواهیم قدر شعرای قصیده‌سرای قرنهای چهارم و پنجم و ششم یا غزلسرایان قرن هفتم و هشتم را ندیده بگیریم؛ نه، در جای خودش، قدر و ارزش و بزرگتری آنها محفوظ است؛ لیکن این دویست سال جزو قطعات بسیار درخشان تاریخ شعر فارسی است.

یک خصوصیت در این دویست سال، کمیت شاعر است. یعنی شما وقتی نگاه کنید در این دو قرنی که عرض کردیم، می بینید در ایران، در هند، در افغانستان، در ماوراءالنهر - یعنی منطقه‌ای که متأسفانه امروز تقسیم شده بین تاجیکستان و ازبکستان، که منطقه‌ی پارسی‌زبان بخارا و سمرقند و دیگر مناطق تاجیک‌نشین بود - تعداد شاعرانی که هستند، شگفت‌آور است. در این دوره، هزارها شاعر هستند که سرشان هم به تنشان می‌ارزد؛ نه اینکه فقط بگوئیم شعر می‌گویند؛ نه، شاعرند. حالا ممکن است همه برجسته نباشند، اما شاعرند. البته در بین این هزاران شاعری که من به تقریب عرض کردم، شاید بشود گفت انسان میتواند صد تا شاعر خوب در آن دوره پیدا کند؛ و در بین این صد شاعر خوب، شاید انسان بتواند ده تا شاعر

درجه‌ی یک مثل صائب، مثل کلیم، مثل محمدجان قدسی، مثل نظیری نیشابوری، پیدا کند. اوضاع آن دویست سال از لحاظ کمیت شعری اینجور است.

یک شباهت امروز ما با آن دوره، همین کمیت است. تعداد شاعری که امروز در کشور ما هست، در هیچ دوره‌ای - حالا آن دوره که خود ما بودیم و دیدیم و با شعرا هم مرتبط بودیم، و همچنین آنچه که از گذشته شنیدیم - سابقه ندارد. امروز تعداد شاعران ما در کشور، از لحاظ کمیت، شبیه همان دوره‌ی دویست ساله است. البته این به برکت انقلاب است. انقلاب معارف را، هنر را، همه چیز را آورد به متن مردم، داخل متن جامعه؛ لذا جوشش پیدا شد. امروز ما در کشور خیلی شاعر داریم؛ از نوجوانان دبستانی تا دبیرستانی، تا جوانان برومند، تا میانسالان و پیران. یعنی واقعاً انسان بخواهد محاسبه کند، تعداد شعرای امروز ما خیلی زیاد است. البته این مربوط به سی سال است؛ اگر چنانچه ان شاء الله همین روش ادامه پیدا کند - یعنی اگر با همین روال پیش برویم شعر تشویق بشود و شعرای خوب بتوانند شعرای جوانتر را تربیت کنند - قطعاً کمیت شعرای ما از آن دوره بیشتر خواهد شد.

شباهت دوم بین این دوره و آن دوره‌ی دویست ساله، نوآوری در مضمون است. در هیچ دوره‌ی دیگری اینجور سابقه ندارد که این همه مضامین نو و حرفهای تازه در شعر راه پیدا کند؛ که وقتی مضمون نو آمد، به تبع وجود مضمون نو، ترکیب نو هم می‌آید. یعنی نیاز مضمون به لفظ موجب میشود که شاعر از ذوق خود، از هنر خود استفاده کند و ترکیبات بیاورد. البته در ابتدای کار ممکن است ناشیگری‌هایی وجود داشته باشد، لیکن بتدریج زبان، پخته و سنجیده و استوار میشود و فخامت پیدا میکند. (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۳۹۰/۵/۲۴)



دستاوردهای علمی

● علم، پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور

نقطه‌ی قوت ...، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفتها خیلی مهم است. علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان»^۲؛ علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، میتواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند.

(خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۴/۱۱/۱۳۹۰)

● پیشرفت علمی

یکی از کارهای مهم انقلاب این بود که علم را در داخل کشور ترویج کرد.

(بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۸/۱۰/۱۳۸۳)

^۲ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹؛

العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجدہ صیل علیہ.

ترجمه:

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از

دست بدهد بر او یورش برند.

● استقلال علمی

یکی از بزرگترین جنایتهائی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگویی. انگلیسها که جزو پیشروان انقلاب صنعتی بودند، از این امکان خودشان استفاده کردند برای راه افتادن در اطراف دنیا و به زنجیر کشیدن ملتها. شما میدانید در دوران حاکمیت انگلیسها در شبه‌قاره، در این صحنه‌ی بزرگ و ثروتمند چه گذشت؟ فقط هم شبه‌قاره نبوده؛ تمام منطقه‌ی شرق آسیا سالهای متمادی - بیش از یک قرن - زیر چکمه‌ی اینها بوده و با ابزار علم که اینها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسانهائی نابود شدند، چه آرزوهائی نابود شد، چه ملتھائی عقب افتادند، چه کشورهائی خراب شدند. اینها از ابزار علم یک چنین استفاده‌ای کردند. این بزرگترین خیانت به علم است؛ همچنان که بزرگترین خیانت به بشریت است. اینها میخواهند این انحصار شکسته نشود. هر ملتی که بتواند با استقلال - نه زیر بلیط آنها و با مجوز آنها و در اختیار آنها و در مشت آنها - روی پای خود بایستد، یک ضربه به این انحصار زده؛ و این کار امروز خوشبختانه در ایران راه افتاده.

(بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای ۱۳۹۰/۱۲/۳)

● خودباوری علمی

این انقلابی که در ایران اتفاق افتاد، تغییراتی را به وجود آورد که از لحاظ عمق و ژرفا تغییرات مهمی است، تغییرات اساسی است. براساس این تغییرات است که میشود جامعه را پیش برد و تغییرات گسترده‌ای به وجود آورد. این پایه‌های اصلی، محکم گذاشته شد. من چند مورد از این تغییراتی را که اتفاق افتاد، عرض میکنم. البته اینها را همه میدانید، همه میدانیم، جلوی چشم ماست؛ لیکن همان طوری که خدای متعال در قرآن، ما را متوجه خورشید میکند - «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» خورشید جلوی چشم ماست، اما سوگند یاد میکند تا ما توجه پیدا کنیم که این پدیده، این حادثه، این موجود اینقدر دارای عظمت است - ما هم باید به این پدیده‌های عظیم اطراف خود توجه کنیم؛ لذا گفتن اینها از این جهت لازم است که خودمان توجه پیدا کنیم. ... قبل از انقلاب، تکیه‌ی علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود. بارها گفته‌ام؛ بعضی از قطعات هواپیماهای نظامی ما را که خراب شده بود، سائیده شده بود، بنا بود اصلاح شود، اجازه نمیدادند مهندسین داخلی نیروی هوایی این قطعه را باز کنند، ببینند چی هست، چه برسد به اینکه به فکر درست کردنش بیفتند. قطعه را می‌گذاشتند توی هواپیما، می‌بردند آمریکا، یکی به جایش می‌آوردند؛ یا اگر بنا بود اصلاحش کنند، اصلاحش میکردند. صنعتی که وجود داشت، صنعت موتاژ محض بود، بدون هیچ ابتکاری. بعد از انقلاب، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی به وجود آمد؛ حضور این همه دانشمندان، دانشمندان برجسته و بزرگ، در رشته‌های مختلف، مشاهده شد. امروز ما دانشمندانی در داخل کشور

داریم که در سطح جهان، شبیه آنها و نظیر آنها قابل شمارشند؛ تعداد معدودی هستند. دانشمندان ما پیش رفتند؛ غالباً هم جوان.

(خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

● اعتماد به نفس علمی

میدانید دوران ما، یعنی همین قرن اخیر و صد سال اخیر، دوران شکوفایی و رشد علم در دنیا است و هر کشوری به جایی رسیده، در همین ۱۰۰ سال، ۱۲۰ سال به جایی رسیده. ما در این دوران - که دانشگاه ما هم هشتاد و چند سال عمر دارد در کشور - میتوانستیم وقتی دانشگاه غربی و اروپایی را وارد کشور کردیم، از آن میراث استفاده کنیم؛ از آن روحیه، از آن استعداد، از آن زمینه‌ها و ظرفیتهای موجود در کشورمان استفاده کنیم و دانشگاه را ایرانی بسازیم؛ دانشگاه را بومی سازی کنیم؛ میتوانستیم این کار را بکنیم، نکردیم؛ به دلایل خاص مربوط به حکومت پهلوی‌ها و حکومت قاجارها. یعنی از آن میراث ارجمند، در هنگام ورود دانش غربی به کشور استفاده نشد. امروز در کشور ما، در محیط دانشگاه ما، در محیط علمی ما، روحیهی ساختن و اتکاء به نفس و اعتماد به نفس و حرف داشتن و حرف زدن و مقاله‌ی استنادی تولید کردن که دیگران در دنیا به آن استناد کنند، از این حرفها امروز در کشور ما زیاد است؛ آن روز نبود. آن روز ما نه توانستیم از اخلاق علمی و زمینه‌ی علمی میراث خودمان استفاده کنیم، نه توانستیم از میراث معنوی و میراث اخلاقی محیط علمی خودمان استفاده کنیم. اینها شرح مفصّلی دارد

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۱۳۹۴/۸/۲۰)

● تغییر وابستگی علمی به خودباوری علمی، به برکت انقلاب اسلامی

... قبل از انقلاب، تکیه‌ی علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود. بارها گفته‌ام؛ بعضی از قطعات هواپیماهای نظامی ما را که خراب شده بود، سائیده شده بود، بنا بود اصلاح شود، اجازه نمیدادند مهندسین داخلی نیروی هوایی این قطعه را باز کنند، ببینند چی هست، چه برسد به اینکه به فکر درست کردنش بیفتند. قطعه را می‌گذاشتند توی هواپیما، می‌بردند آمریکا، یکی به جایش می‌آوردند؛ یا اگر بنا بود اصلاحش کنند، اصلاحش میکردند. صنعتی که وجود داشت، صنعت مونتاژ محض بود، بدون هیچ ابتکاری. بعد از انقلاب، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی به وجود آمد؛ حضور این همه دانشمند، دانشمندان برجسته و بزرگ، در رشته‌های مختلف، مشاهده شد. امروز ما دانشمندانی در داخل کشور داریم که در سطح جهان، شبیه آنها و نظیر آنها قابل شمارشند؛ تعداد معدودی هستند. دانشمندان ما پیش رفتند؛ غالباً هم جوان ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ (خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

● خودکفایی

تحریم ایران در دوران جنگ؛ عامل خودکفایی در تولید ابزارهای جنگی پیشرفته ما در دوران جنگ، از جهات گوناگون، محدودیتهای زیادی از قبیل سلاح، مهمات و ابزارهای جنگی داشتیم. حال هم این آقایان [آمریکایی] می‌خواهند زحمت بکشند و برای ما محدودیت ایجاد کنند. مگر ما در هشت سال دوره‌ی جنگ، محدودیت نداشتیم؟! آن‌جا چه کار کردیم؟ من شاید یک وقت دیگر هم این را گفته باشم: برادران و خواهران! تعجب می‌کنید اگر بدانید

که مسئولین ما، سیم خاردار خریده بودند؛ می خواستند از کشور شوروی عبور دهند و بیاورند؛ اما شوروی نمی گذاشت! سیم خاردار دیگر چیست؟! چه وسیله ای، دفاعی تر از سیم خاردار؟! از خودش هم نخریده بودند که مثلاً بگویند «نمی فروشم». بلکه از جای دیگر خریده بودند. شما ببینید با جمهوری اسلامی چه کردند! گلوله ی آر.پی.جی. دم دستی کم اهمیّت را به ما نمی فروختند. اصلاً کسی باور می کند؟! خوب؛ این جمهوری اسلامی، همان کشوری است که در آن وقت این محدودیّت‌ها را داشت. می دانید نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که به فضل پروردگار و به حول و قوّه ی الهی، جوانان مؤمن این مملکت، به گوشه ی انبارها و کارگاه‌ها رفتند؛ درها را روی خودشان بستند و مشغول کار شدند. ما امروز برخی از پیچیده‌ترین ابزارهای جنگی را که دشمن به عقلش هم خطور نخواهد کرد، خودمان در داخل تهیّه می کنیم. البته ما را به ساختن بمب اتمی و شیمیایی متّهم می کنند که اینها دروغ است. خودشان هم می دانند که دروغ است. آنچه را که واقعیت دارد، آنها نمی دانند و به عقلشان هم نمی رسد. چطور ما توانستیم؟ در این مملکت، خلبان با هواپیمای آمریکایی پرواز می کرد؛ همافر و افسر فنی کارهای تعمیراتی اش را انجام می دادند؛ اما هیچ کدام جرأت نداشتند قطعات این هواپیما را باز کنند، ببینند چه شکلی است. اسمشان هم تعمیرکار بود! قطعات هواپیما وقتی خراب می شد، باید می بردند امریکا، آنجا تعمیر می کردند. اجازه ی تعمیر قطعات هواپیمای امریکایی، به تعمیرکار ما که با آن هواپیما سروکار داشت، داده نمی شد. همین نیروهای مسلّح و مردم این کشور، توانستند پیشرفتی عظیم در این زمینه ایجاد کنند. چرا؟ به برکت همان تحریمها و جلوگیریها. حال تهدید می کنند که «ما رابطه ی تجاری مان را با ایران قطع می کنیم».

خوب؛ به درک، قطع کنید! مگر ما بدمان می‌آید؟! ما خوشحال می‌شویم که شما رابطه‌تان را با ما قطع کنید. اما دنیا از شما تبعیت نمی‌کند. مگر امریکا کدخدای یک ده است که همه مجبور باشند از او تبعیت کنند؟! خوب؛ شما برای خودتان هر کار می‌خواهید، بکنید. بعضی از آدمهای ضعیف، در بعضی از کشورهای اسلامی، تا این چیزها را می‌شنوند، تنش‌ها بنا می‌کند به لرزیدن! مگر چه خبر است؟! الحمدلله در داخل کشور ما، روحیه‌های مسئولان کشور - از رئیس جمهور تا رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس - و آحاد مردم در همه جای این کشور، قوی است. مشتها گره شده است. احساس نشاط می‌کنند. هر کس که در مقابلشان بایستد، با قدرت و قاطعیت با او مواجه می‌شوند. از این جهات، مشکلی نداریم.

(بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳/۲/۱۳۷۴)

● اتکا به خود

جمهوری اسلامی ایران، آنچه را که امروز دارد، با همت فرزندان خود به دست آورده است. ما گردنمان زیر بار منت هیچ کس در دنیا خم نیست. البته از تجهیزات مدرن جهانی استفاده کرده‌ایم؛ اما با عزت. باز هم استفاده خواهیم کرد؛ اما با عزت. در عین حال، بیشترین امید، اعتماد و تکیه‌ی ما به نیروهای ذاتی و درونی ایران اسلامی عزیز است. جوانان ما و مغزهای متفکر و دستهای ماهر و روحهای بزرگ سازنده و مبتکر خود ما هستند که باید ما را مجهز کنند. من امروز به شما فرزندان شجاع این آب و خاک عرض می‌کنم: به خودتان متکی باشید. ما، در راه را به روی خودمان نمی‌بندیم که از امکانات جهان و فناوری جدید استفاده نکنیم. علم و فناوری متعلق به همه‌ی بشریت است و هیچ کس نمی‌تواند آن را منحصر به خود بداند و منت



آن را بر سر کسی بگذارد. همه‌ی بشر در تکوین موجودی امروز مدنیت بشری، با هم سهیم بوده‌اند. ما راه را به روی خودمان نمی‌بندیم و این را حق خودمان می‌دانیم. اما دو نکته مسلم است: نکته‌ی اول این که، تکیه‌ی اصلی ما به نیروهای خودی است. شما باید همت کنید؛ شما باید بسازید؛ شما باید مهارت به دست بیاورید؛ همچنان که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گامهای بسیار بلندی در این راه برداشتید. کسانی که اطلاعات و اخبار را دارند، می‌دانند که امروز، آشنایی، مهارت و تسلط جوانان ما در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بر تجهیزات پیچیده و مدرن، دهها برابر بیش از قبل از انقلاب است. امروز ما روی پای خودمان هستیم.

نکته‌ی دوم این که، محصول این همه دستاورد، برای حفاظت از انقلاب است؛ حفاظت از این گوهر گرانبهایی که ملت ما با خون خود آن را به دست آورده است. حفاظت از استقلال، آزادی ملی، سرسپرده نبودن و دنباله‌رو قدرتهای بزرگ نبودن. این، همان نکته‌ای است که قدرتهای بزرگ را از ملت ایران خشمگین می‌کند. ما برای استکبار، هیچ گونه ابهت و ارزشی قائل نیستیم. بگذار خشمگین باشند. امروز در سطح جهان، قدرتهای استکباری می‌خواهند با استبداد و خودسری عمل کنند. این را اگر دولتهای وابسته و سرسپرده پذیرفته‌اند، ما نمی‌پذیریم. ملت‌های آزاده، بخصوص ملت ما نمی‌پذیرند. ما ملت بزرگی با امکانات بی‌شمار و استعداد فراوان هستیم. اینها را زنده خواهیم کرد، تا روش ملت ایران، الگویی برای ملت‌های در بند باشد.

(بیانات در بازدید از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۳۷۱/۷/۱۸)

● حضور دین در دانشگاه ها

غربی ها برای دانشگاه ما برنامه ریزی داشتند. این هم که من عرض میکنم، از روی اطلاع و محاسبه عرض میکنم؛ این حرف منبری و سخنرانی نیست؛ نه، این تحقیق شده است؛ کسانی که اهل تحقیق هستند در مسائل جامعه شناسی و اجتماعی یا مسائل سیاست خارجی و مانند اینها، کاملاً تحقیق کرده اند. غربی ها برای آنچه آن را جهان سوم مینامیدند، برنامه ریزی کردند برای تربیت آدمهایی که در این کشورها با اخلاق آنها، با شیوهی آنها، با سبک زندگی آنها تربیت بشوند و رشد کنند و اداره ی آن کشور را به عهده بگیرند؛ این برنامه ای بوده که آنها ریختند. برای دانشگاه ما هم آنها یک چنین برنامه ای داشتند؛ یعنی میخواستند دانشگاه ما پلی باشد به سمت سرازیر شدن هرآنچه غربی ها مایلند در ایران اتفاق بیفتد؛ نظر آنها این بود اما نشد؛ یعنی دانشگاه ما در خدمت اهداف غرب عملاً قرار نگرفت؛ این یکی از مسائل بسیار مهم و نکات بزرگ کشور ما است. آنها میخواستند دانشگاه محل پمپاژ افکار غربی و سبک زندگی غربی باشد، خب تا حدودی هم در یک جاهایی موفق شدند، در این تردیدی نیست - آن کسانی که در رأس کار بودند؛ بخصوص در همان دوره ی تأسیس دانشگاه در زمان رضاخان، آنها کسانی بودند که سرتاپا معتقد به غرب و به تمدن غربی بودند که حرفهایشان را شنیده اید - اما در نهایت موفق نشدند؛ [چون] هویت ایرانی کار خودش را کرد. هویت ایرانی یک چیز عجیبی است در تاریخ؛ همه ی کسانی که به ایران تهاجم کردند به یک نحوی، در ایران بعد از مدتی حل شدند: زبانشان، آدابشان، فرهنگشان؛ تنها چیزی که مستثنی است، اسلام است که اسلام آمد ایران و در ایران غرق نشد، ماند و ایرانی اسلام را از بُن دندان قبول کرد؛ والا در

کشورهای مورد تهاجم عربهای مسلمان، هرجا رفته‌اند زبان عوض شده است؛ مصر زبانش عوض شد، فلسطین زبانش عوض شد، شامات زبانش عوض شد، زبانشان عربی شد، [اما] ایران زبانش عوض نشد، فارسی باقی ماند؛ یعنی یک چیز عجیبی است در ایران؛ این خصوصیتی است که مال کشور ما است. اینجا هم همین جور شد، هویت ایرانی کار خودش را کرد.

اولاً در داخل دانشگاه افرادی که ظواهر دینی را حفظ کردند، وجود داشتند؛ با اینکه این بشدت مورد نفی طرف مقابل بود؛ یعنی رضاخان اصلاً با ظواهر دینی موافق نبود؛ آنهایی هم که دانشگاه را در ایران تشکیل دادند - که من نمیخواهم اسم آن رجال را حالا بیاورم - آنها هم همین جور، مثل خود رضاخان [بودند]؛ اصلاً آنها این فکرها را بیشتر توی کله‌ی رضاخان تزریق کرده بودند؛ آنها اصلاً مایل نبودند که در دانشگاه کسی نماز بخواند، در دانشگاه کسی اسم خدا بیاورد اما این اتفاق افتاد؛ همین طور که اشاره کردند، انجمنهای اسلامی تشکیل شد، مسلمانهایی در داخل دانشگاه به مقام استادی رسیدند، دین را ترویج کردند، در مقابل افکار غیردینی ایستادند؛ یعنی از اینجا شروع شد. هرچه گذشت، این روحیه‌ی دینی و ایمانی در داخل دانشگاه تقویت شد تا رسید به نهضت اسلامی سال ۴۱؛ اینجا دانشگاه یک حرکت عظیمی در جهت دینی شدن، ایمانی شدن انجام داد، با اینکه آن روز کمونیست‌ها هم بودند؛ آن روز کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها در داخل دانشگاه خیلی فعال بودند. حالا در مشهد که بنده زیاد مرتبط بودم از نزدیک میدیدم، در جاهای دیگر هم - تهران و بعضی جاهای دیگر که مسافرت میکردیم و با دانشجوهای بنده ارتباط داشتم - حضور تفکر مارکسیستی را در دانشگاه‌ها

میدیدم؛ و عجیب این است که کسانی که تفکر مارکسیستی در داخل دانشگاه داشتند، با دستگاه همکاری میکردند در مقابل تفکر رو به رشد اسلامی در داخل دانشگاه! کتابهایشان چاپ میشد، آزادانه فروش میرفت؛ درحالی که کتابهای انقلابیون مسلمان و جوانهای مسلمان - چه آن کتابهایی که خودشان تولید میکردند که البته کم بود، چه آن کتابهایی که میخواستند بخوانند - در کمال شدت با آنها مقابله میشد و با کمال عسرت آن کتابها را میتوانستند به دست بیاورند. دستگاه پهلوی در دوران نهضت اسلامی، در واقع تمام توجهش به حرکت اسلامی بود و با آن معارضة میکرد؛ [اما] با چپها و مارکسیستها و مانند اینها مدارا میکردند، خب اینها هم به آن مدارا جواب دادند، خیلیهایشان رفتند در دفتر فرح پهلوی عضو شدند! خیلیهایشان رفتند در صداوسیما، در تلویزیون و رادیو عضو شدند، همکاری کردند، همان چپهای تند دههی ۳۰، در دههی ۴۰ شدند همکاران دستگاه! [اما] حرکت دانشگاه به سمت تفکر اسلامی روزبهروز پایدارتر، قویتر، عمیقتر شد.

تا رسیدیم به انقلاب. این حرکت البته حرکت مقاومت اسلامی بود، ریشه دار و دارای تفکر؛ افکار مرحوم مطهری یک نمونه از آن چیزهایی بود که در دانشگاه بین دانشجویها ترویج میشد. خب، انقلاب اسلامی که در سال ۵۷ به پیروزی رسید، دنیا را تکان داد؛ بدون مبالغه این جور است؛ یعنی واقعاً پیروزی اسلام در ضمن یک انقلاب و تشکیل یک حکومت بر پایهی اسلام، اصلاً دنیا را - غرب و شرق را - تکان داد؛ بدیهی است تأثیری در دانشگاه میگذاشت و گذاشت؛ بسیاری از نیروهای داخل دانشگاه، چه در میان اساتید، چه در میان دانشجویان جزو

صادق‌ترین و فداکارترین یاران انقلاب بودند، این جزو سوابق تاریخی دانشگاه ما است، این مقطع را هرگز نباید فراموش کرد و از یاد برد. خب، این مال گذشته است.

در این ۳۷ سالی که از آن روزها می‌گذرد، ما افت‌وخیز زیاد داشته‌ایم، کارهای زیادی شده است، دانشگاه پیشرفت کرده، پسرقت کرده، جریان‌ات گوناگون بر دانشگاه در برهه‌ای از زمان حاکم شدند؛ دانشگاه افت‌وخیز داشته است. این هم طبیعی است، یعنی با یک نگاه دقیق، خلاف انتظار نیست که وقتی حکومت در اختیار اسلام است، آن کسانی که اسلامی فکر میکنند، در درون خودشان سلايق و جریانهای گوناگونی به وجود بیاید و این منجر بشود به موج‌آفرینی‌های گوناگون در داخل دانشگاه. البته مخالفین فکری هم در دانشگاه فعال شدند، حتی مارکسیست‌ها! بنده چون کتاب زیاد می‌خوانم - کتابهایی که دستم می‌آید، همین‌طور می‌نشینم می‌خوانم - تعدادی کتاب دیدم که نشان‌دهنده‌ی این بود که از درون دانشگاه میخواهند تفکر مارکسیستی را باز دوباره سرپا کنند، آن هم کی؟ بعد از سقوط شوروی، بعد از زوال مارکسیسم و حکومت‌های مارکسیستی در دنیا! [این کار] نگرفت و دانشگاه از آن استقبالی نکرد. به‌رحال دانشگاه مراحل گوناگون و دوره‌های گوناگون را در این ۳۷ سال گذرانده؛ حالا امروز ماییم و دانشگاه.

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● اساتید مؤمن و ارزشی

اساتید ارزشی خوبی هم [داریم]؛ خوشبختانه ما هزاران استاد مؤمن، انقلابی، علاقه‌مند داریم؛ قبلها هم بودند، در دوران دفاع مقدس هم داشتیم اما امروز چندین برابر آن روز بحمدالله ما اساتید مؤمن و انقلابی داریم؛ از اینها باید قدردانی کرد.. (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● گمنامی دانشمندان کشور قبل از انقلاب اسلامی

انقلاب اینها [دانشمندان گمنام کشور] را یک خرده رو می‌آورد؛ اما اینها قبل از انقلاب گمنام‌تر بودند. آن کس که می‌خواست یک خرده برای خودش و برای علمش زندگی کند، گم گم بود؛ مگر آن کسی که می‌خواست یک کار مثلاً تملق‌آمیزی بکند و یک چیزی بگوید، او جلو می‌آمد؛ والا کسی که واقعاً می‌خواست در زندگی علمی خودش باشد، اصلاً کسی به او کمترین اعتنایی نمی‌کرد.

من یک وقت در زمان ریاست جمهوری به مرکز سرم‌سازی کرج رفتم، دیدم یک عده از این دانشمندان پیرمرد در آن‌جا هستند؛ که یکی از آنها هم به گمانم جزو همین کسانی بود که از طریق رادیو با او صحبت شد. من از لهجه‌اش فهمیدم که نجف‌آبادی است. پیرمرد از کار افتاده‌یی بود؛ گریه‌اش گرفت! دید که رئیس جمهور آمده با او دست می‌دهد و می‌گوید: آقا! احوال شما چه‌طور است؟ اصلاً چنین چیزی در زندگی او سابقه نداشت که یک مقام کشوری



جلو بیاید و با تواضع با او حرف بزند و قدر علم او را بدانند. می‌دید که من قدر علم او را می‌دانم و به او به عنوان یک عالم، حقیقتاً و قلباً - نه تصنعاً - احترام می‌کنم؛ این واقعاً برایش چیز عجیبی بود. اصلاً این چیزها در گذشته مطرح نبود.

(بیانات در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۱/۱۵)

● دانشگاه بیدار

خوشبختانه ملت ایران بیدار شده است، بحمدالله ملت ایران بیدار است، دانشگاه بیدار است، دانشجو بیدار است؛ بله، خیلی تلاش میشود برای اینکه وضع را برگردانند اما نتوانستند و نخواهند توانست. دانشجو بیدار است؛ دانش‌آموزان ما هم همین‌جور. این سرگرمی‌ها و این ظاهرسازی‌ها نمیتواند لب‌اعتقاد ملت ایران را تغییر بدهد؛ ملت ایران میدانند که دارند چه کار میکنند و به کجا دارند می‌روند. یک روزی بود که دانشگاه ما به مثابه‌ی پلی بود به سمت غرب که «برویم به دانشگاه تا بعد فروبغلتیم به دامن غرب»؛ یا آن که با استعداد بود، وجودش مفید بود، برود جذب آنها بشود، برای آنها کار کند و بعضی‌ها اینجا بشوند عامل یا سرگرم‌تمتعات زندگی. امروز دانشگاه این‌جور نیست، امروز دانشگاه یک نردبانی است به سمت آرمانهای بلند؛ عده‌ای میخواهند این نردبان را از بین ببرند و دوباره همان پل به سمت غرب را برقرار کنند؛ دانشگاه ما را برگردانند به حال سابق. جوانهای ما باید بیدار باشند و بحمدالله بیدارند.

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۹۴/۸/۱۲)

● ما می توانیم

وقتی یک کشوری در سراسیمه‌ی انحطاط اجتماعی یا سیاسی یا فنی واقع می‌شود، مهمترین ضایعه‌یی که برای کشور پیش می‌آید، این است که سرمایه‌های کشور به کار گرفته نمی‌شود؛ این طبیعیِ دوران انحطاط است. ما در یک دوران تقریباً صد ساله، انحطاط بسیار تأسفباری را گذراندیم. این دوران از اواسط دوره‌ی قاجار آغاز می‌شود تا پایان دوره‌ی پهلوی؛ یعنی حتی در دوره‌ی پهلوی هم که دوره‌ی مدرنیزاسیون ایران طبق نگاه خود متولیان دولتی و روشنفکرهای آن روز است، متأسفانه ما در سراسیمه‌ی انحطاط حرکت کردیم. چرا می‌گوییم انحطاط؟ شاید اوایل دوره‌ی قاجار هم ما خیلی هنر بزرگی در زمینه‌های مختلف علمی و صنعتی نشان ندادیم؛ اما من آن را دوران انحطاط نمی‌گویم؛ دوران انحطاط، مربوط به اواسط دوره‌ی قاجار و بعد است. چرا؟ چون این دوران، دورانی است که ملت ایران از حرکت طبیعی خود - که گاه سرعت می‌گرفت، گاه دچار بُطنی و کندی می‌شد - کنار افتاد؛ یعنی افسون شد. یک ملت، همیشه پیشتاز نیست. یک ملت با استعداد گاهی به‌خاطر عوامل مختلف، پیشروی و سرعت و شتاب دارد؛ گاهی هم کندی دارد؛ اما یک وقت یک ملت افسون می‌شود؛ این افسون تحقق پیدا کرد. افسون در مقابل چه چیزی؟ در مقابل یک موجود تازه نفس زنده‌ی نگاه‌کننده‌ی به مسائل جهان به‌صورت ریز و کلان؛ و آن، تمدن صنعتی و پیشرفت علمی غرب بود. این موجود، با نگاه تصرف جهان به میدان آمد؛ لذا برای خودش مفید شد، ولی برای دنیا مایه‌ی زیان شد. تا یک برهه‌ی طولانی از زمان، مثل بختکی افتاد روی ملتهای غافل از قبیل ملت ما



و ملت‌های آسیا و آفریقا و نقاط دیگری از جهان؛ نگذاشت اینها حرکت طبیعی خود را - که گاهی شتاب داشت و گاهی کند بود - ادامه دهند؛ اینها را افسون کرد.

از اواسط دوره‌ی قاجار نشانه‌های پیشرفت اروپایی در کشور ما بتدریج شروع کرد ظاهر شدن. روشنفکران ما کسانی بودند که به اروپا می‌رفتند یا نوشته‌های آنها را می‌خواندند؛ لذا با پیشرفتهای آنها آشنا می‌شدند و خود را در مقابل آنها ناتوان و حقیر می‌دیدند. این حرف تکرار شده‌ی است از طرف روشنفکرهای صدر مشروطه، که ما فقط و فقط باید دنبال غربی‌ها راه بیفتیم و به هرچه آنها می‌گویند، در همه‌ی شؤون زندگی مان عمل کنیم؛ این حرفی که از تقی‌زاده و دیگران نقل شده و واقعیت هم دارد. اینها می‌گفتند ما باید صد درصد به نسخه‌ی آنها عمل کنیم تا پیش برویم؛ یعنی مجال ابتکار، ابداع، خلاقیت و نگاه بومی به مسائل علمی و صنعتی مطلقاً در محاسبه‌ی اینها نمی‌گنجد. این را از این طرف حساب کنید؛ حالا طرف مقابلی که ما توصیه می‌شدیم به این که از او تبعیت کنیم، چیست؟ همان انقلاب صنعتی و انقلاب علمی و پیشرفت علمی‌یی است که نگاهش فقط محدود به چارچوب کشور خود نمی‌شود؛ بلکه به دنیا به چشم یک ذخیره و یک انبار بزرگ که باید از آن استفاده کند و ببلعد تا این که بتواند حجم خودش را بیشتر کند و خود را توسعه دهد، نگاه می‌کند. این زمانی که من اشاره می‌کنم، زمانی است که بیش از صد سال از شروع استعمار گذشته بود؛ یعنی پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و بخش‌های مختلف اروپا به مناطق ثروتمند دست‌نخورده‌ی دنیا، از جمله منطقه‌ی ما، منطقه‌ی اقیانوس هند، شبه‌قاره‌ی هند، اندونزی، آفریقا و بقیه‌ی مناطق گوناگون دست انداخته بودند و آن ثروتهای عجیب و دست‌نخورده را

پیدا کرده بودند. البته خُلقیات اروپایی‌ها هم در این کار تأثیر داشت. بعضی از این خُلقیات مثبت است، بعضی از آنها منفی. من از کسانی نیستم که غربی‌ها را یکسره دارای خُلقیات منفی بدانم؛ نه، خُلقیات مثبتی هم دارند؛ خطرپذیرند، شجاعند، دنبالگیرند. اینها سوار کشتی شدند، راه افتادند، رفتند تا به کشورها و مناطق دست‌نخورده برسند؛ یعنی انبارهای ثروت طبیعی. آسیا را فتح کردند، آفریقا را فتح کردند، طبعاً آمریکا را هم فتح کردند.

وقتی در ایران، متفکرِ عالمِ سیاسی ما می‌گوید ما باید صد درصد کوچک ابدالِ غربی‌ها و دنباله‌رو آنها شویم، چه وضعی پیدا می‌کنیم؟ اگر آن طرفی که ما می‌خواستیم کوچک ابدال و نوچه و دنباله‌رو او بشویم، انسان منصف و موجود عادل بود و قصد تجاوز و تعرض نداشت، خیلی خوب بود؛ اما طرف مقابل ما کی بود؟ آن موجود متعرض، متجاوز و نگرنده‌ی به گستره‌ی عظیم جهانی با عنوان یک انبار مواد رشد و تعالی زیستی؛ ما شدیم کوچک ابدالِ او. او هم وارد شد و علم و صنعت خودش را به ما نداد؛ ما را تربیت علمی و فرهنگی نکرد، مثل استاد دلسوزی که شاگرد را تربیت می‌کند؛ ما در دوران نوسازی علمی و صنعتی ایران و به قول آقایان، دوران مدرنیزاسیون - که بنده از این گونه تعبیرات خوشم نمی‌آید - شدیم مثل یک کارگر ساده‌ی ساختمانی در اختیار یک معمار و یک مهندس. یک کارگر ساده‌ی ساختمانی چه کار می‌تواند بکند؟ بله، در ساختن خانه نقش دارد، اما صرفاً نقش جسمانی و غیرفکری؛ گل بده، آجر بده، گچ بده، یا اینها را روی هم بچین. دوره‌ی انحطاط ما از این جهت است.

ایرانیِ هوشمند و با استعداد، در این فضا مجبور بود یکی از دو کار را بکند؛ یا تن بدهد و تسلیم این وضعیت بشود، یا از کشور خارج شود و در خدمت دیگران قرار بگیرد. در صنایع نظامی و

هوایی - صناعی که ما در طول چند سال گذشته اطلاعاتی راجع به آنها پیدا کرده‌ایم - مهندسانی که امروز در این کشور می‌توانند هواپیما و پیچیده‌ترین قطعات را بسازند و ساخت معکوس کنند، در آن زمان وظیفه‌شان این بود که چک لیست هواپیما را بگیرند، بروند سرکشی کنند و بیایند بگویند این قطعه درست است یا درست نیست. اگر قطعه‌ی هم معیوب بود، آن را دریاورند، تحویل مهندس بیگانه بدهند تا او آن را به خرج ما سوار هواپیما کند و به امریکا برود و در آن جا آن را تعمیر یا تعویض کنند و برگردانند؛ بیش از این اجازه داده نمی‌شد. این مهندس و این آدم خوشفکر و با استعداد و قابل جهش، یا این وضع را تحمل می‌کرد - که بیشتر این گونه بودند؛ با همین وضع زندگی می‌کردند - یا اگر روح ماجراجویی داشت، از این کشور خارج می‌شد و می‌رفت در خدمت دیگران قرار می‌گرفت، یا اصلاً نمی‌آمد؛ که از این قبیل هم تعداد زیادی داشتیم. بعد از انقلاب، بنده با برخی از اینها برخورد و دیدار و آشنایی هم داشته‌ام.

آن روزها کشور و نظام به مهندس ما برای ساخت و تحقیق و رشد علمی و حتی برای بهره‌برداری میدان نمی‌داد. من قبلاً در مصاحبه‌ی، بعد از آن که از سد دز بازدید کردم، این نکته را گفتم؛ شاید شما هم شنیده باشید. بعد از آن که شرکتهای خارجی قسمتی از سد دز ما را ساختند، برای مدت کوتاهی بهره‌برداری از نیروگاه آن را به یک شرکت داخلی دادند. بعد می‌خواستند ظرفیت نیروگاه را دو برابر کنند. یک شرکت امریکایی که متعهد شد بیاید ظرفیت نیروگاه را دو برابر کند، وقتی دید بهره‌بردار، ایرانی است، گفت اینها باید بیرون بروند؛ بنابراین اجازه نداد. دولت ایران بهره‌بردار ایرانی را بیرون کرد و بهره‌برداری از نیروگاه دز را به

یک شرکت ایتالیایی داد؛ آن وقت امریکایی‌ها ظاهراً حاضر شدند ببینند پنجاه درصدِ دیگر نیروگاه را تکمیل کنند. بنابراین به ایرانی اصلاً اجازه داده نمی‌شد؛ حتی در زمینه‌ی بهره‌برداری. برای همین هم هست که ما در زمینه‌های ساخت - چه ساختهای صنعتی، چه سازه‌های ساختمانی، عمران و مهندسی‌های گوناگون در آن زمان - واقعاً یک چیز قابل ذکر و قابل عرضیه‌ی که ساخت ایرانی باشد، نداریم؛ درحالی‌که نیروهای ما همان نیروهایند و نسل امروز از نسل دیروز متمایز و متفاوت نیست. همین جوانهایی که امروز توانسته‌اند این سدها، این نیروگاه‌ها، این بزرگراه‌ها، این خط آهن‌ها، این کارخانجات گوناگون، این طراحی ماشین‌ها و هواپیماها، این سلاح‌های نظامی و این فناوری پیچیده‌ی هسته‌یی را تولید کنند، در نسل گذشته‌ی ما هم بودند؛ اما از این چیزها خبری نبود. این بزرگترین خدمت انقلاب به کشور است. به نظر من در زمینه‌های علمی، بزرگترین خدمت این است که این باور را به ما ایرانی‌ها بخشید که ما می‌توانیم؛ همان تعبیری که امام کردند: «ما می‌توانیم.»

آن روز به ما می‌گفتند شما بروید لوله‌نگ بسازید؛ آفتابه‌های گلی‌یی که آن وقت‌ها می‌ساختند؛ یعنی آفتابه‌ی حلبی هم نه! ما حتی دسته‌ی بیل را هم از خارج وارد می‌کردیم؛ همچنین بقیه‌ی چیزهای مورد مصرف و مورد نیاز روزافزون صنعتی را. سطح زندگی پیشرفت می‌کرد و نیازهای فراوان روزه‌روز پیش می‌آمد؛ همه‌ی اینها را ما باید از دیگران می‌گرفتیم و وارد می‌کردیم. برنامه‌ریزانِ آن وقت افتخار هم می‌کردند! سال ۴۴ یا ۴۵ در مشهد به دیدن دوستی رفته بودیم و تصادفاً یکی از نمایندگان مجلس شورای ملیِ آن روز هم به این جلسه آمده بود. دوره‌ی جوانی و پرشوری ما بود و از وابستگی و تسلط بیگانگان و این گونه مطالب حرفهایی

زدیم؛ بی توجه به این که این آقا نماینده‌ی مجلس است. نماینده‌ی مجلس آن وقت - یعنی کسی که دربار لیست داده بود که ایشان باید نماینده‌ی فلان جا شود؛ آن وقت که انتخابات نبود - در جواب من یک مقدار با تفرعن و تکبر و اخم و تخم حرفهایی زد؛ از جمله این که گفت شما چه می گوئید و به چه چیزی اعتراض می کنید؟ امروز اروپایی ها و غربی ها مثل نوکر دارند برای ما کار می کنند. ما نفت داریم، پول داریم، پول می دهیم و آنها کارگر مایند و مثل نوکر دارند برای ما کار می کنند! این، منطق یک نماینده‌ی مجلس آن روز است! دوره‌ی انحطاط که می گویم، یعنی این. فکر این بود که ما چرا تولید کنیم؟ چرا بسازیم؟ چرا یاد بگیریم؟ ما در خانه‌های خود مثل آقاها می نشینیم، برایمان می آورند و وسایل لازم را در اختیار ما می گذارند؛ ما هم پول نفت داریم، می دهیم و زندگی اشرافی می کنیم. این، منطق آن روز یک دولتمرد در سطح بالا بود. فرهنگ حاکم آن روز بر دستگاه‌های اداره کننده‌ی کشور، همین بود؛ لذا آن صد سال، دوره‌ی انحطاط ماست.

(بیانات در دیدار جمعی از مهندسان/ ۱۳۸۳/۱۲)

● انرژی هسته‌ای

جمهوری اسلامی به برکت تمسک به اسلام، به برکت تکیه‌ی به مردم، به برکت بصیرت و آگاهی‌ای که مردم ما بحمدالله دارند، نه فقط ثبات دارد و ایستادگی کرده است بلکه پیشرفت کرده است؛ ما پیشرفت کرده‌ایم. در همین قضیه‌ی مذاکرات هسته‌ای، این پیشرفت ملت ایران

بود که قدرتهای مدّعی را وادار کرد بیایند دست در دست هم بگذارند، همه در مقابل ملّت ایران بنشینند؛ آن تدابیر خصمانه را علیه ملّت ایران به کار ببرند، شاید ملّت ایران را از پا بیندازند؛ این قدرت ملّت ایران است

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳/۸/۹۴)

● فعالیت های عمرانی

امروز با گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی، سرتاسر کشور از لحاظ کارهای زیربنایی، عمرانی، رسیدگی به عمیقترین و دورترین بخشهای این کشور، از لحاظ فرهنگ و دانشگاه و از همه‌ی جهاتی که برای آینده‌ی یک کشور مورد اهتمام است، کارهای فوق‌العاده‌ای شده است. اینها را نباید ندیده گرفت.

من یک بار به یکی از رؤسای کشورهای خارجی که در تهران به دیدن من آمده بود، گفتم الان در آن واحد هفتاد سد در برنامه‌ی ساخت قرار دارد. گفتم شما این را تصوّر می‌کنید که از دولت قبل مبالغی از ساخت سد برای این دولت ماند؛ این دولت هم تعدادی را تمام کرد و تعدادی را در برنامه آورد؛ در حدود هفتاد سد در آن واحد؟ تعجّب کرد و گفت آیا این واقعیت دارد؟! گفتم بله، اینها چیزهایی است که نمی‌شود ندیده گرفت. تحقیر دستاوردهای انقلاب چیزی نیست که به نفع ملت باشد؛ بلکه موجب ناامیدی و یأس مردم خواهد شد و این کاری است که دشمنان می‌خواهند آن را انجام دهند. ضعفها را بزرگ و کمبودها را برجسته کنند؛ اما پیشرفتهای را مورد نظر قرار ندهند.

(بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰)

● سازندگی

یک ملت، انقلابی با آن عظمت به وجود آورد، که این قیام مردم، چنین دستاورد عظیمی هم به دنبال خود داشته باشد و برکت و اثر آن باشد. بعد هم به این اکتفا نکنید؛ کار به این هم منتهی نمی شود.

این نظام در طول سالهای اوّل ولادت خود، دست اندرکار مبارزه با یک توطئه‌ی حساب شده‌ی همه‌جانبه‌ای از سوی قدرتمندان درجه‌ی یک عالم - شوروی آن روز و امریکا - شد. بحمدالله شوروی متلاشی شد و از بین رفت و این یکی با هزار مشکل و دردسر برای خودش مانده است و دیگر قدرتهایی که در دنیا بودند و مجموعه‌های نظامی و غیره که به صورت جنگ تحمیلی جلوه کرد. این ملت و این انقلاب توانست در مقابل همه‌ی اینها بایستد و آنها را ناکام کند. مگر شوخی است؟! هر یکی از اینهایی که گفتم، می‌تواند یک نظام و یک رژیم حکومتی را خرد و خمیر کند؛ از بین ببرد و یک ملت را به زانو درآورد! آن محاصره‌ی اقتصادی، آن مقابله‌های نظامی، آن جنگ طولانی و آن جنگ تبلیغاتی عظیم! باز هم نتوانستند. جنگ را هشت سال هم کش دادند، اما نتوانستند یک وجب از خاک این کشور را تصرف کنند و نگهدارند. هر چه را گرفته بودند، این ملت از چنگشان بیرون کشید.

این، هنر این انقلاب و نظام بود؛ هنر این حکومت بود. بعد هم شروع به سازندگی کرد. گفت حالا جنگ تمام شد، شروع به ساختن کشور می‌کنیم. این هم سازندگی! شما امروز هر جای



کشور که می‌روید، بحمدالله کار و تلاش و سازندگی است. ملت، دولت، مسئولین بالا و پایین، همه و همه در تلاشند. این، اثر و هنر انقلاب است و ادامه پیدا خواهد کرد. این سازندگی، در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد. این حرکت به سوی رفاه و کمال دنیایی و آخرتی و مادی و معنوی، در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد. این ملت از میدان خارج نخواهد شد.

(بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

● آمارهای پیشرفت کشور

امروز آنچه که در زمینه‌های اقتصادی در ایران انجام می‌گیرد، کارهای اصیل و واقعی است. ممکن است بگویند درآمد ملی در فلان دوره‌ی قبل از انقلاب این رقم را داشته، که اگر با امروز مقایسه کنیم، با توجه به مسائل تورم، رقم خوبی را نشان می‌دهد؛ اما باید گفت که درآمد ملی آن روز، چیزی غیر از معنای درآمد ملی امروز بود. امروز جمهوری اسلامی تا اعماق روستاها را کشور و ملت ایران می‌داند. امروز راه‌آهن، خط شوسه، امکانات ارتباطی، بزرگ‌راهها، برق، آب، تلفن و وسایل آسایش، مخصوص شهرهای بزرگ نیست؛ اما آن روز این طور نبود. من می‌دیدم که امام (رضوان الله تعالی علیه) غالباً حرص و جوش می‌خوردند که چرا این آمارها را نمی‌دهید. حالا بنده خودم وقتی با مجامع گوناگون روبه‌رو می‌شوم، همین حرص را می‌خورم. آمارها فوق‌العاده است. بله، یک عده آدم بدخواه، بدجنس، بی‌مسئولیت، بی‌فکر نسبت به آن کاری که می‌کنند و تابع دشمنان خارجی، ممکن است آمارها را زیر سؤال ببرند؛ که می‌برند هم. شما باید بروید و ببینید که این موفقیتها کجاست.

(بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)



دستاوردهای سیاسی

● قدرت تحلیل سیاسی

از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهنها را باز کرد، ذهنها را سیاسی کرد، چشمها را باز کرد، و همه را با مسائل کشور آشنا کرد.

(بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۶/۹/۵)

● الهام بخشی ملت ایران

امروز پرچم اسلام، پرچم دینداری، پرچم شجاعت و پرچم نوآوری در زمینه‌ی سیاست در دست ملت ماست.

(بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۳/۳/۱۴)

● حضور مردم در صحنه

نعمت بزرگ حضور مردم، هدیه‌ی انقلاب به ماست.

(بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۸۴/۵/۱۲)

● حضور مردمی

ملت ایران قدر این آزادی و قدر این و قدر این اختیار مردمی را باید خیلی بداند؛ همی ما باید قدر بدانیم.

(بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۳/۳۱)

● مردم سالاری

ما مردم سالاری را نه جدا و بیگانه‌ی از معنویت و دین، بلکه توانسته‌ایم کاملاً برخاسته‌ی از دین و معنویت در کشورمان مستقر کنیم. امروز کشورهایی که دولتها و بعضی از نمایندگان مجالسشان از دموکراسی و آزادی انتخابات دم می‌زنند، دموکراسیشان بیگانه‌ی از معنویت بوده است. در نتیجه هر جا لازم شده و توانسته‌اند در همان دموکراسیها تقلب کنند، برخلاف رأی مردم تقلب کرده‌اند. الان رئیس جمهور امریکا با کمتر از بیست و پنج درصد آراء مردم خودش، آن هم با حکم دادگاه، در امریکا حکومت می‌کند! دموکراسی‌ای که با معنویت همراه نباشد، همین است. بعد هم با ادعای دموکراسی، به دیکتاتورهای دیکتاتورهای دنیا دست دوستی و رفاقت و برادرخواندگی دادند! به دیکتاتورهای دنیا و کودتاها‌ی نظامی نگاه کنید! همه‌ی اینها رفیقهای نزدیک همین دموکراتهای دنیا و طرفداران دموکراسی و مردم سالاری‌اند. وقتی دموکراسی با معنویت و حقیقت و دین همراه نباشد، این طوری می‌شود. ما تجربه‌ی نویی را آوردیم؛ ما دموکراسی را از دین گرفتیم؛ دموکراسی ما با معنویت و دین همراه است؛ لذا شد مردم سالاری دینی؛ شد جمهوری اسلامی. مردم به این دستاورد می‌بالند و از آن دفاع و به آن افتخار می‌کنند. دشمن در تبلیغات خود مرتب سعی می‌کند این دستاورد را کوچک کند؛ به قول رایج بین کسبه، توی سر جنس بزند و آن را تحقیر نماید. امام صادق علیه‌السلام به شاگرد خود فرمود: چنانچه تو گوهر گرانمایی در دست داشته باشی، همه‌ی دنیا اگر بگویند این سنگ است و تو بدانی که این گوهر گرانهاست، حرف همه‌ی دنیا را باور نمی‌کنی. اگر یک سنگ در دستت داشته باشی، همه‌ی دنیا بگویند این گوهر گرانهاست، باز هم به حرف

آنها گوش نمی‌کنی؛ می‌بینی که سنگ است. وقتی گوهر گرانبهایی وجود دارد، اگر همه‌ی دنیا بگویند آنچه در دست داری، بی‌ارزش است، می‌بینی متاع باارزشی است. ملت ما دانسته است و فهمیده است؛ لذا ایستاده است. ۲۴/۱۱/۱۳۸۲

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

● مردم سالاری

ملت‌ها در مقابل حوادث دو جورند؛ بعضی از ملت‌ها حادثه را، سختی را، شکنجه را لمس میکنند اما نمیتوانند یک تحلیل و یک جمع‌بندی درستی برای خودشان به وجود بیاورند که این جمع‌بندی آنها را به حرکت متقابل وادار کند؛ بعضی ملت‌ها این جورند. ملت‌هایی که رهبران کارآمد و شایسته‌ای داشته باشند، نه، سختی‌ها را تحمل میکنند اما در کنار آن، آگاهی‌ها و بصیرت‌ها و راه‌حل‌ها و تقویت باورهای صحیح و منطقی را هم دنبال میکنند؛ ملت ایران از این قبیل بود. خدای متعال تفضل کرد، رهبری امام بزرگوار را به این ملت به‌عنوان یک موهبت بزرگ داد، امام بزرگوار ملت را آگاه کرد، بصیرت بخشید، سختی‌ها را خودش تحمل کرد، زندان رفت، تبعید شد، دست برنداشت؛ بتدریج این آگاهی و بصیرت همه‌گیر شد، تا در سالهای ۵۶ و ۵۷ به شکل یک حرکت عمومی در میان ملت ایران درآمد. این حرکت هدفش و آماج حمله‌اش فقط دستگاه سلطنت نبود، آمریکا هم بود. ملت می‌فهمیدند، میدانستند که پشت سر این جنایاتی که دارد علیه آنها و علیه کشور در داخل انجام می‌گیرد، آمریکا است؛ این را فهمیدند. امام بزرگوار ما در سال ۴۲، در اوایل شروع نهضت اسلامی فرمود: رئیس‌جمهور

آمریکا مبعوض ترین افراد امروز در ایران است. (۳) این معنا را القا کرد به افکار عمومی؛ تبیین کرد برای مردم که هرچه هست زیر سر آمریکا است؛ شراقتها زیر سر آمریکا است. خب، این مبارزه به نتیجه رسید.

هرجا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است؛ همه‌جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد، این است که یا ملت‌ها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند، یا رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند ندارند. ما در زمان این سالهای اخیر دیدیم جاهایی را که ملت‌ها حرکت کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را نشان دادند، به نتایجی هم رسیدند؛ [اما] رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند، هدف را درست تشخیص بدهند، راه را در مقابل مردم درست ترسیم کنند، وجود نداشتند، [لذا] شکست خوردند؛ این را در همین سالهای اخیر همی شماها دیدید؛ من نمی‌خواهم اسم از کشوری و جایی بیاورم. ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمم و دارای توکل به خدا، اتکاء به خدا، اتکاء به وعده‌ی الهی که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ (۴) موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته‌ی سیاه‌خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشنوم و ننگ‌آلود - که برای هر کشوری حکومت پادشاهی مایه‌ی ننگ است در منطق صحیح انسانی - در ایران از بین رفت و تمام شد؛ مردم شدند صاحب اختیار.

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳/۸/۹۴)

● مردم سالاری

قبل از انقلاب، حکومت سلطنتی بود. نقطه‌ی مقابل آن، مردم سالاری است. در حکومت سلطنتی، مردم هیچ‌کاره‌اند؛ در حکومت مردم سالاری، مردم همه‌کاره‌اند. قبل از انقلاب، حکومت، وراثتی بود؛ یکی می‌مرد، یکی را به جای خودش معین می‌کرد؛ یعنی مردم هیچ نقشی نداشتند؛ می‌خواستند، نمی‌خواستند، ناچار باید قبول می‌کردند. در جمهوری اسلامی به برکت انقلاب، حکومت انتخابی است؛ مردم انتخاب می‌کنند؛ مذاق مردم، خواست مردم تعیین کننده است. قبل از انقلاب، حکومت، دیکتاتوری امنیتی بود؛ دیکتاتوری سخت و سیاه. بنده یادم هست؛ یکی از دوستان ما از پاکستان آمد پیش من - قاچاقی آمده بود مشهد - نقل می‌کرد، صحبت می‌کرد؛ گفت بله، فلان اعلامیه را ما توی پارک، با دوستان داشتیم می‌خواندیم. من تعجب کردم؛ توی پارک؟! اعلامیه؟! ممکن است چنین چیزی؟! اصلاً به ذهن ما خطور نمی‌کرد که کسی یک اعلامیه توی جیبش باشد و مقداری انتقاد از دستگاه در آن اعلامیه باشد و بتواند توی کوچه راه برود. این وضع دیکتاتوری امنیتی آن روز بود. انقلاب آمد فضای آزاد را، فضای نقد را، فضای اصلاح را، فضای تذکر را، حتی فضای مخالفت و اعتراض را برای مردم باز کرد. در طول این سی و دو سال همین جور بوده است.

(خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

● مردم سالاری

گفتن این حرف‌ها که مجلس مرکز آراء مردم است، مظهر اراده‌ی مردم است، اداره‌کننده‌ی حقیقی کشور در سایه‌ی قوانین است، یک مرحله است؛ عمل به این‌ها و تحقق این‌ها یک مرحله‌ی

دیگر است. آنچه ما در جمهوری اسلامی به آن سرفرازیم، این دومی است، و الا در همه جای دنیا و در همه‌ی زمانها این حرفها گفته می‌شود. زمانهای بعد از مشروطیت، در همین کشور ما هم این حرفها بود. می‌گفتند مجلس، می‌گفتند قانون، می‌گفتند انتخاب؛ لیکن میان حقیقت و آنچه که اتفاق می‌افتاد و واقعیت امر بود، با آنچه که گفته می‌شد، فاصله‌های زیادی وجود داشت. مردم ما حقیقتاً از دوران مشروطیت تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور خود را در اداره‌ی کشور به شکل قانون‌گذاری تجربه نکرده بودند؛ شاید یک یا دو دوره‌ی دوساله در اوایل کار مجلس شورای ملی مثلاً دوره‌ی دوم، سوم؛ آن هم با مناقشات و خدشه‌هایی تا حدودی این معانی را با خود داشت؛ اما آنچه بود، حرف بود؛ بر روی کاغذ بود؛ در امواج هوا بود، یواش یواش همان هم نبود! این طوری است که وقتی انحراف عمیق شود، مردم خودشان را ملزم هم نمی‌دانند که حتی در زیان هم نام حقیقت را بیاورند؛ خطر اینجاست. در دوره‌ی قبل از پیروزی انقلاب، این گونه بود. در سالهای متمادی دیگر، حتی اسمی از آراء مردم و ادعا و افتخار به این حرفها هم دیگر باب نبود؛ همه چیز صوری و دروغین بود؛ مصنوعی و ساختگی بود؛ هم در دوران دیکتاتوری صریح، که عبارت بود از دوران رضاخانی و اواخر دوران محمد رضا؛ هم در دوران میانه که یک مقدار پوشیده و خفی بود، مردم رأیی نداشتند، مجلس وجود نداشت، نماینده‌ای نبود؛ دستوری و فرمایشی بود. انسان وقتی تاریخ آن دوره را می‌خواند حالا برهه‌ای را که خود ما در این اواخر شاهدش بودیم، و نیز آن قبلها را هم وقتی انسان می‌خواند می‌بیند که چگونه بوده است. از مدتی قبل از آنکه وقت انتخابات شود، انتخابات فراهم می‌کردند؛ کار محافل شروع می‌شد؛ اصرارها، التماس‌ها، تقریبات،

خوش رقصی‌ها؛ برای اینکه خود را در لیست دولت داخل کنند؛ صریح می‌گفتند لیست دولت، لیست دربار؛ حیا هم نمی‌کردند! انقلاب اسلامی در میان کارهای عظیمی که در این کشور و در تاریخ ما انجام داد، این کار عظیم را هم انجام داد که مردم ما طعم حکومت مردم در وضع قوانین را چشیدند. ۱۰/۰۳/۱۳۷۸

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس

● حرکت مردمی

یقیناً آگاهی و بیداری و بصیرت مردم عزیز قم و پاسخی که آنها با همه‌ی وجود خودشان به حوزوی علمیه و به مرجع تقلیدشان دادند، یک حادثه‌ی ماندگار در طول تاریخ است و خواهد ماند.

اگر ما حادثه‌ی نوزدهم دی را مبدأ تاریخ تحولات جدید دنیا بدانیم، شگفت‌آور نیست و سخنی به گزاف گفته نشده است. حوادث جامعه‌ی بشری و این عالم بزرگ، متأثر از قانون تأثیر متقابل است. حوادث بر روی هم تأثیر میگذارد و زنجیره‌ی حوادث تاریخی، وقایع بزرگ را به وجود می‌آورد. اگر اینجور تصویر کنیم صورت مسئله را، که حرکت مردم قم در روز نوزدهم دی در سال ۵۶ یک جرقه‌ای بود در فضای ظلمانی عجیب خفقان آن روز - که شرح اختناق که آن روز در کشور وجود داشت و همه دنیای به اصطلاح طرفدار آزادی، پشتیبان آن خفقان بودند و از حکمرانان و سلطه‌گران مستبد و دیکتاتور با همه‌ی وجودشان دفاع میکردند، کتابهای زیادی لازم دارد - در یک چنین فضائی، این خونهای پاکی که در چهارمردان قم ریخته

شد و حرکت عظیم مردم قم را در روز نوزدهم دی پدید آورد، جرقه‌ای بود که در حقیقت اصابت کرد به انبار و آذوقه‌ی ذخیره‌ی عظیم ایمانی این مردم، و ناگهان فضا را منقلب کرد. اگر حادثه‌ی نوزده دی قم نمی‌بود، آن حوادث گوناگون شهرستانها و سلسله‌ی اربعین‌ها که مردم را به میدان مبارزه کشاند، به وجود نمی‌آمد. اگر آن تحولات و آن حوادث نبود، ۲۲ بهمن به وجود نمی‌آمد، انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسید. انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، چالش با استکبار شروع شد، هیبت استکبار شکست، هیبت آمریکا و صهیونیسم شکست. اگر این شکسته شدن هیبت پوشالی ابرقدرتها - که با هیبت خودشان بیش از واقعیت وجود خودشان در دنیای انسانها تصرف می‌کنند - مسلمانها را در کشورهای مختلف به فکر انداخت و بیدار کرد، ایستادگی مردم ایران، مظلومیت ملت ایران در حوادث مختلف، در جنگ تحمیلی، در دوران سخت توأمان دفاع مقدس و تحریم - اینکه ملت ایران اینجور محکم ایستادند، با ثبات پیش رفتند - ملتها را تکان داد. اگر این ثبات نبود، اگر این ایستادگی نبود، اگر این به چالش کشیدن هیبت دروغین ابرقدرتها نبود، ملتها وارد میدان نمیشدند؛ بیداری اسلامی به وجود نمی‌آمد.

(بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹)

● مشارکت مردم

هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است.

(بیانات در اجتماع مردم پاهو ۲/۷/۱۳۹۰)

● آزادی

در دنیای اسلام، پرچم آزادی را نظام جمهوری اسلامی بلند کرد؛ در شعارهایش «استقلال» و «آزادی» طنین انداز بود.

(بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵)

● دفاع از مظلوم

امروز ما در منبرهای عظیم جهانی و بین المللی، از عدالت و مظلومیت ملتها سخن می گوئیم و این به برکت نظام جمهوری اسلامی است.

(بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون ۱۳۸۰/۸/۲۱)

● ثبات اهداف

یکی از مهمترین خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که در طول این سی و دو سال، با وجود راهی دشوار و طولانی، با این همه مزاحمت، با این همه معارضه، با این همه سیاستهای برخورد گوناگون، با شکلهای مختلف و از جوانب مختلف، این خط مستقیم در انقلاب مطلقاً زاویه پیدا نکرده است؛ شعارها همان شعارهاست، اهداف همان اهداف است، خط همان خط است، راه همان راه است. به برکت بیان روشن و رسای امام بزرگوارمان - که خوشبختانه مضبوط هم هست - تفسیر و تأویلی وجود ندارد؛ راه، راه مستقیمی است؛ این راه را انقلاب پیش رفته است. و من به شما عرض بکنم؛ تا آن وقتی که من و شما قدمهامان را محکم برمیذاریم، چشمانمان را از هدف برنمیداریم، با امید حرکت میکنیم، هیچ قدرتی در دنیا

نمی‌تواند راه ما را سد کند؛ و همین در رویاندن شکوفه‌های امید در دل مسلمانان و ملت‌های اسلامی بیشترین اثر را داشته است.

وقتی یک انقلاب اتفاق می‌افتد، خیلی‌ها را در دنیا خوشحال می‌کند؛ توده‌های مردم معمولاً این‌جورند. من یادم هست که در دوران اختناق، دیکتاتور اسپانیا از دنیا رفت. اگرچه فوت او هیچ ربطی هم به ما نداشت، ولی ما اینجا در تهران یا در مشهد خوشحال شدیم؛ کأنه برای ما یک جشنی بود که آن دیکتاتوری که سالها در اسپانیا حکومت میکرد، از بین رفته. یا یک دیکتاتور دیگری در پرتغال - که حالا در این کشورها سر و صدا بزرگ است دیگر؛ حرکت، خیلی حرکت عظیمی است - از دنیا رفت، ما اینجا خوشحال شدیم. بنابراین وقتی انقلابها پیش می‌آیند، هر کسی که در دلش امیدی هست، آرزویی هست، یک ایده‌ی بلندی در او وجود دارد و از وضع موجود محیط خود و نظام خود ناراحت است، خوشحال میشود. انقلاب ما که به وجود آمد، خیلی‌ها خوشحال شدند. لیکن در بسیاری از این پدیده‌ها، این خوشحالی دیرپا نیست. حوادثی پیش می‌آید، این خوشحالی‌ها را زائل میکند. حالا مختلف است؛ گاهی ده سال طول میکشد، گاهی بیست سال طول میکشد؛ گاهی به این مقادارها هم نمیرسد، راه‌ها کج و معوج میشود.

در دهه‌ی ۶۰ میلادی تقریباً در همین کشورهای شمال آفریقا انقلاب شد - در مصر، در سودان، در تونس، در الجزایر - لیکن دیری نپائید؛ یا آدم‌هایی که در رأس کار بودند و سر رشته‌دار انقلاب بودند، یک جور زیر پاشان جارو شد، رفتند، جای خودشان را به دست‌نشانندگان دادند، یا خود آنها دست‌نشانده شدند. زخارف دنیا انسانها را راحت که

نمیگذارد؛ این وسوسه‌ها به طور دائم در دل انسان مشغول کار و فعالیتند. اگر زره و سپر تقوا نباشد، اینها در انسانها زود اثر میگذارد؛ راه‌ها عوض میشود. لذا امیدها که بر اثر انقلابها می‌شکند، بر اثر ارتجاعها افسرده میشود؛ یک بهارِ زودرسی است و تمام میشود.

خصوصیت این انقلاب عظیم اسلامی که شما ملت ایران راه انداختید، این بود که به فضل الهی آن بهار تا امروز خزان نداشته. این ایستادگی، این ثبات، این تداوم، این پایبندی به ارزشها و اصولی که انقلاب برای این مردم آورد، همان چیزی است که امیدها را در دل‌های ناظران در سرتاسر دنیائی که می‌بینند و نگاه میکنند، پایدار میکند. این اتفاق در انقلاب ما افتاده است. نه اینکه ما بخواهیم همین طور منم منم کنیم، به خودمان غره شویم، بیخودی افتخارهای پوچ به خودمان نسبت دهیم، هی بگوئیم بله، فلان کشور از ما یاد گرفت، فلان کشور از ما یاد گرفت؛ نه، هیچ کشوری از کشور ما یاد نگرفت؛ لیکن این به طور قطع وجود دارد که آن بذر امیدی که در دل ملتها ریخته شد و کاشته شد و آبیاری شد و روئید و گل کرد، ناشی از ایستادگی ملت ایران بود. اگر ملت ایران عقب‌نشینی میکرد، اگر ما از شعارهامان دست برمیداشتیم، اگر در مقابل هارت و پورت استکبار جهانی و تهدیدهای استکبار و فشارهای استکبار زانومان خم میشد و میلرزید، این گلهای امیدی که در دل ملتها روئیده بود، پژمرده میشد و باقی نمی‌ماند. ایستادگی شما بود که اجازه داد این نهالهای امید بارور شود؛ و این اتفاق افتاد؛ و این به برکات معنوی الهی است که از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) و نام مبارک زهرا ی اطهر و نام مبارک حضرت بقیة‌الله و توجهات این بزرگوار برای ما حاصل شده؛ اینها را باید نگه داریم؛ اینها را باید دودستی برای خودمان حفظ کنیم. این توجه را، این توسل را، این

توجه به اهل بیت (علیهم السّلام) را، این از خدا دانستن را، به خود غره نشدن را باید برای خودمان نگه داریم.

(بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع) ۱۳۹۰/۳/۳)

● استقلال، عدم وابستگی سیاسی

این انقلابی که در ایران اتفاق افتاد، تغییراتی را به وجود آورد که از لحاظ عمق و ژرفا تغییرات مهمی است، تغییرات اساسی است. بر اساس این تغییرات است که میشود جامعه را پیش برد و تغییرات گسترده‌ای به وجود آورد. این پایه‌های اصلی، محکم گذاشته شد. من چند مورد از این تغییراتی را که اتفاق افتاد، عرض میکنم. البته اینها را همه میدانید، همه میدانیم، جلوی چشم ماست؛ لیکن همان طوری که خدای متعال در قرآن، ما را متوجه خورشید میکند "والشّمس وضحیها"؛ خورشید جلوی چشم ماست، اما سوگند یاد میکند تا ما توجه پیدا کنیم که این پدیده، این حادثه، این موجود اینقدر دارای عظمت است - ما هم باید به این پدیده‌های عظیم اطراف خود توجه کنیم؛ لذا گفتن اینها از این جهت لازم است که خودمان توجه پیدا کنیم... قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمدرضا، چه دستگاه‌های گوناگون، مطیع آمریکا بودند؛ منتظر اشاره‌ی آمریکا بودند. باز شواهد فراوان است. آدمی پا میشود از اینجا میرود آمریکا - دکتر امینی - برای اینکه آمریکائی‌ها را قانع کند که بشود نخست‌وزیر در ایران. آمد، شد نخست‌وزیر! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا، آمریکائی‌ها را قانع کرد که او را از



نخست وزیر عزل کند. آمد او را از نخست وزیر عزل کرد! این، وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود! در بسیاری از مسائل، شاه سفیر آمریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت میکرد تا تصمیمی را که میخواهد بگیرد، با آنها در میان بگذارد! اگر آنها مخالف بودند، تصمیم عملی نمیشد. وابستگی سیاسی یعنی این. مطیع آمریکا بودند؛ قبل از دورهی آمریکا هم مطیع انگلیس. رضاخان را انگلیسیها خودشان آوردند سرکار؛ وقتی دیدند دیگر به دردشان نمیخورد، خودشان از حکومت عزلش کردند، از کشور بیرونش کردند، پسرش را آوردند سرکار. این قبل از انقلاب بود.

انقلاب آمد استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. یعنی امروز در این دنیای بزرگ، در میان این قدرتهای بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، ارادهی او بر ارادهی مسئولین کشور یا ملت ایران اندک تأثیری دارد. این نکتهی بخصوص - یعنی ایستادگی، استقلال، عزت سیاسی - بیشترین جذابیت را برای ملتها دارد. اینکه می بینید ملتها نسبت به ملت بزرگ ایران احساس احترام میکنند، بخش عمده اش مربوط به این قسمت است: استقلال سیاسی.

(خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

● استقلال کشور، هویت ایران اسلامی

در یک چنین موقعیتی که این قدر غفلت بر دنیای اسلام حاکم است که خطر را درک و استشمام نمیکنند، چه کار باید کرد؟ کسی مثل حسین بن علی که مظهر اسلام است، نسخه‌ی بی‌تغییر پیغمبر مکرم اسلام است - «حسین منی و انا من حسین» - «در این شرایط چه کار باید بکند؟ او باید کاری کند که دنیای اسلام را - نه فقط آن روز، بلکه در طول قرنهای بعد از آن - بیدار کند؛ آگاه کند؛ تکان بدهد. این تکان با قیام امام حسین شروع شد. حالا اینکه امام حسین دعوت شد برای حکومت در کوفه و حرکت کرد به کوفه، اینها ظواهر کار و بهانه‌های کار بود. اگر امام حسین (علیه‌السلام) دعوت هم نمیشد، این قیام تحقق پیدا میکرد. امام حسین باید این حرکت را انجام میداد، تا نشان بدهد که دستور کار، در یک چنین شرایطی، برای مسلمان چیست. نسخه را به همهی مسلمانهای قرنهای بعدی نشان داد. یک نسخه‌ای نوشت؛ منتها نسخه‌ی حسین بن علی، نسخه‌ی لفاظی و حرافی و «دستور بده، خودت بنشین» نبود؛ نسخه‌ی عملی بود. او خودش حرکت کرد و نشان داد که راه این است. ایشان از قول پیغمبر نقل میکنند که آن وقتی که شما دیدید که اسلام کنار گذاشته شد؛ ظالمین بر مردم حکومت میکنند؛ دین خدا را تغییر میدهند؛ با فسق و فجور با مردم رفتار میکنند؛ آن کسی که در مقابل این وضع، نایستد و قیام نکند، «کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله»؛ خدای متعال با این آدم ساکت و بی‌تفاوت هم مثل همان کسی که «مستحلّ حرّات الله» است، رفتار خواهد کرد. این نسخه است. قیام امام حسین این است. در راه این قیام، جان مطهر و مبارک و گرانهای امام حسین که برترین جانهای عالم است، اگر قربانی شود به نظر امام حسین، بهای زیادی نیست.

جان بهترینِ مردمان که اصحاب امام حسین بودند، اگر قربان شود، برای امام حسین بهای گرانی محسوب نمیشود. اسارت آل الله، حرم پیغمبر، شخصیتی مثل زینب که در دست بیگانگان اسیر بشود - حسین بن علی میدانست وقتی در این بیابان کشته شود، آنها این زن و بچه را اسیر میکنند - این اسارت و پرداختن این بهای سنگین به نظر امام حسین، برای این مقصود سنگین نبود. بهائی که ما میپردازیم، باید ملاحظه شود با آن چیزی که با این پرداخت، برای اسلام، برای مسلمین، برای امت اسلامی و برای جامعه به دست می آید. گاهی صد تومان انسان خرج کند، اسراف کرده؛ گاهی صد میلیارد اگر خرج کند، اسراف نکرده. باید دید چه در مقابلش میگیریم.

انقلاب اسلامی عمل به این نسخه بود. امام بزرگوار ما به این نسخه عمل کرد. یک عده‌ای آدمهای ظاهرنگر و سطحی‌بین - البته آدمهای خوب، مردمان بدی نبودند؛ ما اینها را میشناختیم - همان وقت میگفتند که ایشان این جوانها را توی میدان آوردند و بهترین جوانهای ما به کشتن داده میشوند؛ خونشان ریخته میشود. خیال میکردند که امام نمیداند که جان این جوانها در خطر قرار میگیرد. دلشان برای او میسوخت. این ناشی بود از اینکه محاسبه درست نمیشد. خوب بله، در جنگ تحمیلی، ما این همه شهید دادیم، این همه جانباز دادیم، این همه خانواده داغدار شدند. این، بهای بزرگی است؛ اما در مقابل، چه؟ در مقابل، استقلال کشور، پرچم اسلام، هویت ایران اسلامی را در مقابل آن طوفان عظیم حفظ کردیم. آن طوفانی که درست کرده بودند، طوفان صدام نبود. صدام، آن سرباز جلو جبهه‌ی دشمن بود. پشت سر صدام همه‌ی دستگاه و دنیای کفر و استکبار قرار گرفته بودند. اگر فرض کنیم از اول هم وارد

این توطئه نبودند، در ادامه واضح و روشن بود؛ همه آمدند پشت سر صدام - آمریکا آمد، شوروی آن روز آمد، ناتو آمد، کشورهای مرتجع و وابسته‌ی به استکبار آمدند؛ پول دادند، اطلاعات دادند، نقشه دادند، تبلیغات کردند. این جبهه‌ی عظیم آمده بود تا ایران بزرگ، ایران رشید و شجاع، ایران مؤمن را بکلی در هم بیچد. یک منطقه‌ی دست‌نشانده‌ی برای استکبار را در درجه‌ی اول، مغلوبِ عنصر پست و کوچکی مثل صدام کند و در درجه‌ی بعد هم در مشّت و چنگال آمریکا نگه دارد. مصیبتی را که در طول دویست سال بر سر کشور ما آوردند و این همه مشکل برای این ملت درست کردند، این مصیبت را صد سال دیگر، دویست سال دیگر ادامه بدهند. ملت ما ایستاد، امام بزرگوار ایستاد. البته جانهای عزیزی را دادیم، شهیدان بزرگی را دادیم، جوانهای محبوبی را فدا کردیم؛ اما این بهای گزافی در مقابل آن دستاورد نبود.

(بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ۱۳۸۷/۱۰/۱۹)

● قطع دیکتاتوری و وابستگی

این انقلاب شروع یک دوران نو در تاریخ ما بود. در یک دوران طولانی در گذشته، ما ملت ایران دچار استبداد بودیم؛ پادشاهان دیکتاتور و مستبد و خودکامه همه‌ی اختیار این مملکت را در دست داشتند؛ مملکت را مال خود و مردم را رعیت خود می‌دانستند. در دوران اخیر - یعنی از اواخر دوران قاجار تا همه‌ی دوران پهلوی - بر این پدیده یک درد و مرض دیگر اضافه شد و آن وابستگی بود. پادشاهان قدیم اگر دیکتاتور بودند، وابسته و گوش به فرمان قدرتهای بیگانه نبودند؛ اما از اواخر دوران قاجار و همه‌ی دوران پهلوی، پادشاهان، هم دیکتاتور بودند و هم وابسته! این شد بیماری مضاعف نظام سیاسی حاکم بر ایران در دوران گذشته. این

دیکتاتوری و وابستگی آثار و تبعات زیادی در کشور ما و روی ملت ما داشته است. همین دیکتاتوری و وابستگی بود که کشور ما را عقب مانده نگهداشت؛ منابع و ثروتهای طبیعی ما را به کام دشمنان داد و مانع رشد و پیشرفت فکری و علمی ملت ما شد و ما که یک روز در دنیا پرچم دار علم بودیم، دریوزه گر دانش - آن هم نقاط ضعیف و کم اهمیت و پس مانده های دانش دیگران - شدیم و دست نیاز به سمت دیگران دراز کردیم! آن ها هم هر وقت خواستند، چیز کمی کف دست ما گذاشتند؛ هر وقت هم نخواستند - که غالباً هم نخواستند - منع کردند. بنابراین ملت ما به شثامت آن دیکتاتوری و آن وابستگی، ملتی عقب افتاده و ضعیف شد. نفت و دیگر منابع ما هم رفت. برای آینده هم نقشه هایی به مراتب خطرناک تر از گذشته کشیده بودند. انسان وقتی به اسناد دوران اخیر حکومت شوم پهلوی نگاه می کند، به وضوح می بیند که این ها برای آینده ی این کشور و این ملت برنامه های بسیار خطرناکی داشتند که در صورت اجرا باز صد سال دیگر ما را عقب می انداخت. انقلاب آمد این روند را قطع کرد و دوران نویی در تاریخ ملت ما شروع شد.

(بیانات در خطبه های نماز جمعه ۱۳۸۲/۱۱/۲۴)

● تبلور استقلال و عزت ملت ایران در ماجرای داد گاه می کونوس

اولگین دشمنی بزرگی که قدرتهای استکباری و استبدادی با یک ملت می کنند، این است که او را ذلیل می کنند؛ عزّت او را از او می گیرند. ملت ایران با این سابقه ی تاریخی، با این عظمت، با این استعداد، با این جوانان خوب، با این همه زیبایی - زیبایی انسانی و طبیعی و تاریخی که در میان این ملت هست - در دوران رژیم گذشته، در چشم بیگانگان به ملتی تبدیل شده بود

که آنها از آن ملت، فقط فرش یا پسته را می‌شناختند! می‌گفتند اینها همان کسانی هستند که برای ما فرش می‌بافند و پسته تولید می‌کنند! اهانت به یک کشور و یک ملت از این بالاتر! انقلاب آمد و به دنیا نشان داد که ملت ایران، آن ملتی است که در مقابل خواستِ قدرتهای استکباری می‌ایستد و حرف خود را می‌زند و اگر همه‌ی قدرتهای استکباری نیز همدست شوند، در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند اراده‌ی خود را بر او تحمیل کنند! امروز، چه امریکاییها بخوانند، چه نخواهند؛ چه صهیونیستها بخوانند، چه نخواهند؛ چه دشمنان این ملت بخوانند، یا نخواهند، ملت ایران در دنیا این طور شناخته شده است: ملتی قوی، مصمم، با اراده، ترس و شجاع که خودش می‌اندیشد، تصمیم می‌گیرد و انتخاب می‌کند! هیچ کس نمی‌تواند بگوید: ای دولت ایران، ای ملت ایران، رابطات را با فلان کشور قطع کن، یا با فلان کشور، رابطه برقرار کن و یا فلان جا تجارت کن، فلان جا نکن! هیچ کس نمی‌تواند به ما دستور بدهد. این امروز آبروی ملت ایران است.

در جنگ، این مطلب فهمیده شد. در اصل انقلاب، در مقابله با محاصره‌ی اقتصادی و در قضایای گوناگون سیاسی و دیپلماسی فهمیده شد. در همین قضیه‌ی دادگاه میکونوس هم فهمیده شد! ما قضیه را بزرگوارانه، با سکوت برگزار کردیم و گذراندیم؛ اما حقیقتِ قضیه که جایی نمی‌رود. همه‌ی اروپا با هم همدست شدند تا سرِ قضیه‌ی دادگاه میکونوس که بنده گفته بودم «چون در این قضیه، آلمان این گونه رفتار کرده است و سفرا رفتند، اگر سفرای دیگر می‌خواهند بیایند، بیایند؛ ولی سفیر آلمان، باید بعداً بیاید. حق ندارد با آنها برگردد» این حرف را از بین ببرند، که سفیر آلمان، اگر شده با یک نفر دیگر با هم بیایند. دولت و ملت ایران

ایستادند.

از هر راهی که می‌توانستند فشار بیاورند و اقدام کنند، اقدام کردند. هر کاری می‌توانستند بکنند، کردند. از اواسط سال هفتاد و پنج شروع شد؛ سال هفتاد و شش رسید و انتخابات انجام گرفت و اجتماع عظیم مردم - آرای سی میلیونی و شرکت سی میلیونی مردم در انتخابات که مایه افتخار ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی بود - موجب شد که مرتب به آنها فشار می‌آمد! آنها هم مرتب فشار آوردند، شاید بتوانند با دولت و با مسؤولین جدید، ارتباط برقرار کنند! کسی به آنها جواب نداد و بالاخره در نهایت کار، مجبور شدند همان را که ما گفته بودیم قبول کنند! درست همان گونه که گفته شده بود، عمل کردند.

خوب؛ این عزت ملت ایران است. تحلیلگران سیاسی که کور نیستند! در اطراف دنیا می‌بینند که در ایران چه اتفاق می‌افتد؛ همه هم می‌دانند که این به خاطر انقلاب و به خاطر اسلام است. (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۷۷)

● قطع وابستگی

اولین کار این انقلاب بزرگ در داخل کشوری که سالهای متمادی را با وابستگی گذرانیده، قطع پیوندهای وابستگی و دستیابی به استقلال برای ملت ایران بود. (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۴)

● استقلال

انقلاب، استقلال را به این مردم داد.

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۶/۱۰/۱۳۷۶)

● استقلال سیاسی

برای یک ملت، خفتی بالاتر از وابستگی نیست. در حق یک ملت از سوی مسؤولان، جنایتی سنگینتر از وابسته کردن آن ملت نیست. در مقابل، برای مسؤولان یک ملت، هیچ خدمت و وظیفه‌ای بزرگتر از این نیست که استقلال او را حفظ کنند. البته استقلال هم مراتبی دارد که اول آن، استقلال سیاسی است. استقلال سیاسی آسانترینش است. یعنی حکومتی به وجود آید که به قدرتها، وابسته نباشد. انقلاب اسلامی، چنین است. حکومت ایران در زمان رژیم طاغوت منحوس، رژیم ذلیل، رژیم فاسد که تا گردن در لجنزار وابستگی گیر کرده بود، اصلاً وابسته زائیده شده بود. محمد رضا که پدرش وابستگی داشت، از ابتدای تولد در محیط وابستگی حرکت و تنفس کرده بود و اصلاً غیر از این را تصور نمی کرد. آنها این ملت را به سوی وابستگی سوق داده بودند. انقلاب اسلامی که آمد، آنها را از این ملت ازاله کرد. واقعاً ازاله شدند؛ مثل ازاله‌ی نجاست از بدن و جامه که برای نماز لازم است! انقلاب اسلامی، پیکر این ملت را ازاله کرد و آنها رفتند. انقلاب اسلامی، حکومتی را بر سر کار آورد که مستقل است. از امریکا حرف نمی شنود. از هیچ کس دیگر هم حرف نمی شنود و از هیچ کس نمی ترسد.

(بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش ۱۳۷۵/۱/۲۸)

● اقتدار

مردم شاهد موفقیت‌های خوبی از نظام جمهوری اسلامی و دولت کریمه‌ی خدمتگزارند. از جهت سیاسی نیز در همین ایام نزدیک به این هفته، قدرتهای بزرگ و به طور مشخص امریکا در سه ماجرا با انقلاب و ملت و کشور ما درگیر شدند و به لحاظ سیاسی در هر سه ماجرا هم شکست خوردند: اول قضیه‌ی قرارداد هسته‌ای ایران با روسیه و سپس مسأله‌ی تلاش برای حصر اقتصادی کشور و نهایتاً قرارداد ما با کشور آفریقای جنوبی بود که امریکا با تمام توان علیه ما به میدان آمد؛ ولی عملاً مجبور به عقب نشینی شد. هر سه قضیه را خدای متعال پیش آورد و دولت امریکا با داعیه‌ی ابرقدرتی و با امکانات فراوان تبلیغاتی و سیاسی خود، جنجالی را در دنیا علیه جمهوری اسلامی به راه انداخت و با نظام جمهوری اسلامی سینه به سینه شد؛ ولی در هر سه مورد به نتیجه‌ی مورد نظر خود نرسید. در این سه ماجرا عملاً واضح شد که وقتی نظامی دارای اقتدار و استحکام حقیقی است و به دیگران اتکا ندارد و قدرت و موجودیت و مشروعیتش را از خارج از وجود خود به دست نمی‌آورد، به موفقیت می‌رسد. در قضایای مهم جهانی وقتی کشوری به ناحق با کشورهای دیگر مواجه شود، اوست که مجبور می‌شود عقب نشینی کند و امروز دولت جمهوری اسلامی بحمدالله با قدرت، کار و راه خودش را ادامه می‌دهد و از توطئه‌های استکبار نمی‌هراسد. این موفقیتها را مردم می‌بینند و دوستان ما هم در دنیا مشاهده می‌کنند. بنابراین از لحاظ تقویت روحیه، این موفقیت برای همه یک دستاورد بود و این لطف الهی را می‌رساند.

(بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۷۴/۶/۸)

● عزت

اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آن‌ها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت به راحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار می‌گیرد.

استعمارگران از قرنهای شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق - از جمله سرزمینهای اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملتها ببندند و آن‌ها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آن‌ها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. این‌ها عبرت‌آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشن فکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! این جور اعلان کردند. این فریاد مذلت‌بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس به راحتی می‌تواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست وزیر معین بکند،

مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا- در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ در دبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومت‌های دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه‌ی عزت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

وقتی یک چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکر مآب می‌شود؛ در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره‌ی رام؛ «اسد علی» و فی الحروب نعامة». همان رضاخانی که بخصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آن جور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود- که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه‌های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمی‌کرد- در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسی‌ها که گفتند «باید از سلطنت کناره‌گیری»، مثل موش مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمد رضای پهلوی؛ محمد رضای پهلوی در سالهای دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادی‌خواهان- خشن؛ بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم- وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع می‌کرد و از آن‌ها حرف می‌شنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است.

یکی از اساسی‌ترین قلمهائی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند.

(بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج ۱۳۸۸/۲/۲۲)

● انتخابات

ملت ما در طول تاریخ چند قرنِ خود یک عنصر بی‌تأثیر در نظام مدیریت کشور بود. چرا؟ چون خاصیت حکومت استبدادی این است؛ خاصیت حکومت پادشاهی این است. ملت، کاره‌ای نیست. حالِ ملت چگونه خواهد بود؟ بسته به انصاف آن کسی که آن بالا نشسته است. اگر یک وقتی اقبال ملت بلند باشد، یک نفر دیکتاتوری بر سر کار بیاید که یک مقداری رحم در دلش باشد - مثلاً حالا در تاریخ ما کریم خان زند را اسم می‌آورند - خوب، یک مقدار وضع مردم بهتر خواهد شد. اما اگر چنانچه کسانی مثل رضا خان قلدر و ناصرالدین شاه و سلاطین گوناگون دیگر - مستبدین - بر سر کار باشند، این‌ها کشور را ملک خودشان می‌دانند، ملت را هم که نقشی نداشتند، رعیت خودشان می‌دانند. تاریخ را نگاه کنید - نمی‌گویم تاریخ قرنهای متمادی را؛ تاریخ همین دوران مشروطه به این طرف را - مشروطه اسماً در کشور به وجود آمد؛ اما از وقتی که رژیم پهلوی بر سر کار آمد، انتخابات به معنای یک حرکت نمایشی محض تلقی شد؛ جز در یک برهه‌ی کوتاهی در دوران نهضت ملی؛ در دوران دوساله‌ای که یک مقدار اوضاع بهتر بود؛ ولی آن هم اشکالات فراوانی داشت؛ مجلس را تعطیل کردند، اختیارات

مجلس را به دولت دادند که این‌ها در زمان مصدق انجام گرفت. در بقیه‌ی این دوران، انتخابات نمایش محض بود. در آن برهه‌ای که بنده و امثالی که در سنین من هستند یادشان هست، همه می‌دانستند که انتخابات مطلقاً به معنای انتخاب مردم نیست. یک کسانی را دستگاه‌های قدرت، دربار آن روز شاهان در نظر می‌گرفتند، رقابت‌هایی بین خود آن‌ها انجام می‌گرفت، با همدیگر زدوخورد هم می‌کردند؛ اما آن کسی که می‌خواستند بیاورند توی مجلس بنشانند که مطیع باشد، سربه‌زیر باشد، منافع آن‌ها را تأمین کند، حق مالی غاصبانه‌ی آن‌ها را بدهد، او را می‌آوردند توی مجلس می‌نشانند. مردم هم برای خودشان می‌رفتند. در تمام این دوران، کمتر وقتی اتفاق افتاد که مردم احساس کنند حالا باید بروند در این صندوق رأی یک رأیی بیندازند تا در مدیریت کشور تأثیری ببخشد. مطلقاً چنین چیزی نبود. ماها اسم انتخابات را تو روزنامه‌ها می‌شنفتم که می‌گویند: حالا انتخابات است. نمی‌فهمیدیم روز انتخابات کی هست؛ مردم نمی‌فهمیدند. در وقت انتخابات، چند تا صندوق می‌گذاشتند یکجا، خودهاشان هم گفتگو و هیاهوی مختصری می‌کردند و همان کاری که می‌خواستند، انجام می‌دادند و تمام می‌شد می‌رفت. مردم نقشی نداشتند.

انقلاب اسلامی ورق را بکلی برگرداند؛ مردم نقش پیدا کردند؛ نه فقط در انتخاب نماینده‌ی مجلس، در انتخاب رئیس‌جمهور، در انتخاب خبرگانی که رهبر را بناست انتخاب کنند، در انتخاب شوراهای شهر که شهردارها را باید انتخاب کنند. در همه‌ی این مراحل حساس، نظر مردم شد تعیین‌کننده. قانون اساسی بر این اساس تدوین شد.

(بیانات در دیدار جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۲/۹)

● انتخابات

کسانی که تاریخ انقلاب‌های دنیا را خوانده‌اند، می‌دانند که انقلاب‌ها در کشورهایی که انقلاب‌های بزرگ در آن‌ها به وجود آمد، چه فجایعی ایجاد کرد. همه‌ی آن انقلاب‌ها یا بیشترین و مهم‌ترین آن‌ها هم به دیکتاتوری‌های سیاه منتهی شدند. انقلاب فرانسه در دو قرن قبل، انقلاب روسیه‌ی شوروی در یک قرن قبل و انقلاب‌هایی که به شکل کودتا و امثال آن به وجود آمدند، حقوق مردم را پایمال کردند، دموکراسی‌ها را متوقف کرده و آرای مردم را به کلی نادیده گرفتند. انقلاب اسلامی توانست آزادی را به این ملت بدهد و در کمترین فاصله - که موجب حیرت دنیا شد - همین مردم را که قرن‌ها معنای رأی دادن و معنای دخالت کردن در امور کشور را نتوانسته بودند به طور ملموس بچشنند، پای صندوق‌های رأی بیاورد و آن‌ها را با همان شیوه‌ای که دنیای مدرن آن را معتبر می‌داند و نمی‌تواند کمترین خدشه‌ای در آن وارد کند، در امور کشور دخیل نماید. این همه انتخابات در این کشور اتفاق افتاده است، مردم بدون هیچ ضایعه‌ای شرکت و دخالت کرده‌اند. این هنر بزرگ نظام اسلامی بود. در کشورهای به اصطلاح دموکراتیک هم گاهی در انتخابات حوادث خونین و تلخ به وجود می‌آید. ملت ما با کمال متانت در انتخابات گوناگون شرکت کرد.

(بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۸۱)

● بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، مرهون انقلاب اسلامی است.

(بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۴)

● ایجاد سه موج اسلام خواهی در دنیا تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی که پیروز شد، اسلام در دنیا یک رونق تازه‌ای پیدا کرد. خیلی‌ها در دنیا به فکر افتادند که این چه بود؟ این کدام موتور پر قدرت بود که توانست یک چنین حادثه‌ی عظیمی را به وجود بیاورد که غرب را تکان داد؟ پیروزی انقلاب اسلامی و عظمت امام، غرب را تکان داد، نظام سلطه را تکان داد. خیلی‌ها به فکر افتادند بروند ببینند این چیست. به قرآن مراجعه کردند، حقایقی از اسلام دستشان آمد؛ لذا مشتاق اسلام شدند، گرایش به اسلام پیدا کردند. در آن برهه، یک فصل، یک حمله، یک موج به سمت اسلام به وجود آمد، که ادامه هم پیدا کرد. موج دوم، آن وقتی شد که نظام مارکسیستی شکست خورد. حتی در کشورهای اسلامی، جوانهای زیاد و مردمان با اخلاص زیادی بودند که امید خودشان را به نظام مارکسیستی بسته بودند؛ فکر میکردند با تشکیل دولت سوسیالیستی خواهند توانست فقر و بی‌عدالتی و چه و چه و چه را از کشورهاشان دور کنند؛ بعضی‌هاشان هم واقعاً مردمان صادقی بودند؛ بنده بعضی از اینها را دیده بودم؛ چه از مسلمانهاشان، چه از غیر مسلمانهاشان؛ مردمان صادقی بودند، اما به اسلام هیچ اعتقادی نداشتند؛ مارکسیست شده بودند برای خاطر اینکه خیال میکردند در

مارکسیسم امیدی برای مردم هست؛ بعد که مارکسیسم شکست خورد، اینها دیدند نه، فایده‌ای ندارد؛ لذا به سمت اسلام آمدند.

همه‌ی این گروه‌های جوانی که شما دیدید در مصر و تونس و لیبی و یمن و جاهای دیگر، شعار اسلام میدادند، اینها در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی - یعنی حدود چهل سال پیش، سی سال پیش - همه‌شان شعارهای چپ میدادند، شعارهای کمونیستی میدادند؛ اگر هم کسی از اسلام چیزی میگفت، لابه‌لایش حرفهای مارکسیستی بود. حتی در کشور خود ما هم مواردی از این قبیل بود؛ من نمیخواهم اسم بیاورم. بودند کسانی که از اسلام میگفتند، اما لابه‌لای حرف اسلامی، در واقع تفکرات مارکسیستی بود که داشت تبلیغ و ترویج میشد. خب، اینها یک جانی اثر خودش را میبخشند. بعد از آنکه مارکسیسم شکست خورد، همه‌ی این گروه‌ها که از مارکسیسم مأیوس شدند، به اسلام برگشتند؛ به اسلام نگاه کردند، به قرآن نگاه کردند، به احکام اسلامی نگاه کردند، به جمهوری اسلامی نگاه کردند؛ دیدند عجب، یک نظامی بر پایه‌ی اسلام سر پا آمده، همه‌ی شعارهای مدرن و مرفقی را سر دست گرفته، همه‌ی قدرتهای ظالم و ستمگر و مکنندگان خون ملتها با او دارند مبارزه میکند، این هم مثل کوه ایستاده و نمیلرزد. به شکفت آمدند؛ گفتند عجب، خب بیائیم ببینیم این چیست. همانهایی را که میخواستند و در مارکسیزم دنبالش میگشتند و نتوانسته بودند آنها را پیدا کنند، بعد هم که بکلی شکست خورد، میدیدند حالا در اسلام هست. این هم یک مقطع بود که گرایش به اسلام پیدا شد. یک مقطع هم حالا به وجود آمده است؛ مأیوس شدن از لیبرالیزم غربی، لیبرال دموکراسی غرب، اقتصاد کاپیتالیستی. می‌بینید چه خبر است؟

میخواهند این مسئله را در تبلیغات کوچک کنند. واقع قضیه که کوچک نمیشود. در مرکز مالی آمریکا، در پایتخت اقتصادی آمریکا، یعنی در نیویورک، آن هم در خیابان «وال استریت» که کانون اصلی سرمایه داری دنیاست، هزاران نفر جمعیت بشوند، بگویند ما سرمایه داری را نمیخواهیم. اینها نه مهاجرند، نه همه سیاه پوستند، نه از طبقات پائین جامعه اند؛ در میان شان استاد دانشگاه هست، سیاستمدار هست، گروه های دانشجویی به اینها پیوسته اند؛ میگویند ما نظام کاپیتالیستی را نمیخواهیم. خب، این همین حرف ماست؛ ما هم که از اول گفتیم «نه شرقی، نه غربی»، یعنی نه نظام کاپیتالیستی، نه نظام سوسیالیستی؛ آن سوسیالیستی اش بود که به جهنم رفت، این هم دارد یواش یواش سرازیر میشود. بعد از این حادثه، اقبال به اسلام بیشتر خواهد شد. این هم یک موج دیگر است؛ موج سوم است.

(بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲)

● مقایسه‌ی انقلاب های جهان؛ منحرف شدن انقلاب های بزرگ دنیا

شما ببینید با وجود این موانع [درونی و بیرونی در مقابل اهداف انقلاب اسلامی]، حالا ببینید ارزیابی کنید ببینید حرکت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به سمت آن هدفها چطور بوده من اگر بخواهم ارزیابی کنم، عملکرد را بسیار خوب میدانم. جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی عملکردش یک عملکرد با نمره ی بسیار خوب است. در مقابل این همه مشکلات مگر طاقت می آورند؟ در دوره ی ما حوادث جابه جایی قدرت در آفریقا و در آسیا و در خیلی جاها انجام گرفته بود؛ هیچکدام طاقت نیاوردند. در دوران قبل از ما هم انقلاب های بزرگ دنیا -

مثل انقلاب کبیر فرانسه، مثل انقلاب اکبر شوروی - در مقابل این حوادث گوناگون هیچکدام طاقت نیاوردند، یعنی از همان اول منحرف شدند.

خصلت مردمی بودن، خصلت اسلامی بودن، خصلت آرمانگرا بودن، اینی که جوان انقلابی امروز بعد از سی سال اینجا می ایستد، آرمانهای انقلاب را به عنوان آرزوها و مطالبات خودش در میان میگذارد و با صدای بلند مطرح میکند، این خیلی توفیق بزرگی است برای انقلاب. هرگز در انقلابهای دیگر اینطور نبود. شما نگاه کنید آثار ادبی قرن نوزدهم فرانسه را که در آخر قرن هیجدهم انقلاب کبیر فرانسه انجام گرفته. در اوائل قرن نوزدهم ناپلئون سر کار آمده، آن وقت شما آثار ادبی اواسط قرن یعنی مثلاً ۱۸۳۰، ۱۸۴۰ را که زیاد هم هست؛ هم شعر، هم رمان، نگاه کنید، خواهید دید که آنها بعد از سی سال از پیروزی انقلابشان در چه وضعی بودند؛ یک استبداد مطلق، یک فساد مطلق، یک تبعیض طبقاتی بسیار وحشت انگیز آن وقت وجود داشته؛ با اینکه آنجا هم شعار عدالت بود، شعار مساوات بود، شعار نفی استبداد بود. این توفیق انقلاب اسلامی یک توفیق بی نظیری است. بدتر از او انقلاب اکبر شوروی. در زمان ما هم که این اتفاقاتی که افتاد - اسمش البته انقلاب بود؛ اما غالباً کودتا بود یا اینکه گروه مسلحی آمدند سر کار؛ مثل کوبا و جاهای دیگر - غالب اینها همان حالتی را که عرض کردم، داشتند؛ یعنی طاقت نیاوردند و نتوانستند در مقابل این موانع بایستند.

(بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ۱۴/۲/۱۳۸۷)

● مخالفت با سلطه‌گری

انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولتها و قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریب‌گری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آن‌ها شدند سلطه‌گر، این ملتها و این کشورها - خواه و ناخواه - شدند سلطه‌پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ به طور سنتی، جمعی از ملتها باید زیر فرمان و یوغ استثمار و استکبار دولتها و ملتهای دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خط‌کشی باطل و این نظام غلط را در هم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه‌گری نخواهد کرد؛ نه ملت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملت خود را زیر سلطه‌ی ناخواسته‌ی خود نخواهند کشید. با سلطه‌گری مخالف است؛ اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است.

سلطه‌پذیری به معنای تسلیم شدن و تشویق کردن سلطه‌گران است. آن ملتی که می‌نشیند تا بیایند و منابع او را غارت کنند و بر سرنوشت او مسلط بشوند، دارد سلطه‌گران را تشویق می‌کند و به دست خود گور خود را می‌کند. از لحاظ اخلاقی، سلطه‌گری و استثمار یک کشور و تسلط ظالمانه‌ی بر یک کشور، تحقیر ملتها و سلب هویت آن‌هاست. ملتها وقتی زیر سلطه قرار گرفتند، فرهنگ خود و هویت خود و شخصیت خود را بتدریج از دست می‌دهند و آن

عزت ملی و غیرت عمومی و مردمی و ملی از آن‌ها گرفته می‌شود. از لحاظ سیاسی، سلطه‌گری یعنی سرنوشت یک ملت را در دست گرفتن. همچنانی که در دوران طاغوت، امریکائیه‌ها و رژیم امریکا بر کشور ما سلطه داشتند و ملت هم هیچ‌کاره بود؛ یک مستبدی را بر سر کار گذاشته بودند و با فرمان او و پشت سر او این ملت را تحت سلطه قرار داده بودند و در امور داخلی این ملت دخالت می‌کردند: نصب می‌کردند، عزل می‌کردند، خط مشی برای دولت تنظیم و تعیین می‌کردند، نخست‌وزیر می‌آوردند، نخست‌وزیر می‌بردند، حتی در تعیین وزراء و در تعیین فرماندهان ارتش دخالت می‌کردند. از لحاظ اقتصادی هم سلطه‌گری یعنی غارت منابع یک کشور یا معطل گذاشتن منابع یک کشور. این نتایج سلطه‌گری است. انقلاب اسلامی آمد و خط بطلانی بر همه‌ی این‌ها کشید.

(بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۸۷)

● کانون الهام‌بخش دنیای اسلام

جنگی که در سال ۱۳۵۹ علیه جمهوری اسلامی شروع شد، اگرچه از طرف صدام بدبخت و روسیاه بود، اما پشت سر این قضیه یک پروژه‌ی بین‌المللی استکباری بود برای زمین زدن نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی. تحلیل‌گران غربی تحلیل کردند و فهمیدند و درست هم فهمیدند که این انقلاب فقط این نیست که یک رژیم دست‌نشانده را در ایران از بین برده است و این کشور عظیم و پربرکت را از سیطره‌ی استکبار خارج کرده؛ بلکه این حرکت الهام‌بخش خواهد شد، دنیای اسلام را تکان خواهد داد، ملتها را به فکر خواهد انداخت. همین هم شد:

فلسطین به فکر افتاد، کشورهای شمال آفریقا به فکر افتادند، در تمام دنیای اسلام حرکت و جنب و جوش هویت یابی اسلامی شروع شد که تا امروز هم همچنان رو به توسعه و گسترش است. چون فهمیدند که اینجا کانون الهام بخش دنیای اسلام خواهد شد، گفتند جمهوری اسلامی را باید ما به هر کیفیتی هست، از بین ببریم. لذا با اینکه منطقه، منطقه‌ی خطیری است، منطقه‌ی نفت است و غربی‌ها خیلی به مسأله‌ی نفت و خلیج فارس اهمیت می‌دهند و امنیت اینجا برایشان حیاتی است، لیکن درعین حال وارد میدان شدند، صدام را تقویت کردند، بلکه او را تشجیع کردند که این جنگ را شروع کند؛ او هم چون آدم نادان کله شق قدرت طلب خامی بود، خیال می‌کرد که حالا می‌آید دو سه روزه یا چند هفته‌ای مسئله را تمام می‌کند و با قدرت برمی‌گردد سر جای خود. لذا وارد این جنگ شدند و هشت سال تمام ایران اسلامی فشارهای همه‌جانبه‌ای را که از سوی همه‌ی قدرتهای بزرگ دنیا بر ایران از کانال جنگ وارد شد، تحمل کرد؛ این خیلی مهم است. شوروی سابق از این کانال به ایران فشار آورد، امریکا فشار آورد، پیمان ناتو - اروپائی‌ها - فشار آوردند، مرتجعین منطقه با انواع و اقسام طرق از این کانال علیه جمهوری اسلامی فشار آوردند. یکی از این فشارها هر انقلابی را، هر دولتی را به زانو درمی‌آورد و از پا می‌انداخت؛ اما مجموع این فشارها نه فقط جمهوری اسلامی را از پا درنیاورد، بلکه ملت ایران را قوی‌تر و آگاه‌تر، و عزم و اراده‌ی آن‌ها را راسخ‌تر کرد و جمهوری اسلامی را روز به روز به سمت قوت اسلامی و الهی پیشتر برد. ایستادگی در میدان دفاع، چنین اثری را به وجود آورد.

ضربات فراوانی هم به جبهه‌ی مقابل زده شد. یعنی صدام و رژیم بعثی ضربه‌ی اصلی را اینجا خوردند. امریکا به فکر افتاد که می‌تواند دست و پای آن‌ها را جمع کند. یعنی دیدند رژیمی است تو خالی که متکی به مردمش نیست؛ این را فهمیدند. در واقع ضربه‌ی اصلی را ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به این متجاوز زد، که آخرش به این جاها منتهی شد که ملاحظه می‌کنید. اما جمهوری اسلامی روز به روز قوی‌تر شد.

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۶/۶/۲۳)

● امیدآفرینی در دنیای اسلام

دشمنیها [بر علیه انقلاب به خاطر] چیست؟ عده‌ای خیال می‌کنند مسئولان انقلاب یا امام رضوان الله علیه دشمن‌تراشی کرده‌اند؛ نه، قضیه این نیست. اگر شما خانه‌ای داشته باشید که گردن کلفت و ظالمی سالها آن را غصب کرده باشد، بعد شما با اسناد و مدارک به مراکز قانونی مراجعه کنید و ایستادگی کنید تا خانه را پس بگیرید، طبیعی است که آن غاصب با شما دشمن خواهد شد. نمی‌شود شما را ملامت کرد که دشمن‌تراشی کرده‌اید؛ شما خواسته‌اید حق خود را بگیرید؛ این دشمن‌تراشی نیست. سفره‌ای در مقابل بیگانگان پهن بود و بر سر این خوان یغما هر کاری می‌خواستند، می‌کردند. انقلاب این سفره را جمع کرده؛ معلوم است دشمن می‌شوند و کینه بر دل می‌گیرند و غیظ پیدا می‌کنند. این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سر می‌برد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم

فَرَج گشوده شد و ملتها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال می کردند فلسطین را خورده اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه ی وجود و با همه ی توان وسط میدان آمده است و بالینکه فشار زیادی هم روی او وارد می کنند، بازایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست امریکاست؛ این شکست همه ی قدرتهای صهیونیستی است که بر دنیا مسلطند. یک ملت بی سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه ی این ها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح امیدواری بود که ملت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری می خواستند، با لبنان می کردند: حمله می کردند، می کشتند، تجاوز می کردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می آمدند و می رفتند؛ مثل اینکه آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروههای لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دوساعته از مرحوم دکتر «چمران» آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش می کردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبتهای مردم لبنان را در آنجا شرح می داد. الآن کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه ای می زنند که از اوّل حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه ای به آن ها نزده است. دو سال قبل، آن ها را وادار به عقب نشینی کردند؛ چند هفته ی پیش هم علی رغم صهیونیستها چند صد زندانی خود را آزاد کردند و قدرت مندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی آید؛ این امید را شما دادید. امروز این امیدآفرینی در همه ی دنیای اسلام و عرب به چشم می خورد، که مجال نیست جزئیات نمونه ها را به شما عرض کنم. انقلاب ایران دنیای اسلام را امیدوار و زنده کرد. معلوم است وقتی انقلاب با این خصوصیات وارد میدان می شود،

کسانی که از رکود و ضعف دنیای اسلام بهره‌مند بودند، با آن دشمن می‌شوند؛ یک موجود زنده هم که ما باشیم، از خود دفاع می‌کنیم. یک ملت وقتی زنده است و با او دشمنی کرده‌اند، طبیعی است که عکس‌العمل نشان می‌دهد. نمی‌شود ما دست بسته بنشینیم، با ما دشمنی کنند - دشمنی سیاسی، دشمنی اقتصادی - ما هم بگوییم چون نمی‌خواهیم دشمن‌تراشی کنیم، ساکت بمانیم و از خود دفاع نکنیم! اینکه منطق عقلایی نیست. مسأله‌ی دشمنیها این است.

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۱۱/۲۴)

● الگوگیری از تجربه انقلاب اسلامی

جوان این مملکت در دهه‌های پنجاه و شصت معجزه آفرید؛ جوان این مملکت کاری کرد که تا آن روز هیچ ملتی نتوانسته بود چنین کاری بکند؛ جوان این مملکت با تن و جسم خود به خیابانهای این کشور آمد - در همین شهر رشت شما، در شهرهای دیگر استان، در شهرهای دیگر کشور - و چنان این حضور را با همین جسم خود برجسته کرد که آن نظام تا دندان مسلح متکی به پشتیبانی همه‌ی سیاستهای استعماری دنیا، دید دیگر جای نفس کشیدن ندارد؛ لذا مجبور شد فرار کند و برود. این تجربه، بعد از ما تکرار شد؛ قبل از ما هیچ جای دیگر نبود. انقلابهایی که در جاهای دیگر رخ می‌داد، نتیجه‌ی کارهای چریکی و پارتیزانی و پرتاب ترقه و شلیک گلوله بود؛ اما این تجربه، تجربه‌ی ملت ایران بود که به وسیله‌ی جوانان ایجاد شد. نلسون ماندلا قبل از آنکه در آفریقای جنوبی به پیروزی برسد - زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود، به ایران آمد و با من ملاقات کرد. راجع به اوضاع آفریقای جنوبی از او سؤال کردم،

چیزهایی گفت. من به او گفتم، ما تجربه‌ای داریم که گمان می‌کنم در کشور شما هم قابل عمل باشد؛ و آن تجربه عبارت است از اینکه انسانهای داوطلب - که اکثریت جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دادند - زن و مرد، با جسم خودشان به خیابانها آمدند، نه با مشتشان، نه با سلاحشان، نه با نارنجکشان، نه با خانه‌ی تیمی‌شان، بلکه با تنِ خودشان آمدند؛ روی خود را هم نبستند، با صورتِ باز آمدند؛ لذا نظام را منفعّل کردند و او هم دید نمی‌تواند بایستد. واقعاً بر چه کسی می‌خواست حکومت کند؟ گفتم به نظر من این الگو در آفریقای جنوبی قابل عمل است. او سری تکان داد. بعد از رفتن او، یکی دو ماه طول نکشید که خبرهای تظاهرات عظیم مردمی در آفریقای جنوبی را در روزنامه‌ها خواندیم! من فهمیدم که این بذر، سبز شد؛ عین همان وضعیت ایران. تمام خیابانهای شهرهای بزرگ آفریقای جنوبی از سیاهان پُر شد و یک عده از سفیدپوستها هم آمدند و همراه با آنها راه‌پیمایی کردند و گفتند ما هم با حکومت تبعیض نژادی مخالفیم! نتیجه نیز همان شد؛ یعنی کسی که در رأس بود، دید اصلاً نمی‌تواند کاری بکند. اوّل رفت و کس دیگری را جای خودش گذاشت؛ او هم دید نمی‌تواند؛ لذا در یک انتقال قدرت آرام، حکومت را به دست سیاه‌پوستان دادند و خود «ماندلا» هم رئیس‌جمهور شد! این حادثه‌ی تقلیدشدنی و این الگوی ملتها برای آزادی‌خواهی، به وسیله‌ی جوان ایرانی در دهه‌های پنجاه و شصت اتفاق افتاد. معجزه‌ی انقلاب اسلامی در دهه‌ی پنجاه، و معجزه‌ی جنگ هشت ساله در دهه‌ی شصت اتفاق افتاد.

(بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲)

● دخالت های آمریکا در ایران

از بزرگترین کارهای انقلاب اسلامی این بود که دست آمریکا را کوتاه کرد.

(بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۴/۷/۱۳۷۹)

● دخالت های آمریکا در ایران

انقلاب اسلامی جزو افتخاراتش این بود که نفوذ آمریکا، دست آمریکا و ریشه های آمریکا و بند

و بست های آمریکایی را در این کشور از بین برد.

(بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۴/۷/۱۳۷۹)

● کوتاهی دست آمریکا در ایران

اگر انقلاب اسلامی پیش نیامده بود، اگر این ملت پشت سر امام بزرگوار، این حرکت عظیم

تاریخی را به وجود نیاورده بود، می دانید امروز ملت ایران چگونه بود؟ ملتی که هیچیک از

پیشرفتهای علمی غرب را فرا نگرفته بود. نه اختراعی، نه اکتشافی، نه سازندگی ای. منابعش را

از دست داده بود؛ نفتش را از آب رودخانه ها هم ارزانتر به همان دشمنها فروخته و در اختیار آنها

گذاشته بود. نفت مال آنها، پالایش از آنها، قراردادهای طولانی مدت برای آنها! دشمنان این

کشور، برای بقیه ی معادن و منابع کشور هم برنامه ریزی کرده بودند. می خواستند مغزهای این

ملت را ببرند و دستگاه علمی کشور را در سطح پایین نگه دارند.

در روزهای نفوذ آمریکا و انگلیس در ایران، ملت ایران روزهای سختی را گذراند. صد سال،

اول انگلیسیها و بعد آمریکاییها با نفوذ خود این کشور را عقب انداختند. ما امروز هر مرحله ای

را که وارد می‌شویم، نشانه‌های کوتاهیهای آنها، خیانت‌های آنها و بدعملی آنها را به چشمان مشاهده می‌کنیم.

انقلاب اسلامی از بزرگترین کارهایی که کرد این بود که دست امریکا را کوتاه کرد. انقلاب اسلامی جزو افتخاراتش این بود که نفوذ امریکا، دست امریکا و ریشه‌های امریکا و بند و بست‌های امریکایی را در این کشور از بین برد. البته عده‌ای که در اوّل کار بر مسند حکومت در این کشور نشسته بودند و دل در گرو امریکا و امریکایی داشتند، می‌خواستند نگذارند. من در شورای عالی دفاع سال ۵۸ از نزدیک خودم شاهد بودم. داشتند مصوبه‌ای می‌گزارند که بر اساس آن مصوبه، هیأت‌های مستشاری نظامی امریکایی - همانهایی که آن همه جنایت و خیانت کرده بودند - با نام دیگری در ارتش جمهوری اسلامی باقی بمانند! بنده مانع شدم، گفتم این چه کاری است که شما می‌کنید؟! قدری بحث شد، مطلب را متوقف گذاشتند. بعد هم خدای متعال به آنها توفیق نداد این کار را بکنند و رفتند. یک بار دیگر هنوز یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که همان آقایان، در الجزایر طرح گفتگوی با امریکاییها - دشمنان خونی این ملت - را ریختند؛ ولی امام شتند و نگذاشتند.

انسان وقتی از این گونه افراد، نام «اصلاح» و «آزادی» را می‌شنود، حق دارد بدبین شود. کسانی که پس از یک چنین انقلاب باشکوهی - که لبه‌ی تیز این انقلاب هم علیه سلطه‌ی امریکا بود - می‌خواستند با تدابیر گوناگون، امریکاییها را که از در رفته بودند، از پنجره برگردانند، اکنون دم از «آزادی» و «اصلاح» بزنند و کسانی از تفاله‌ها و از مزدوران رژیم گذشته به آنها کمک کنند! هر آدم هوشمندی حق دارد نگران شود و سوءظن پیدا بکند. استقلال،

بیت الغزل انقلاب اسلامی بود؛ یعنی نفوذ بیگانه در این کشور ممنوع؛ یعنی امریکا و انگلیس و دیگران حق ندارند در مسائل سیاسی و فرهنگی کشور هیچ گونه اعمال نفوذی بکنند.
(بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۴/۷/۱۳۷۹)

● برهم زدن سیطره آمریکا بر ایران

علّت این که امریکاییها با این انقلاب و با این ملت بدند، معلوم است. روزگاری این کشور از صدر تا ذیل، در مشت امریکا بود و او منافعش را از این کشور تأمین می کرد. در این کشور، پادشاهی بود که خود را در مقابل امریکا متعهد می دانست. به تعبیر رایج، نوکر حلقه به گوش امریکا بود. به تعبیر سیاسی، طرفدار و متعهد نسبت به مصالح امریکا در این کشور بود. این کشور در رأسش، چنان کسی بوده است که مصالح امریکا برای او، از مصالح خود ملت و کشور ایران، اهمیت بیشتری داشته است. برای مجموعه ی دستگاه حکومتی در آن روزگار که اعم از دوروبریها و دولت و وزرا و رجال حکومت باشند، به اضافه ی شخص شاه، مطامع و سود کلان خودشان، از مصالح ملی به مراتب اهمیت بیشتری داشت. طبعاً این طور آدمها، با دشمن زود کنار می آیند. آدمی که به فکر استفاده ی مادی خود و پرکردن جیب خود است، با دشمن کنار می آید و به راحتی خیانت انجام می دهد. در رأس حکومت، اینها بودند.

اسلحه ی امریکایی به هر قیمتی که آنها می خواستند، در این کشور فروش می رفته است. کارهای مهمّی که در این کشور انجام می شده است، یا به وسیله ی سرمایه داران امریکایی، یا بالاخره مجموعه ی سرمایه دارانی که حول و حوش همین محور استکباری حضور داشته اند، انجام می گرفته است. البته گاهی هم برای این که دهان رقبای سیاسی خودشان را ببندند، پای

روسها و شورویها و امثال آنها را هم در بعضی از امور باز می کردند و اجازه می دادند که حضور داشته باشند. اما زمام کار در این کشور، در دست رژیم ایالات متّحدهی امریکا بود. این که چقدر در این چند ساله، از کشور خوردند و بردند و از پول این کشور برای سرکوب ملت های این منطقه استفاده کردند؛ از هیأت حاکمه ی این کشور، برای به دام کشیدن هیأت های حاکمه ی کشورهای همسایه استفاده نمودند، حکایت دیگری است. یعنی واقعاً کشور ایران در دوره ی دوم حکومت پهلوی - یعنی بعد از ۲۸ مرداد به این طرف - در واقع متعلّق به دولت امریکا بوده است.

ناگهان انقلابی آمد و مردم را بیدار کرد. مردم، این انقلاب را به پیروزی رساندند. حکومتی را خود این مردم به وجود آوردند که حرف اوّلش این است که می گوید، من مصالح این ملت را محترم می شمارم؛ نه مصالح کشورها و دولتهای دیگران را؛ هر کس می خواهد باشد. در باب سیاست خارجی و ارتباط با دنیا، حرف اساسی نظام جمهوری اسلامی، این است دیگر. از این موضع، عصبانی اند.

(بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸)

● دشمن شناسی

عزیزان من! یکی از ابعاد انقلاب اسلامی، مشتی بود که به دهان وطن فروشان و وابستگان و دستگاههای مزدور اجانب و دشمنان خارجی زده شد.

(بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸)

قطع امتیازات بیگانگان در ایران ؛ اوّلین کار انقلاب اسلامی از سال ۱۳۳۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، انگلیس و امریکا بر سر چاههای نفت، و در واقع گنج نفت ایران نشستند و تا آنجا که توانستند، برداشتند و بردند. ملت ایران چگونه دلش با اینها صاف شود؟! رژیم پهلوی، سر سپردهی انگلیس و امریکا بود و محمّدرضا، واقعاً مثل یک مأمور امریکا در ایران عمل می کرد. یک عامل امریکا در رأس یک رژیم وابسته، وظیفه ای نداشت جز این که وقتی بگویند فلان نخست وزیر را بگذار و فلان نخست وزیر را بردار، اطاعت کند. آنها هر کاری می خواستند، می کردند. اگر هم یک وقت خود او می خواست نخست وزیری را برکنار کند و امریکاییها راضی نبودند، به امریکا می رفت و این و آن را می دید، تا اجازه دهند فلان نخست وزیر را بردارد یا بگذارد! وضعیت این گونه بود. سفرای امریکا و انگلیس در تهران، تعیین کننده ی خطوط اساسی این مملکت بودند.

اینها کسانی بودند که روزگاری، شاه ایران - آن روسیاه نگویند بختی که به اسم «شاه» در ایران بود - از سفر ایشان؛ یعنی سفیر انگلیس و سفیر امریکا در تهران، حرف شنوی داشت و هر چه آنها در مسائل اساسی این کشور می گفتند، انجام می داد. اما امروز با نظام و دولتی در ایران مواجهند که از صد عامل در مسائل اساسی کشورش، یک مورد هم منطبق با خواست امریکا نیست. با نظامی مواجهند که در بدو استقرار، اوّلین کارش قطع کردن امتیازات اینها بود. در واقع انقلاب اسلامی، اوّل کاری که کرد این بود که به قطع امتیازات انگلیس و امریکا در ایران پرداخت.

(بیانات در خطبه های نماز جمعه ۱۴/۱۱/۱۳۷۳)

● رشد درک سیاسی

بحمد الله امروز ملت ایران از بینش و درک سیاسی بالایی برخوردار است. این را به معنای واقعی کلمه می‌گوییم، نه برای خوشایند شما. امروز زنها و مردهای ما در روستاها و شهرهای دورافتاده هم، مفاهیم سیاسی را درک می‌کنند. یک روز در همین کشور، مفاهیم سیاسی مخصوص روشن‌فکران بود؛ اما امروز شما از هر زن و مرد ما در باره‌ی مسأله‌ی فلسطین سؤال کنید، می‌بینید مسئله را می‌شناسد؛ یعنی می‌داند که فلسطین یک کشور اسلامی بوده است که صهیونیستهای غاصب، به کمک قدرتهای جهانی، سالهای متمادی است آنجا را گرفته‌اند و مردم فلسطین مسلمانان مشغول مبارزه‌اند تا آنجا را بازپس بگیرند. امروز در داخل جامعه‌ی ما، چه کسی این قضایا را نمی‌داند؟ این‌ها جزو حرفهای معمولی و عادی است. قبل از انقلاب اسلامی، کسانی که این مسئله را در جامعه‌ی ما می‌دانستند، اقلیت بسیار محدودی از روشن‌فکران و کتابخوانان آن‌هم نه همه‌شان بودند! امروز ملت ایران، اعم از مرد و زن و پیر و جوان، در هر جای کشور که زندگی کنند، می‌دانند ابرقدرتی خودکامه در عالم وجود دارد که با سلاح، سیاست، تبلیغات و زور، به ملتهای دیگر ظلم می‌کند. جایی با زور وارد می‌شود، جایی با سیاست وارد می‌شود مثل نیکاراگوئه جایی با ایجاد کودتای نظامی وارد می‌شود، جایی خانه‌ی رؤسای کشور را بمباران می‌کند، جایی با تبلیغات وارد می‌شود و جایی با پول وارد می‌شود. این را همه می‌دانند. مسأله‌ی استکبار و ترجیح قدرت یک ابرقدرت مستکبر بر منافع ملتها را، چه کسی در کشور ما نمی‌داند؟ همه می‌دانند، شعارش را می‌دهند و حرفش را می‌زنند. بسیجی‌های روستایی ما که به جبهه می‌رفتند، در وصیت‌نامه‌هایشان این را

می نوشتند. این ها جزو بینات جامعه‌ی ماست. شما خیال می کنید قبل از انقلاب در این کشور، چند در صد مردم مسأله‌ی استکبار و استثمار و غلبه‌ی منافع ابرقدرت ها بر منافع ملتها را درک می کردند؟ فقط تعدادی از روشن فکران. هم اکنون در کشورهای اروپایی و در خود امریکا هم، کسانی که این مسائل را درک می کنند، به نسبت، از مردم ما کمترند. آن ها نمی دانند در دنیا چه خبر است، ولی شما می دانید. این، رشد و درک سیاسی است.

(بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۱/۱/۱۵)



دستوردهای دفاعی

● دفاع مقدس، خودباوری

در انقلاب، در دفاع مقدس، در آزمونهای گوناگون این سی سال، ملت ما خوب امتحان دادند. به همان مقداری هم که کار کردیم، به همان مقداری هم که حرکت کردیم، خدای متعال دستاورد داد. البته دستاوردها خیلی بزرگ است: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها». ده برابر تلاش ما، خدای متعال به ما داد. ما کجا بودیم در دوران طاغوت در بین امت اسلام و در بین ملل عالم؟ منزوی، گمنام، فراموش شده، در درون خود بدون حساسیتهای لازم، بدون آن شجاعتها، بدون آن همت‌هایی که یک ملت را به جهش وادار میکند؛ اینجوری بودیم. امروز جوان ما، دانشمند ما، عالم ما، صنعتگر ما، کشاورز ما، آحاد مردم ما، آرزوهای بزرگ دارند، در راه آن آرزوها حرکت می‌کنند و نتیجه‌اش را هم دارید می‌بینید. بزرگترین قدرتهای دنیا، شعار خودشان را قرار داده‌اند مقابله‌ی با جمهوری اسلامی! خیال میکنند ملت ایران را با این کار دارند ارباب میکنند، تهدید میکنند؛ نمیدانند که ملت ایران احساس هویت میکند که می‌بیند مادی‌ترین و خبیث‌ترین قدرتهای مادی عالم، مانع خودش را ملت ایران می‌بیند برای رسیدن به اهداف شومی که دارد؛ این چیز کمی نیست. می‌گویند می‌خواهیم ما در خاورمیانه چنین کنیم، چنان کنیم و ده برابر این از اهداف شومشان را هم نمی‌گویند؛ ملت ایران مانع است؛ ملت جمهوری اسلامی مانع است. این نشان‌دهنده‌ی عظمت این ملت است، عظمت این نظام است؛ عظمت این دولت است که توانسته مانع بشود از اینکه مستکبران عالم بتوانند - حداقل

در یک حوزه‌ی مشخصی از جغرافیای عالم - به اهداف خودشان برسند. این را ملت ایران با حرکت در عرصه‌ی احکام دین به دست آورد.
(بیانات در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹)

● دفاع مقدس، بروز استعدادها

مسئله‌ی دفاع مقدس علاوه بر اینکه یک آزمون بزرگی بود برای ملت ایران، آزمونی هم بود برای بروز استعدادها، هم استعداد اشخاص، هم استعداد مناطق کشور؛ حالا در مورد استعداد اشخاص به نظر من این نکته‌ی مهم و قابل توجهی است که به آن توجه نمی‌شود؛ یعنی از بس واضح است مورد غفلت قرار می‌گیرد، از کثرت وضوح مخفی می‌ماند؛ و آن این است که این دفاع مقدس وسیله‌ای شد برای اینکه استعدادهای مکنون در انسانها، به شکل عجیبی بروز کند. مثلاً در سپاه، شما ملاحظه می‌کنید یک جوانی وارد میدان جنگ می‌شود و در حالی که از مسائل نظامی هیچ اطلاعی ندارد و وارد نیست، در ظرف یک سال، یک سال و نیم، دو سال تبدیل می‌شود به یک استراتژیست نظامی؛ این خیلی مهم است.
(بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری بزرگداشت سرداران و ده هزار شهید استان مازندران ۱۳۹۲/۹/۲۵)

● بسیج

بسیج، یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت‌آور و مخصوص این انقلاب است
(بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۶/۹/۵)

● بسیج، اعتماد به نفس ملی

تشکیل بسیج مستضعفان به فرمان امام بزرگوار که به قصد حفظ دستاوردهای عزیز و ارجمند انقلاب اسلامی صورت گرفت یکی از ویژگیهای انقلاب ماست. انقلابی که تنها با اتکاء به تعالیم رهائی بخش اسلام و بدون تکیه بر هیچ قدرت خارجی شروع شد و به پیروزی رسید و برای ادامه‌ی این پیروزی نیز تنها به قدرت ملتی متکی است که با توکل به خدا و اعتماد به نفس و ابراز لیاقت در جهت تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای آن گام بر می‌دارد. ۰۵/۰۹/۱۳۶۰

پیام به مناسبت دومین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان

● شهیدان، مدافعان امنیت و استقلال

امروز کشور و ملت و انقلاب به این عزیزان و بازماندگان آنان، دینی بزرگ دارد. عزت امروز ایران، و همه‌ی پیشرفتهای کشور، و امنیت و استقلال، و هر دستاورد بزرگ دیگر هدیه‌ی گرانبهایی است که شهیدان و پدران و مادران و همسران صبور آنان، به ملت ایران ارزانی داشتند.

(پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران ۱۳۷۶/۱۱/۱۵)

● نجات از سلطه مستکبرین

ارزش این انقلاب از این جهت است که ایران را از سلطه‌ی قدرتهای مستکبر جهانی نجات داد.

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۲/۱۱/۱۵)

● دفاع از منافع جمهوری اسلامی

ما در هر جا حرکتی کرده باشیم که به نقطه‌ای برسد که به منافع جمهوری اسلامی خدشه و تردید وارد شود، همان‌جا آن حرکت را بدون هیچ تردیدی قطع می‌کنیم. بنابراین ما راههای مسالمت‌آمیز و همراه با عزت جمهوری اسلامی را برای حفظ کشور و این دستاورد طی می‌کنیم، که خط قرمزش این است که بخواهند در امور داخلی ما دخالت کنند. اگر بخواهند بگویند "ما می‌خواهیم اطمینان پیدا کنیم ما حرفی نداریم" و همین کاری که تا الان اتفاق افتاده است، بعد از این هم همین کار در حدی انجام خواهد گرفت.

(بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۱۱)



افق آینده دستوردها

● حفظ دستاوردهای بزرگ

آنها، دایما می خواهند از اسلام عیبجویی کنند و ایراد بگیرند. ملت ما به هر کیفیتی که زندگی بکند و به هر پیشرفتی که نایل بشود، در همه ی جریانهای زندگی، دشمن از بدگویی نسبت به انقلاب و کشور و نظام اسلامی، باز نخواهد نشست. کاری که دشمن می تواند بکند، تبلیغ علیه اسلام و انقلاب است. علی رغم این عمل دشمن، شما دستاورد بزرگ انقلابتان را قدر بدانید و اسلام و نظام اسلامی و انقلابی و راهی را که امام در مقابل ملت ما ترسیم کردند، حفظ کنید. امام، راه آزاد زیستن، کامل شدن، ساختن زندگی به شکلی که مورد رضای خدا و دستور اسلام است، سازندگی حقیقی زندگی و عدم سازش با قدرتهای ضداسلامی را به ما نشان داد. اینها، برای ما درسهای بیست و دوم بهمن است.

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۱/۴)

● عدم تحقیر دستاوردها

من متأسفانه کسان بسیاری را دیده ام که در صحنه ی سیاسی و عرصه ی فرهنگی ادعا دارند که برای ملت کار می کنند؛ اما از این سرمایه ها محافظت نمی کنند. شما دیدید که در بعضی از روزنامه های ما علیه مجاهدت، ایثار، فداکاری، شجاعت و ایمان قلم فرسایی کردند. این ها به نفع کیست؟ به نفع دشمن است؛ به نفع ملت ایران نیست. ملت را از ایمانش تهی دست

بکنند؛ مثل این است که زره را در میدان جنگ از تن او بیرون آورده باشند. اگر مردم یک کشور را از غرور ملی و احساس مناعت و ایستادگی و استقامت تهی دست کنند، آن‌ها را در مقابل دشمن خلع سلاح کرده‌اند؛ این‌ها سلاح معنوی دشمن است. نباید کسانی جهاد و شهادت را تحقیر و باورهای دینی مردم را انکار کنند و مورد تشکیک قرار دهند. نباید دستاوردهای انقلاب را کوچک بشمرند و تحقیر کنند.

(بیانات در دیدار مردم استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵)

● تمدن ایرانی

هر جوانی دوست می‌دارد کشوری که در آن زندگی می‌کند و خاکی که از آن روییده، عزیز، سریلند، مقتدر و برخوردار از همه‌ی زیباییها و نیکیها باشد؛ دلش می‌خواهد جامعه‌ی متمدنی داشته باشد؛ دلش می‌خواهد از پیشرفتهای علمی و عملی برخوردار باشد. این آرزوی هر جوانی است. برای این، دوره در پیش است: یک راه واقعی، یک راه کاذب و بدلی. راه واقعی را باید پیدا کرد، زحمات آن را پذیرفت و هزینه‌اش را هم باید پرداخت. راه واقعی چیست؟ این است که جوان ایرانی تصمیم بگیرد در زمین خود، بذرخود را بپاشد؛ از اندوخته و ثروت فرهنگی خود استفاده کند؛ اراده‌ی خودش را به کار گیرد؛ برای شخصیت و استقلال خود ارزش قائل شود؛ جامه‌ی عاریت نخواهد و دنبال تقلید و عاریه‌گیری الگوهای بیگانه نباشد.

تمدن واقعی برای مردم ما تمدن ایرانی است؛ تمدنی است که متعلق به خود ماست؛ از استعدادهای ما جوشیده و با شرایط زندگی ما در هم آمیخته و چفت شده است. راه حلّ حقیقی، راه حلّ بومی است. باید بذر سالم خودمان را بباشیم و مراقبت کنیم تا سبز شود؛ دنبال تقلید از این و آن نباشیم؛ دنبال سخن گفتن با زبان و لغت بیگانه و عاریه گرفتن از تجربه‌های دست چن‌دم آن‌ها نباشیم. نه اینکه از فرآورده‌های علمی دیگران بهره نبریم؛ چرا، صد در صد معتقدم که باید از همه‌ی تجربه‌های علمی بشری بهره برد. پنجره‌ها را نمی‌بندیم؛ هر کس که در دنیا کار خوبی کرده، آن را انتخاب می‌کنیم...

یک روز عده‌ای غرب زده چش‌م‌های خود را بستند و گفتند ما باید همه چیز را از غرب بگیریم. آن‌ها چه چیزی را از غرب گرفتند؟ یکی از خصوصیات خوبی که اروپایی‌ها دارند، خطرپذیری است. منشأ عمده‌ی موفقیت‌های آن‌ها این بوده است. آیا غرب زده‌های ما این را گرفتند و به ایران آوردند؟ آیا ایرانی‌ها ریسک‌پذیر شدند؟ خصوصیت خوب دیگر آن‌ها عبارت از پشتکار و از کار نگریختن است. آیا آن را به ایران آوردند؟ بزرگترین و ماهرترین مکتشفان و دانشمندان غربی کسانی‌اند که سال‌های متمادی با زندگی‌های سخت در اتاق خود نشستند و چیزی را کشف کردند. انسان وقتی زندگی آن‌ها را می‌خواند، می‌بیند چگونه زندگی کردند. آیا این روحیه‌ی تلاش خستگی‌ناپذیر فقط برای علم را به ایران آوردند؟ این‌ها بخش‌های خوب فرهنگ غربی بود. این‌ها را که نیاوردند؛ پس چه چیزی را آوردند؟ اختلاط زن و مرد و آزادی عیّاشی و پشت میز نشینی و ارزش کردن لذّات و شهوات را آوردند!

رضا خان قلدر وقتی خواست از غرب برای ما سوغات بیاورد، اولین چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن هم با زور سر نیزه و همان قلدری قزاقی خودش! لباسها نباید بلند باشد؛ باید کوتاه باشد؛ کلاه باید این طوری باشد؛ بعد همان را هم عوض کردند: اصلاً باید کلاه شاپو باشد! اگر کسی جرأت می کرد غیر از کلاه پهلوی - کلاهی که آن موقع با این عنوان شناخته می شد - کلاه دیگری سرش بگذارد، یا غیر از لباس کوتاه چیزی بپوشد، باید کتک می خورد و طرد می شد. این چیزها را از غرب گرفتند! زن‌ها حق نداشتند حجابشان را حفظ کنند؛ نه فقط چادر - چادر که برداشته شده بود - اگر روسری هم سرشان می کردند و مقداری جلوی چانه‌شان را می گرفتند، کتک می خوردند! چرا؟ برای اینکه در غرب، زن‌ها سربرهنه می آیند! این‌ها را از غرب آوردند. چیزی را که برای این ملت لازم بود، نیاوردند. علم که نیامد، تجربه که نیامد، جدّ و جهد و کوشش که نیامد، خطرپذیری که نیامد - هر ملتی بالاخره خصوصیات خوبی دارد - این‌ها را که نیاوردند. آنچه را هم که آوردند، بی دریغ قبول کردند. فکر و اندیشه را آوردند، اما بدون تحلیل قبول کردند؛ گفتند چون غربی است، باید قبول کرد. فرم لباس و غذا و حرف زدن و راه رفتن، چون غربی است، بایستی پذیرفت؛ جای بروبرگرد ندارد! برای یک کشور، این حالت بزرگترین سم مهلک است؛ این درست نیست.

راه حل واقعی این است که یک ملت خودش باشد؛ با مغز خودش فکر کند؛ با چشم خودش ببیند؛ با اراده‌ی خودش انتخاب کند؛ آنچه را هم انتخاب می کند، چیزی باشد که برایش مفید است. ما باید با حفظ تمدنمان، با دست و بازوی خود کار کنیم و فقط ترجمه، کارِ منحصر ما نباشد. بعضی افراد، حتی فکر را هم ترجمه شده قبول می کنند؛ حاضر نیستند آن را با معیارها

بسنجند؛ می‌گویند چون فلان روان‌شناس یا فلان جامعه‌شناس یا فلان اقتصاددان این‌طور گفته و این فرمول را داده، دیگر بروبرگرد ندارد. اگر کسی برخلاف او حرف زد، مثل اینکه کفر گفته است! چهار صباح دیگر آن‌ها از حرف خودشان برمی‌گردند و حرف دیگری می‌زنند؛ باز این آقا همان حرف دوم آن‌ها را بدون تحلیل قبول می‌کند! برای یک کشور، این بدبختی است. راه حل واقعی این است که یک ملت با دست خود، کار کند؛ برای خود، کار کند؛ با فکر و مغز خود بیندیشد و اجتهاد کند و با ابتکار خود پیش برود؛ ضمن اینکه از همه‌ی تجارب هم استفاده کند.

راه حل کاذب چیست؟ راه حل کاذب این است که یک ملت به تغییر ظاهری دل خوش کند و از حرکت عمیق رو برگرداند. یک وقت می‌بینید آدمی هست که نه معلوماتی دارد، نه سواد دارد، نه اراده‌ای دارد، نه تجربه‌ای نشان داده، نه کاری از او برمی‌آید؛ لباس و آرایش و شکل خودش را شبیه فلان هنرپیشه یا فلان جوان غربی کرده است. این راه حل کاذب است. آیا شما با این کار، متمدن شدید و تحول پیدا کردید؟! در دوران رژیم گذشته، شاه دست‌نشانده و خائن می‌خواست این راه حل کاذب را با عنوان «دروازه‌ی تمدن بزرگ» برای این مردم به ارمغان بیاورد. البته سالها روی این زمینه کار شده بود؛ فلاکت اخلاقی در حد اعلی بود؛ ورشکستگی معنوی و روحی و علمی در این کشور، بی‌نظیر بود. با نام «دروازه‌ی تمدن بزرگ» و با نام مدرنیسم ایرانی می‌خواستند به بقیه‌ی موجودی معنویت کشور چوب حراج بزنند. شاه عیاش بی‌سواد مفلوک در مقابل بیگانه و مقهور پنجه‌ی امریکا و صهیونیسم، و ملتی که تحقیر شده و مورد اهانت قرار گرفته بود؛ این مدرنیسم ایرانی مال همانهاست. اینکه مدرن شدن و به تمدن

واقعی رسیدن نیست. مظهر آن راه کاذب این بود که در اینجا هر نقطه‌ای که می‌شد از آن پول ساخت، لانه‌ای برای عوامل و ایادی کمپانیهای خارجی بود. البته به وسیله‌ی شرکای داخلیشان این کار را می‌کردند که شرکای داخلی هم به همان دستگاه‌های دربار و رجال سیاسی وابسته‌ی خائن آن روز مربوط می‌شدند. این مدرنیزم به درد نمی‌خورد؛ این برای یک ملت، بدبختی و بیچارگی و فنا شدن همه چیز را به بار می‌آورد. اگر این انقلاب اتفاق نیفتاده بود، اگر آن فریاد رعد گونه همه چیز را در این مملکت به جنب و جوش نیاورده بود و دلها را از جا نکنده بود، خدا می‌داند که امروز کشور ما در چه وضعی بود. شما به بعضی از کشورهای عقب افتاده - چه در آسیا، چه در آفریقا - نگاه کنید؛ یقین بدانید با این موقعیت ممتاز جغرافیایی و اقلیمی و تاریخی ایران، وضع ما از آن‌ها بدتر بود. انقلاب به داد این کشور رسید و این ملت را از اینکه در قعر دریایی فرورود که دیگر نتواند از آن بیرون بیاید، نجات داد. بنابراین، چنان راه حلّی، راه حلّ کاذب است و جوان نباید دنبال آن باشد. جوانان عزیز من! فرزندان من! دنبال تقلید نباشید. بر روی شیوه و راهی که در آن ذهن و اراده و ایمان شما قوی می‌شود و اخلاق شما پاک و آراسته می‌گردد، فکر کنید. آن‌گاه شما عنصری خواهید بود که مثل یک ستون، سقف مدنیّت این کشور و تمدّن حقیقی این ملت بر روی آن قرار می‌گیرد.

(بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲)

● ایجاد تمدن نوین اسلامی

ما چه کار کنیم که از این دانشگاه با این سوابق، با این تاریخ، با این زمینه‌های تاریخی، با این میراث، با این تجربه‌ی خوب و آزمون خوبی که دانشگاه در دوران انقلاب داد و با مشکلاتی که در دانشگاه به وجود آمد -همه‌ی اینها را در کنار هم قرار بدهیم- بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ چون هدف این است دیگر؟ هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه‌ی مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ ما دنبال این هستیم دیگر، ما میخواهیم کشور خودمان -در درجه‌ی اول، حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمیکنیم- یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است؛ یعنی هرکسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه‌ی اسلامی لذت میبرد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله‌ی با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این جور؛ ما به این میگوییم تمدن نوین اسلامی، میخواهیم کشورمان به اینجا برسد. دانشگاه [در این زمینه] چه نقشی میتواند ایفا کند و چه کار باید بکند؟ اولاً نقش آفرینی دانشگاه لازم است، ثانیاً سؤال این است که: چه باید کرد؟ ما چه کار کنیم که بتوانیم به اینجا برسیم؟ البته این موضوع بحث امروز من نیست، چون بحث جلسه‌ای و سخنرانی‌ای نیست؛ اینها کارهای تحقیقاتی مفصلی لازم دارد؛ من فقط میخواهم

این را تذکر بدهم که دانشگاه ما روی این فکر کند، شما به عنوان مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان دستگاه آموزش عالی کشور روی این فکر کنید؛ مسئولیت دانشگاه را بر این اساس قرار بدهید، برنامه‌ها را بر این اساس بریزید که دانشگاه با این سوابقی که گفته شد، با این ریشه‌ی عمیق تاریخی که گفته شد، با این آزمون بزرگی که از خودش در انقلاب نشان داد، این دانشگاه چه نقشی میتواند ایفا کند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آن‌چنان جامعه‌ای و آن‌چنان ایرانی؟ روی این باید فکر کنید؛ یعنی همه‌ی کارها را بر این اساس باید قرار بدهید.

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● راه باز

قلمهای مزدور مودی دست‌نشانده‌ی صهیونیستها و امریکاییها و دیگر دشمنان اسلام در دنیا، قریب یازده سال است که می‌نویسند: تا کنون دستاورد این انقلاب در ایران چه بوده است؟! آنها کمبودها را بزرگ می‌کنند و به چشم و رخ مردم می‌کشند. آنها نمی‌دانند که وقتی حرکتی در کشوری انجام گرفت و ملت را وارد صحنه کرد و به ملت شخصیت داد و حکومت و دولت و مدیریت کشور را از درون خود ملت بالا آورد و عقاید و ایمان مردم را بر زندگی آنها حاکم قرارداد و این ملت زنده شد و احساس شخصیت کرد، دیگر در جلوی این ملت، راه باز است.

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۱/۴)

● علم نافع

....نیاز هست که اینها گفته بشود و تحقق پیدا کند. یکی مسئله‌ی علم نافع است. دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع است؛ نه فقط برای حال کشور، بلکه برای ده سال بعد و بیست سال بعد کشور. ممکن است ما در بیست سال بعد، یک نیازی داشته باشیم که از امروز باید تحقیقات آن نیاز شروع بشود. اگر امروز تحقیق نکردیم، اگر امروز خودمان را آماده نکردیم، آن وقتی که لازم داریم دستان خالی خواهد بود. باید این نیازسنجی انجام بگیرد و نیازهای امروز هم مورد ملاحظه قرار بگیرد. دانش جویی و دانش آموزی و فراگیری علم و تعلیم علم، بر مبنای نفع آن و نیاز آن باشد. الان به من گزارش میدهند که بسیاری از همین مقالاتی که گفته شد - که خب تعداد مقالات زیاد است - به درد کشور نمیخورد؛ یعنی کار تحقیقی‌ای مقاله‌نویس انجام داده اما مفید برای کشور نیست؛ یا مفید برای هیچ کس نیست، یا مفید برای آن شرکت خارجی‌ای است که به نحوی سفارش دهنده‌ی این مقاله است؛ شاید خود صاحب مقاله هم نداند که سفارش دهنده‌ی این مقاله کیست! به نفع او است. این فایده ندارد. حتی پایان‌نامه‌های دکتری - این جور که به من گزارش کرده‌اند؛ من نمیخواهم تکیه کنم و حتماً بگویم این جور است - به من این جور گزارش کرده‌اند که با نگاه خوش بینانه، ده درصد پایان‌نامه‌های دکتری به درد مسائل کشور میخورد. خب پایان‌نامه‌ی دکتری یک ذخیره است، یک گنج است؛ پایان‌نامه‌های دانشجویان واقعاً یک گنجینه و یک ذخیره است برای کشور.

موضوع این پایان نامه چه باشد که برای کشور مفید باشد؟ این مسئله‌ی اوّل. در روایات ما هم راجع به علم نافع تکیه شده. خود اساتید هم در این جلسات ماه رمضان - که معمولاً هر سال یک جلسه با آقایان و خانمهای اساتید دانشگاه داریم، اینجا می‌آیند سخنرانی میکنند - چندین نفر از آنها تا حالا، من یادم است که راجع به این نافع نبودن بعضی از کارهای تحقیقی در کشور هشدار میدادند؛ بنده هم بارها این را گفته‌ام. پس اوّلین مطلب این است که علم باید، هم نیاز امروز را تأمین کند، هم نیاز آینده را؛ این آینده را حدس بزنید، محاسبه کنید ببینید چه چیزی لازم داریم

....اگر این نفتی که ما داریم، ما نداشتیم [بلکه] آنها داشتند و به نفت احتیاج داشتیم، نفت را به ما بطری بطری میفروختند؛ ما حالا بشکه بشکه و تن تن میفروشیم، تنی این قدر تنی این قدر؛ اینها اگر ما احتیاج به این نفت داشتیم، همین نفت سیاه را به ما بطری بطری میفروختند؛ این جوری است. آن روزی که ما به انرژی هسته‌ای نیاز پیدا کنیم به خاطر نبودن نفت یا یک [بروز] مشکلی در نفت؛ فرض کنید مثلاً قیمت نفت آن قدر ارزان بشود - که الان می‌بینید دیگر؛ چطور راحت ارزان شد - که به تولیدش و به زحمت هزینه‌ی تولیدش نیرزد، خب آنجا انسان چه کار میکند؟ از نفت چشم میپوشد. خب در یک چنین مواقعی ما احتیاج داریم به انرژی هسته‌ای. از کجا بیاوریم؟ چه کسی به ما بدهد؟ این ممکن است ده سال دیگر، پنج سال دیگر، پانزده سال دیگر پیش بیاید؛ این را باید از حالا به فکر بود. همین جور باید [مدام] فکر

کنید؛ یعنی باید نیازسنجی کنید برای آینده و برای امروز، و آن وقت [میشود] علم نافع؛ علمی که برای رفع این نیازها به درد میخورد..

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● آینده علم و دانشگاه‌ها

علم مهم‌ترین ابزار پیشرفت و اقتدار ملی است؛ این را باید مسلم گرفت؛ واقعاً همین جور است. علم برای یک ملت مهم‌ترین ابزار آبرو و پیشرفت و اقتدار است. دانشگاه هم مهم‌ترین تربیت‌کننده‌ی مدیران آینده‌ی کشور است. خب، از این چه چیزی مهم‌تر؟ شما دارید مدیران آینده‌ی کشور را تربیت میکنید. اگر خوب تربیت کردید - که ان شاء الله همین جور است - آینده‌ی کشور، خوب اداره خواهد شد؛ اگر نتوانستیم خوب اداره کنیم، کوتاهی کردیم، طبعاً آینده‌ی کشور، تحت تأثیر همین کوتاهی‌ها قرار خواهد گرفت؛ یعنی اهمیت دانشگاه این است. البته دانشگاه با شکل کنونی یک پدیده‌ی غربی است - این را همه میدانیم - لکن دانشگاه به معنای تربیت‌کننده‌ی نوابغ و نخبه‌ها، به هیچ وجه غربی نیست؛ در کشور ما ریشه‌ی هزار ساله دارد. بله، به این شکل کنونی از غرب وارد شده لکن این کشور مدرسی داشته که در آن ابن سیناها، فارابی‌ها، محمد بن زکریای رازی‌ها، خوارزمی‌ها تربیت شدند؛ در همین کشور.

این اسم‌هایی که ما می‌آوریم، اسم‌های معروف است؛ هزاران نام غیرمعروف وجود دارد از پزشک، مهندس، مخترع، ادیب، فیلسوف، عارف که همه در این مملکت پرورش پیدا کردند.

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● پژوهش

مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی پژوهش است؛ پژوهش خیلی مهم است. البته ما پژوهشگاه‌هایی داریم، خوب هم هست اما خود دانشگاه‌ها باید پژوهش محور بشوند؛ پژوهشگاه درست کنند، پژوهشکده درست کنند و خود دانشگاه بشود پژوهش [محور]. منافاتی هم ندارد که بیرون هم باشند، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های بیرونی وجود داشته باشند اما خود دانشگاه‌ها بشوند پژوهش محور. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و

فناوری ۹۴/۸/۲۰

● ارتباط صنعت و دانشگاه

یکی از راه‌های ایجاد اشتغال برای تحصیل‌کردگان ما، همین مسئله‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه است. صنعت و دانشگاه باید ارتباط پیدا کنند؛ هم برای صنعت خوب است، هم برای دانشگاه؛ برای دانشگاه، هم برای مدیریت دانشگاه خوب است، هم برای دانشجو؛ این هنوز در

کشور راه نیفتاده. بنده اطلاع دارم از کارهایی که انجام گرفته و آقای دکتر فرهادی هم بعضی هایش را گفتند؛ مثلاً در زمینه‌ی مسائل دفاعی که مستقیماً بنده آنجا وارد هستم میدانم، همکاری‌های خیلی خوبی در زمینه‌ی مسائل دفاعی با دانشگاه‌های مختلف وجود دارد، قراردادهایی بسته‌اند، کارهای خوبی دارد انجام میگیرد، متنها اینها کافی نیست؛ بنده شنیده‌ام ندیده‌ام که در کشورهای پیشرفته، در جلسه‌ی دفاع دانشجویها، صاحبان صنعت می‌آیند شرکت میکنند، دفاع را گوش میکنند؛ از همانجا که این [دانشجو] دارد دفاع میکند، با او قرارداد میبندند؛ یعنی این جور دانشجوی فارغ‌التحصیل آماده‌ی به کار را می‌یابند. صنعت ما هم بایستی به این معنا توجه بکند. این کار هم فعالیت لازم دارد؛ این فعالیت آقایان وزرا را در دولت لازم دارد؛ بنشینند با مسئولین صنعت، مسئولین بخش خصوصی، بخش دولتی، کاری کنند که به طور واقعی و به معنای حقیقی کلمه و به صورت جامع، یک همکاری بین دانشگاه و صنعت کشور [انجام بگیرد]. فقط هم صنعت نیست؛ بخشهای گوناگون مدیریتی خصوصی و دولتی احتیاج به تحقیقات دانشگاهی دارند؛ [باید] در همه جا این کار انجام بگیرد. این هم [یک] مسئله است.

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● نقش آفرینی در اقتصاد مقاومتی

یک مسئله هم مسئله‌ی نقش آفرینی در اقتصاد مقاومتی است که اقتصاد دانش بنیان پایمی آن است. البته در این زمینه هم حرف زیاد زده‌ایم، دوستان هم مطالبی بیان کرده‌اند، دیگران هم گفته‌اند لکن آنچه در واقع عمل باید اتفاق بیفتد، هنوز اتفاق نیفتاده. بنده این را عرض بکنم؛ تازه گزارش مسئولین دولتی برای برنامه‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی دست بنده رسیده؛ تازه چند روز است! یعنی آنچه در واقع باید تحقق پیدا کند در اقتصاد مقاومتی، هنوز ما با آن فاصله داریم. خب، شما در دانشگاه در این زمینه نقش ایفا کنید؛ یعنی واقعاً بروید سهم خودتان را پیدا کنید و آن سهم را به معنای واقعی کلمه عمل کنید.

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● اساتید ارزشی

کاری کنید فضا بیفتد دست جوانِ مؤمنِ انقلابیِ خوش‌روحیه‌ی بانگیزه‌ی دارای احساس عزت‌به‌نفس و متدین. یکی از بزرگ‌ترین مسئولیتهای شما این است: کاری کنید که این مجموعه‌های مؤمن و سرشار از ایمان به انقلاب و به اسلام حرف اول را بزنند؛ فضای غالب دست اینها باشد؛ این جزو وظایف شما است.

بالاخره توجّه داشته باشید برادران و خواهران عزیز من، دانشگاهی‌های عزیز! بنده به دانشگاه علاقه‌مندم؛ من از دیرباز هم به دانشگاه معتقدم، هم بسیار علاقه‌مندم؛ بدانید دانشگاه و دانشجو امروز آماج بزرگ‌ترین توطئه‌ها است؛ از اینکه ما دانشگاهی داشته باشیم که دانشجوی آن، استاد آن با روحیه‌ی انقلابی، با روحیه‌ی تهاجمی وارد میدان بشود، خط‌های قرمز را که دشمنها برایش درست کرده‌اند به هم بزنند، پیش برود، کشور را پیش ببرد، پرچم علم را بالا ببرد، شعارهای انقلابی را پُررنگ کند وحشت دارند؛ برای اینکه این اتفاق نیفتد، دارند برنامه‌ریزی میکنند؛ پولها خرج میکنند. دشمنان راه سلطه‌ی آینده [را برنامه‌ریزی میکنند]. آن شکل استعمار قدیمی، امروز دیگر عملی نیست؛ آن چیزی هم که به آن میگفتند «استعمار نو»، حالا یواش یواش کهنه شده؛ آن چیزی که لازم است و دنبالش هستند این است که تفکرات در درون عناصر فعال و هوشمند و نخبه در یک کشور جوّی بشود که اهداف آنها را برآورده کند؛ دارند برای این سرمایه‌گذاری میکنند، دارند برای این پول خرج میکنند. به این دغدغه‌ها باید توجّه کرد.

(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۹۴/۸/۲۰)

● دشمن شناسی

تکیه‌ی ما بر دشمنی دشمنان خارجی به معنای اغماض از ضعفهای درونی خودمان نیست. این را به شما جوانهای عزیزم عرض بکنم؛ ما در درون خودمان ضعفهایی داریم؛ دشمن در موارد زیادی از ضعفهای ما استفاده میکند؛ این ضعفها را باید برطرف کنیم. ما ضعف در سیاست گذاری داریم؛ ضعف در اجرا داریم؛ ضعف در تلاش داریم؛ گاهی دچار تنبلی و دچار کاهلی در حرکتهای خودمان میشویم؛ ضعف در [تشخیص] اولویتهای کشور داریم؛ گاهی اوقات سربیک چیز جزئی، گروه‌هایی در درون کشور از خودمان با همدیگر درگیر میشوند، سر یک امری که ضرورتی هم ندارد، لزومی هم ندارد؛ از دشمن غافل [میشویم]؛ اینها ضعفهای ما است؛ این ضعفها را بایستی برطرف کرد. لکن وجود دشمن -دشمنی که آگاه است، دشمنی که پول خرج میکند، دشمنی که اگر بتواند از هیچ جنایتی فروگذار نمیکند- یک چیزی است که نباید مغفول عنه بماند. بعضی‌ها به بهانه‌ی همین مسائل جزئی داخلی، دشمن خارجی را فراموش میکنند، آمریکا را فراموش میکنند. اینکه امام (رضوان الله علیه) مکرر تکرار میکردند که هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید، به خاطر این است؛ بر سر یکدیگر کمتر فریاد بکشید. نمیگویم انتقاد نکنیم؛ نه، بالاخره جامعه، جامعه‌ی آزادی است، افکار آزادند، حق انتقاد وجود دارد، انتقاد هم مایه‌ی پیشرفت است اما دشمن اصلی را با دشمنان درجه‌ی دو و با دوستانی که با آنها اختلاف نظر داریم و دشمن هم حتی نیستند، اشتباه نگیریم؛ دشمن اصلی

جای دیگر است. دشمن اصلی آن دشمنی است که با همه‌ی توان درصدد این است که دستاورد عظیم ملت ایران را از او بگیرد؛ این دستاورد عبارت است از حضور ملت، حاکمیت ملی، نفوذ افکار قرآنی و اسلامی در میان مردم؛ این آن دستاورد بزرگ است که ما را به پیشرفت میرساند؛ تا امروز هم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم، بعد از این هم همین ما را به آرمانهایمان خواهد رساند. این را میخواهند از دست مردم بگیرند؛ میخواهند حکومت ظالمانه، حکومت دست‌نشانده، حکومتی دلباخته‌ی به غرب و تسلیم غرب و مرعوب غرب به وجود بیاورند، هدفشان این است؛ این را بایستی از یاد ببریم و این دشمن را در نظر داشته باشیم.

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳/۸/۹۴)

● تحصیل دانش

من توصیه‌ام به جوانها این است که اولاً جوانهای دانشجو و دانش‌آموز تحصیلات را خوب دنبال بکنند. علم وسیله‌ی قدرت است؛ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی، عبارت است از دانش؛ علم را دنبال بکنند؛ اهداف عمومی را بر خواسته‌های شخصی مقدم بدانند؛ بصیرت خودشان را نسبت به اوضاع کنونی، نسبت به گذشته‌ی تاریخی نزدیک، روزبه‌روز افزایش بدهند و بتوانند صحنه‌ی امروز دنیا را مشاهده بکنند.

● صدای رسا

امروز جمهوری اسلامی با صدای رسا، بدون بیم، بدون اینکه از تهدید دشمن بترسد و مرعوب دشمن بشود، دارد علیه ظلم، علیه سلطه، علیه استثمار و استکبار فریاد میکشد و این را ملت‌ها دارند می‌شنوند و تحت تأثیر قرار میگیرند. این را من به شما عرض بکنم؛ ملت‌ها تحت تأثیر حرکت ملت ایرانند و این در دنیا مشهود است؛ بالخصوص در دنیای اسلام مشهود است؛ برای ملت ایران، برای بزرگان انقلاب، برای شخص امام بزرگوار ما آن‌چنان تکریمی و احترامی قائلند که برای هیچ کس دیگر قائل نیستند؛ این به‌خاطر این است که این صدای رسا به گوش آنها میرسد؛ این صدای رسا را از دست ندهید. (۷) و این را بدانید که این شعار شما، «مرگ بر آمریکا»ی شما، این فریادی که ملت ایران میکشند، این دارای یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و قوی است؛ دارای پشتوانه‌ی عقلانی است. معلوم هم هست که مراد از «مرگ بر آمریکا»، مرگ بر ملت آمریکا نیست، ملت آمریکا هم مثل بقیه‌ی ملت‌ها [هستند]، یعنی مرگ بر سیاست‌های آمریکا، مرگ بر استکبار؛ معنایش این است، این دارای پشتوانه‌ی عقلانی است؛ قانون اساسی ما به این ناطق است، تفکرات اصولی و عمیق و منطقی بر این ناطق است و این را برای هر ملتی که تشریح بکنیم، آن را می‌پسندند و میپذیرند و قبول میکنند.

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۹۴/۸/۱۲)

● بصیرت

بحمدالله جمهوری اسلامی راه خودش را باز کرده است و دارد پیش میرود. من تردیدی ندارم در اینکه شما جوانهای عزیز روزهای را خواهید دید که بسیاری از این آرمانهای بلندی که جمهوری اسلامی ترسیم کرده است، در کشور شما و در زندگی شما تحقق پیدا کرده است؛ شک ندارم که آینده این جور است و شما خواهید توانست ان شاءالله کشورتان را بسازید و خواهید توانست که الهام بخش ملتّهای دیگر بشوید و خواهید توانست به توفیق الهی این غولهای وحشتی که ملتّها را میترسانند از پا بیندازید و ملتّها را ان شاءالله از زیر سایه‌ی رعب و وحشت اینها آزاد کنید؛ این را شما جوانها قطعاً به توفیق الهی خواهید دید، به شرط اینکه این راه را ادامه بدهید، به شرط اینکه با ایمان و با امید حرکت بکنید و بصیرت را، بصیرت را از دست ندهید.

(بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳/۸/۹۴)

● حراست از بسیج

من بسیج را خیلی مهم میدانم؛ بسیج را یک پدیده‌ی بسیار مهم، اثرگذار، با برکت و البته آینده دار [میدانم]؛ من معتقدم این تلاشهایی که میشود، کارهایی که میشود، تخریبهایی که انجام میگیرد، بسیج را سُست نمیکند؛ بسیج ان شاءالله روزه‌زور ریشه‌دارتر خواهد شد. بسیج یک روز یک نهال باریک و نازکی بود؛ امروز یک درخت تناوری است و بیشتر از این و بهتر از این خواهد شد به فضل الهی، لکن مراقب باشید این درخت تنومند دچار آفت نشود. اینجا من خطا به شماها است؛ مراقب باشید. گاهی اوقات با ارّه می‌آیند سراغ یک درخت، خب

میشود جلوی ارّه را گرفت؛ گاهی اوقات آفتی به درون درخت میخورد، این علاجش سخت‌تر است.

(بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج/۹/۹۴)

● نیروی عظیم ایمان

دشمنان اسلام و ایران با همه‌ی توطئه‌ها و یورشهای نظامی و اقتصادی و فرهنگی نتوانستند این کلمه‌ی طیبه را از رشد و تکامل باز دارند، و ملت ایران با پشتتازی شهیدان و ایثارگران و رزمندگان خود، با تمسک به اسلام و ایمان صادقانه و هوشمندانه توانست دستاورد گرانبهائی خود را پاسداری کند و به نقطه‌ی ثبات و استحکام برساند. هرگز نباید گمان کرد که جبهه‌ی کفر و ظلم و استکبار و مادیگری، از تلاش خصمانه‌ی خود برای آسیب رساندن به انقلاب - که امروز در قالب نظام جمهوری اسلامی متبلور است - دست برداشته است؛ ولی شک نیز نباید کرد که امروز و همیشه، تلاش مخلصانه‌ی حق‌طلبان، و همت بلند ملت ایران و در پیشاپیش همه، مجاهدت و ایثار مخلصان و از جان گذشتگان و جوانان مؤمن و پاکنهاد، بر هر دشمنی پیروز خواهد شد و هر توطئه‌ی را خنثی خواهد کرد و نیروی عظیم ایمان و ایثار در همه‌ی میدانهای خطیر، سخن اول و آخر را خواهد گفت.

(پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی ۱۳۷۷/۱۱/۱۵)

● استقامت و ایستادگی

ملت ایران، اگر می‌خواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخشهای مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر می‌خواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار بپردازد. ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است. لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. ملت و بخصوص مسئولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند با حرکت عاقلانه، خردمندانه و حکیمانه، مانع شوند که دستاوردهای مردم ایران، خدای ناکرده از بین برود. چه دستاوردهایی که مستقیماً به وسیله‌ی انقلاب به این ملت داده شده است - مثل حکومت مردمی، دولت مردمی، رئیس‌جمهور مردمی، نمایندگان مردمی و از این قبیل - و چه دستاوردهایی که متعلق به انقلاب است، اما غیر مستقیم به این ملت داده شده است - مثل حرکات سازندگی؛ که همه، کار انقلاب و هنر انقلاب است و به وسیله‌ی عناصر انقلابی، در دولت و بخشهای مختلف انجام گرفته است - دستاوردهایی چنین را ملت ایران و مسئولین، باید خردمندانه و حکیمانه حفظ کنند.

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسئولین، خط نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خط استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاوه‌گوییها و پرگوییهای کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع می‌کنند، ادامه دهند. اما این که

مکرر گفته می شود «راه امام و خط امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خط امام، اسلام و انقلاب است» این، مطلبی کلی است. معلوم است که خط امام، انقلاب و اسلام است! هیچ کس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که می تواند مقصود امام بزرگوار را - که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است - برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهرا سید و ترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد. هیچ کس هم نمی تواند امام بزرگوار را به این متهم کند که آن چه انجام داد، خلاف تدبیر صحیح بود. همه ی عقلای عالم، اگر دقت کنند، می فهمند و تحلیل می کنند که راه درست، همان راهی بود که آن مرد رفت؛ راهی به سوی هدفهای خود او. هر کس آن هدف را داشته باشد، راهش همانی است که آن بزرگوار پیمود. این، عرض من در سالگرد هفتم امام بزرگوار است.

(بیانات در اجتماع زائران مرقد امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۵)

● هشجاری

امریکا، اروپا و همه، قادر نیستند بر خلاف اراده ی مردم مسلمان ایران، در مورد این کشور قدمی بردارند و کاری صورت دهند. شما غالب هستید؛ شما قدرتمند هستید؛ شما باید که علی رغم خواست دشمن، توانستید اسلام و جمهوری اسلامی را حفظ و از آن دفاع کنید. شما توانستید توطئه ها را در هم بکوبید؛ پس قویتر از آنها هستید. این، نکته ای مسلم و قطعی است. اگر بخواهید قدرتتان باقی بماند، باید هشجاری باشید؛ همچنانی که تا امروز هم هشجاری به درد

این مردم خورده و آنها را نجات داده است. کسانی را که علیه دین و تعالیم دینی و معلمین راستین دین و علما و بزرگان دین اقدام می‌کنند، حرف می‌زنند، توطئه می‌چینند و سعی در ساقط کردن ارزشهای آنان دارند، بشناسید. دشمن را در هر لباسی باید شناخت. جوانان مسلمان، مثل شما جوانان قم و سایر نقاط کشور که بحمدالله مظهر شور و هیجان اسلامی و شعار همراه با شعور و منطق هستید، این شناخت را دارید و خدا را از این بابت شکرگزاریم. اتحاد و اتفاقاتان را محکمتر و مستحکمتر کنید. انقلاب اسلامی دستاورد بزرگی است و برای جمهوری اسلامی و ملت ایران، بزرگترین ارزش است. پیوند میان مردم و مسؤولین؛ پیوند میان آحاد مردم؛ احترام به خدمتگزاران دین؛ احترام به خدمتگزاران کشور و کوشش برای عمق بخشیدن به معارف اسلامی، عواملی است که دشمن را مأیوس می‌کند. این عوامل و ویژگیهاست که راه را برای پیشرفت باز می‌کند. کشور ما بحمدالله سرشار از امکانات بالقوه‌ای است که باید بالفعل شود. سالها دشمنان ما تلاش کردند این امکانات را نابود، یا از آنها به نفع خودشان استفاده کنند. سالها تلاش کردند استعدادها را بمیرانند. لذا، سالهایی هم طول می‌کشد تا همه‌ی اینها مجدداً احیا شود.

(بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۷۱)

● نهادهای انقلابی

نهادهای انقلابی که از آغاز نقش مؤثری در حراست از دستاوردهای انقلاب داشته‌اند - چه آنها که در قالب سازمانها و تشکیلات تولیدی و خدماتی و تبلیغاتی خدمت می‌کنند، و چه انجمنهای اسلامی که در همه‌جا پرچمدار ارزشهای انقلابی می‌باشند - روحیه‌ی انقلابی را با

نظم و انضباط دقیق و توأم با سعی صدر به کار گرفته، بدون تخطی از وظایف خود، راه و رسم دفاع از انقلاب را زنده نگهدارند.

(پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳)

● ارزش های انقلابی

ارزشهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب و فضای اسلامی جامعه، ناموس همه‌ی آحاد مردم ماست و از آن، غیرتمندانه و با کمال قدرت دفاع می‌کنیم و باید بکنیم.
(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸)

● حفظ دستاوردها

سیره‌ی امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه‌ی ملت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه‌ی کسانی است که می‌خواهند در سایه‌ی اسلام، برای خود زندگی شایسته‌ی انسانی فراهم کنند. البته ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست - یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب - یک ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره‌ی عظیم، باید شکر این نعمت را بگزاریم.

(بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴)

● حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی

این افتخار شما را بس که امام بزرگوارمان (قدس الله نفسه الزکیه) از تلاشهای خالصانه و صادقانه‌ی شما اظهار رضایت فرمودند و سینه‌هایتان را به مدال سربازی گمنام حضرت صاحب (ارواحنا فداه) مزین داشتند.

امیدوارم با الهام از آن روح پاک و با توکل به عنایات خداوند متعال و در ظل توجهات حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پایداری و حراست از انقلاب اسلامی و دستاورد بزرگ امت عظیم الشان موفق باشید.

(تقدیر از کارشناسان اطلاعاتی کشور در امر شناسایی و انهدام شبکه‌ی جاسوسی امریکا در ایران ۱۳۶۸/۴/۱۸)

● حفظ دستاورد خون شهیدان

هنگامی که ملت عزیز در مناسبتهای گوناگون، بخصوص در دهه‌ی فجر مبارک، یاد شهیدان را گرامی می‌دارد و به نام آنان شعار می‌دهد، بیش از همه باید محصول ارزشمند جهاد و شهادت آن عزیزان در مد نظرها باشد و همه خود را به پاسداری از آن موظف بدانند و یکدیگر را به آن توصیه کنند. خدا را شکر که خون شهیدان و جگرگوشگان این ملت به بار نشست و ثمرات شیرین آن، در صحنه‌های گوناگون کام ملت ما را شیرین کرد. اکنون همه باید خود را مسؤول

حراست از دستاوردهای انقلاب - که در حقیقت دستاورد خون شهیدان ماست - بدانیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنیم.

(پیام به خانواده‌های معظم شهدا در هفتمین روز دهه‌ی فجر ۱۳۶۹/۱۱/۱۸)

همه باید خود را مسوول حراست از دستاوردهای انقلاب - که در حقیقت دستاورد خون شهیدان ماست - بدانیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنیم.
(پیام به خانواده‌های معظم شهدا در هفتمین روز دهه‌ی فجر ۱۳۶۹/۱۱/۱۸)

● دستاوردهای انقلاب؛ حرم و ناموس ما

نگذارید احساس غیرت انقلابی و تکلیف در مقابل انقلاب، در دل‌های شما ضعیف بشود و فرو بنشیند. مثل کسی که از خانواده و حرم و ناموس خود دفاع می‌کند، از انقلاب و ارزش‌ها و دستاوردهای آن، همین‌طور دفاع کند.

زن و مرد و پیر و جوان، در هر شغلی از شغل‌ها که هستید و در هر گوشه‌ی از این کشور که زندگی می‌کنید - فرق نمی‌کند - بدانید که این انقلاب آسان به‌دست نیامده است. خون دل‌ها خوردند، خون‌ها ریخته شد و کمک‌ها و فیوضات عظیم الهی شامل حال این مردم شد تا این دستاورد عظیم به‌دست آمد. این‌طور نیست که مردم و ما بنشینیم نگاه کنیم که کسانی ارزش‌های انقلاب را تاراج کنند و یا به آنها اهانت نمایند و آنها را سبک بشمارند. نه، ارزش‌های انقلابی و دستاوردهای انقلاب و فضای اسلامی جامعه، ناموس همه‌ی آحاد مردم ماست و از آن، غیرتمندانه و با کمال قدرت دفاع می‌کنیم و باید بکنیم.

دشمن نباید بتواند با ترویج فرهنگ فساد - هر نوع فساد، چه فسادهای مربوط به شهوات جنسی و چه فسادهای مالی و چه انواع و اقسام فسادهای اخلاقی و عملی دیگر - این انقلاب را از درون بیپوساند. یکایک شما زن و مرد، باید مثل آن جوان شجاع و غیرتمندی که در برابر خانه و حریم و خانواده و موجودی خود سینه سپر می کند و از آن دفاع می کند، از انقلاب و اسلام و مسئولان و دستاوردها و ایمان اسلامیتان دفاع کنید و در مقابل کسانی که به آن هجوم می ورزند، بایستید.

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸)

منبع :

• بیانات حضرت آیت الله خامنه ایی ، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران

• www.khamenei.ir